**شناسنامه کتاب بهار بندگی**

**ویژه رمضان 94**

**نام کتاب: بهار بندگی ـ ویژه رمضان 94**

موضوع: گزیدة اشعار، سرودها و نوحه های ماه مبارک رمضان

ناظر کیفی متون روضه : حجت الاسلام جعفر واضحی

گردآورندگان: مرتضی نظری ـ محمد جواد پژوه

ناشر: کانون بسیج مداحان نخبه

طراح جلد: علیرضا زهره وند

صفحه آرا: مجید اکبر زاده

تیراژ: 600

نوبت و تاریخ چاپ: اول ـ 94

قیمت: 15000تومان

مرکز پخش: تهران ـ بزرگراه بسیج ـ خ شهید رحیمی ـ سازمان بسیج مداحان ـ دفتر کانون بسیج مداحان نخبه

تلفن : 35947738 ـ 021

روابط عمومی : 09193043721

نمابر : 33239719 ـ 021

سامانه پیام کوتاه : 30007654322254

صندوق پستی : 1781813113

**پیشگفتار**

دروازه‏ های سپهر وا می شوند و زمین، در گلباران مهمانی بزرگ، به سرور و شادمانی می‏‌نشیند و هلهله سر می دهد. در نیمه راه برکت‏‌خیز رمضان، رایحه شکوفه‏‌های یاس است که کوچه‏‌های مدینه را آکنده می‌کند. مالامال از بوی حسن علوی و در شکوه بارانی اش آسمان دف می زند. در دهه پایانی است که هر کس که بخواهد می‌تواند سیل عظیم فرشتگان را در جوشن احساس کند و بندگی و عبودیت مخلصانه علی را به تماشا بنشیند. اینجاست که دعای مجیر را برای رهایی از آتش دوزخ مسلمانان با اخلاص سر می‌دهند و پروردگارشان را عاجزانه صدا می‌زنند. این روزهاست که خدا بندگانش را برای مهمانی بزرگ فراخوانده است.

این کتاب شامل شش بخش کلی می باشد:

* **اصول فنی**
* **در محضر اساتید**
* **برگی از تاریخ** که شامل پنج فصل می باشد:

1. مناجات نامه
2. غمخوار پیامبر(صلی الله علیه و آله)
3. امام حسن مجتبی (علیه السلام) و آموزه های تربیتی
4. لیله القدر
5. ماجرای قطام و ابن ملجم

* **بیانات رهبری در دیدار با مداحان**
* **اشعار منتخب** **مناسبت های** **مذهبی** که دارای هفت فصل می باشد:

1. مناجات با خدا
2. مناجات با امام زمان ( عجل الله تعالی فرجه)
3. وفات حضرت خدیجه (علیها السلام)
4. ولادت امام حسن(علیه السلام)
5. شب نوزدهم
6. شهادت امیرالمومنین (علیه السلام)
7. شام غریبان

* **گلچین مجالس مداحان** که شامل ده فصل می باشد :

1. مناجات
2. وفات حضرت خدیجه ( علیها السلام)
3. ولادت امام حسن(علیه السلام)
4. شب نوزدهم
5. شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)
6. شام غریبان
7. سینه زنی علوی
8. سینه زنی حسینی
9. زمزمه
10. نکات ناب

* **سبکهای تولیدی**

لازم به ذکر است :

* بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .
* بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .
* همچنین قسمت گلچین مجالس، از روضه و سبکهای سینه زنی و همچنین شعر ها و سرود های ولادت ها که توسط مداحان اهل بیت(علیهم السلام)در ایام رمضان سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.
* متن جزوه به ترتیب مناسبت های ماه رمضان می باشد.
* قسمت نکات ناب جهت استفاده ذاکرین از جوانب متفاوت روضه از دیدگاه اساتید تهیه گردیده است.
* بخش اصول فنی گزیده ای از دروس تدریس شده توسط کربلایی محمد فراهانی می باشد.
* بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در اجتماع عمومی ذاکرین بسیجی می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه رمضان در اختیار عزیزان قرار گیرد.
* بخش سبکهای تولیدی، از سبکهای تولیدی اعضای کانون بسیج مداحان نخبه تهیه گردیده است.

**نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:**

1. هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:

* دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبت های ایام رمضان
* در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان با تجربه، صیقلی نسبی خورده باشد

1. صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جا به جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.
2. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون بسیج مداحان نخبه**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**وصیت نامه شهدا**

وصیت نامه شهید علی اصغر پولکی ( شهید غواص)

 با یاد خدا و سپس با سلام بر مهدی(عج) سرورما و با سلام بر رهبرم و با سلام بر سر بریده سرور شهیدان امام حسین(ع) و بدن قطعه قطعه و لبهای تشنه و با سلام بر شهیدان مظلوم و گمنام و بدنهایی که زیر آفتاب مانده اند.

 خداوندا شکر می گویم تو را که که چنین نعمت بزرگی را برای انسانها قرار دادی. آری شهادت چه زیبا و چه با ارزش است.

خداوندا شکر می گزارم که سرور ما را امام حسین(ع) قرار دادی که با بدنی خون آلود و بی سر نزد تو آمد.

از تو سپاسگزارم که چنین گوهر با ارزشی را به ما عنایت فرمودی و انقلاب اسلامی را به ما ارزانی داشتنی و چنین رهبری که امیدوارم تا انقلاب مهدی(عج) او را از ما نگیری، (به ما دادی)

ملت عزیز و سروران من!

از شما می.خواهم که که بعد از من نگذارید سلاح خونینم بر زمین بماند و قدر و ارزش این انقلاب را بدانید و مقام خود را که در چنین دوره ای زندگی می کنید.

عزیزان نگذارید کسی به انقلاب و مسئولان توهین کند که با این کار خداوند مخالف است و پیغمبر و امامان نیز ناراحت خواهند شد و چه خوب است خداوند و پیغمبر عزیزمان را از خود راضی نگه دارید.

عزیزان! به چنین رهبر بزرگواری در تمام دنیا افتخار کنید و قلب او را نشکنید و او را یاری دهید که مانند مردان اهل کوفه نشوید که بد مردمانی بودند و فریب دنیا را خوردند.

خدا ترس باشید و گریه کنید، نه برای شهیدان بلکه برای ابا عبد الله که چه مظلومانه شهید شد و راه را به ما نشان داد و هدف را روشن و حجت را تمام ساخت، عزیزان نگذارید خون شهیدانمان را پایمال کنند.

والسلام علی من اتبع الهدی

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**بخش اول؛ اصول فنی**

**مرحله سوم**

**فراگيري شعر خواني**

معمولاً پس از اينكه ذاكرين به خواندن ادعيه و زيارات مي پردازند، گاهي با توجه به شرايط و مناسبتها نسبت به خواندن شعر احساس نياز مي كنند ، اينجاست كه نياز به فراگيري شعر خواني آشكار مي شود.

در اين بحث اين توضيح لازم است كه منظور از شعر خواني همان اشعاري است كه بدون ضرب در دستگاه­هاي آواز و سبكهايي چون دشتي ، تركي و ... خوانده مي­شود.

براي فراگيري شعر خواني بايد الگويي را ـ در سبكهاي مورد استفاده در مداحي ـ انتخاب كنيد و با رعايت الگوي تمرين ، بياموزيد. پس از آموختن اين الگوها مي توانيد اشعار مورد نيازتان را در اين قالبهاي آموخته شده قرار داده و استفاده نماييد.

براي تسريع در كاربردي كردن سبكهاي آموخته شده ، ابتدا اشعاري را انتخاب كنيد كه از جهت وزن ، قافيه و رديف با الگو مشابهت داشته باشند و به مرور با رسوخ بيشتر سبك در حافظه تان هر شعري را ـ با هر وزن و قافيه اي ـ مي توانيد در قالبهاي آموخته شده قرار دهيد.

براي دسترسي به الگوي آموزشي مي توانيد به مراكز آموزش مداحي مراجعه نماييد. نكته قابل ذكر اينكه حتما الگوي خود را از بين مداحيهاي سنتی (كه در مباحث بعدي شرح آن خواهد آمد) انتخاب كنيد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش دوم؛ در محضر اساتید**

**سه مرحله اساسی برای رسیدن به برکات ماه مبارک رمضان**

برای رسیدن به این برکات این ماه باید سه مرحله خیلی اساسی را پشت سر بگذاریم، تا این سه مرحله پشت سر گذاشته نشود بهره برداری ما از این ماه خیلی کم خواهد بود.

**مرحله اول؛ از محرمات بپرهیزید و مو به مو به واجبات عمل بکنید**

اولین مرحله بستن در به روی محرمات است،یعنی منافذ ورود حرام را به زندگی خودمان ببندیم، اولین نسخه ای که علما برای سالکین مبتدی تجویز می کنند، اجتناب از حرام است. شاید خیلی ها این جمله را شنیده باشند که خدمت آقای بهجت می رسیدند و از ایشان تقاضا می کردند که یک دستور عمل سلوکی ارائه دهد، ایشان نگاه به طرف مقابل می کرد و اگر می دید طرف مبتدی هست، و در ابتدای راه ایستاده، یک دستور العمل سلوکی ابتدائی به او می داد،می فرمود اولین وظیفه ای که بر عهده شماست این است که از محرمات بپرهیزید و مو به مو به واجبات عمل بکنید. خدا رحمت کند مرحوم آیت الله مجتهدی که می فرمود: اگر کسی به واجبات عمل بکند و ترک از محرمات داشته باشد، او ولی خداست. امام صادق(علیه السلام) فرمود: اعبد الناس من ترک الحرام؛ کسی که در زندگی آبرو دارد، کسی است که در زندگی شخصی خودش در را به روی حرام بسته است.

**مرحله دوم؛پرهیز از امور شبهه ناک**

دومین مرحله بستن در بر امور شبهه ناک است،آقا این لقمه را بخوریم یا نخوریم چطوری است؟عروسی دعوتمان کردند برویم یا نه؟اگر می خواهی به مقامات سالکان برسی باید سر کلاس دوم بنشینی، اگر حرام وارد بدن بشود آن وقت با آثار وضعی آن چه می کنی؟ از امر شبهه ناک پرهیز کن.امام خمینی(رحمه الله علیه) بیخودی امام نشد. اینها به مرحله اول اکتفا نکردند، در کلاس دوم نشستند و به این مقامات رسیدند.

**مرحله آخر؛ درب دلت را روی غیرخدا ببند**

مرحله سوم بستن در روی غیر خدا می باشد.در مرحله اول می گویند: در را روی حرام ببند و در مرحله دوم می گویند از امور شبهه ناک بپرهیز، و وقتی به مرحله سوم برسی، انقدر قوی هستی که باید در را روی غیر خدا هم ببندی.

**من در عالم خدایی بهتر از تو برای پرستیدن پیدا نکردم!**

خدایا اگر علی تو را می پرستد، به خاطر سیب و گلابی بهشت نیست،بخاطر ترس از بهشت و جهنم هم نیست،علی جان پس چرا اینطوری خدا را عبادت می کنی؟خدایا من همه عالم را گشتم، اما. لذا در خطبه همام که به حضرت علی(علیه السلام) گفت: آقا متقین را برای ما تعریف کن،چنان کلمات حضرت در عمق جان او نفوذ کرد، که بعداز اتمام خطبه یک صیحه ای زد و از دنیا رفت. اینها اصلا فقط خدا را می بینند.«عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ صَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِم‏» کسی که با خدا رفیق می شود، همه مشکلاتش را پشت سر می گذارد[[1]](#footnote-1).

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش سوم؛ برگی از تاریخ**

**فصل اول؛ مناجات نامه**

مناجات خدا با انسان

بندگاني هستند كه خدا با آن‏ها مناجات مي‏كند، بندگاني گمنام كه در جمع‏هايي هستند و لياقت‏هايي دارند، گاهي حواله‏هايي دارند كه از زبان يك ناداني يا از زبان كسي كه خودش عمل نمي‏كند، آن حواله‏ها به ايشان مي‏رسد!؛ «ربّ حامل فقهٍ الي من هو افقه منه[[2]](#footnote-2)‌».؛ مي‏دانيم كه انبياء عظام از كساني هستند كه خدا با ايشان سخن مي‏گويد. طبعاً وقتي به آن‏ها وحي مي‏شود ممكن است بعضي از وحي‏ها جنبه‏ي مناجات داشته باشد. در مورد انبياء اين تعجبي ندارد كه خدا با آنان رازگويي كند و مطالبي خصوصي براي آنها بيان كند[[3]](#footnote-3).

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل دوم؛ غمخوار پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)**

وصیت های حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در آخرین لحظات زندگى وصایایى به شرح زیر به پیامبر اكرم(صلی الله علیه و آله و سلم) نمود:  
1. براى او دعاى خیر كند.  
2. او را با دست خود در خاك قرار دهد.  
3. پیش از دفن در قبر او وارد شود.  
4. عبایى را كه به هنگام نزول وحى بردوش داشت، روى كفن او قرار دهد[[4]](#footnote-4).  
حضرت خدیجه (سلام الله علیها) كه همه اموال منقول وغیر منقولش را به حبیب خود بخشیده بود، در مقابل فقط یك عبا مطالبه نمود و آن را مستقیماً طلب نكرد، بلكه به وسیله حضرت فاطمه (سلام الله علیها) تقاضا كرد[[5]](#footnote-5). آنگاه پیك وحى فرود آمد وكفن بهشتى از سوى پروردگار از بهشت آورد.  
ام ایمن وام الفضل (همسر عباس) پیكر مطهر حضرت خدیجه(سلام الله علیها) را شستشو دادند و براى آخرین بار وداع كردند[[6]](#footnote-6).

آيا حضرت خديجه (س) قبل از پيامبر(ص) با فرد ديگرى ازدواج كرده بود؟   
حضرت خديجه كبرى (سلام الله عليها)، برترين همسر رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و يكى از چهار زن برتر بهشتى است. او نخستين كسى است كه به رسول خدا ايمان آورد و تمام اموال و دارائى‌هاى خود را در راه پيشرفت اسلام هديه كرد.  
درباره مقام آن حضرت همين بس كه خداوند به او سلام فرستاده و وعده قصرى بهشتى به او داده است.   
علامه مجلسى (رضوان الله تعالى عليه) در اين باره مى‌نويسد:  
عَنْ زُرَارَةَ وَحُمْرَانَ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ (عليه السلام) قَالَ لِي لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي حِينَ رَجَعْتُ وَقُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ قَالَ حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَى خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامَ. وَحَدَّثَنَا عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقَّاهَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ لَهَا الَّذِي قَالَ جَبْرَئِيلُ فَقَالَتْ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَئِيلَ السَّلَامُ.  
امام باقر (عليه السلام) از ابوسعيد خُدرِى نقل مى كند: رسول خدا ( صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: درشب معراج وقتى كه باز مى گشتم به جبرئيل گفتم: آيا خواسته اى از من داري؟ گفت: درخواست من اين است كه سلام خدا و مرا به خديجه (سلام الله علیها) برسانى، رسول خدا وقتى كه پيام جبرئيل را به خديجه ابلاغ فرمود، در پاسخ گفت: خداى بزرگ مصدر سلامتى است و همه سلامتيها از او است و تمام سلامتيها به او باز مى گردد، و بر جبرئيل درود و سلام[[7]](#footnote-7).  
بنابراين در مقام و منزلت حضرت خديجه سلام الله عليها جاى هيچ ترديدى باقى نمى‌ماند؛ اما از آن جايى كه اهل سنت دوست دارند عائشه را برترين همسر رسول خدا معرفى نمايند، و لذا سعى در فضيلت‌تراشى براى او دارند و تنها چيزى كه يافته‌اند، اين بود كه مدعى شدند عائشه تنها همسر باكره رسول خدا بوده و ديگر همسران رسول خدا از جمله حضرت خديجه قبل از آن حضرت همسر داشته‌‌اند؛ در حالى كه اين مطلب با واقعيت‌هاى تاريخى سازگارى ندارد، زيرا بر اساس نقل، عائشه هم قبل از رسول خدا همسر ديگرى داشته است.

بحث اصلى ما در اين باره است كه آيا حضرت خديجه سلام الله عليها قبل از رسول خدا ازدواج كرده بود يا خير؟.  
پاسخ اين سؤال در آثار و كتب بزرگان و انديشمندان شيعى به فراوانى وجود دارد كه با احترام به همه بزرگان و رعايت اختصار به بخشى از پاسخ و توضيح اكتفا و اشاره مى كنيم:  
برخى گفته اند: رسول خدا همسر باكره اى غير از عایشه نداشته است و درباره خديجه گفته اند: وى قبل از رسول خدا با دو نفر به نامهاى عتيق بن عبد الله مخزومى و ابوهاله تميمى ازدواج كرده بود و فرزندانى از آنان نيز داشته است.  
اين سخن به اعتقاد برخى از بزرگان شيعه قابل قبول نيست؛ زيرا بخش زيادى از اين قبيل سخنان را طراحان سياست با هدف زدودن هاله قداست و پاكى از رحم بانوئى كه ظرف وجود كوثر قرآن، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است ساخته‌اند و لذا دقت در اين موضوع و نقد سخنان موجود در منابع تاريخى و حديثى شك و شبهه را از بين مى برد.  
ابو القاسم اسماعيل بن محمد اصفهانى از دانشمندان اهل سنت تصريح مى‌كند كه حضرت خديجه (سلام الله عليها)، باكره بوده است.  
وكانت خديجة امرأة باكرة ذات شرف ومال كثير وتجارة تبعث بها إلى الشام فتكون عيرها كعامة عير قريش.  
حضرت خديجه، زنى باكره، داراى اعتبار و مال بسيارى بود، كاروان تجارى‌اش را به سوى شام مى‌فرستاد و كاروان او به اندازه تمام كاروان قريش بود[[8]](#footnote-8).  
ابوالقاسم كوفى از علماى شيعه، در اين باره استدلال جالبى كرده است كه توجه خوانندگان عزير را به آن جلب مى‌كنيم. وى در كتاب الإستغاثه مى‌نويسد:  
أن الإجماع من الخاص والعام من أهل الأنال ونقلة الأخبار على أنه لم يبق من أشراف قريش ومن ساداتهم وذوي النجدة منهم إلا من خطب خديجة ورام تزويجها فامتنعت على جميعهم من ذلك فلما تزوجها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم غضب عليها نساء قريش وهجرنها وقلن لها خطبك أشراف قريش وأمراؤهم فلم تتزوجي أحدا منهم وتزوجت محمدا يتيم أبي طالب فقيرا لا مال له، فكيف يجوز في نظر أهل الفهم أن تكون خديجة يتزوجها أعرابي من تميم وتمتنع من سادات قريش وأشرافها على ما وصفناه، ألا يعلم ذو التميز والنظر أنه من أبين المحال وأفظع المقال، ولما وجب هذا عند ذوي التحصيل ثبت أن خديجة لم تتزوج غير رسول الله (ص).  
مورخان و محدثان شيعه و سنى بر اين مطلب اتفاق دارند كه كسى از بزرگان، اشراف، رؤسا و جوانمردان قريش باقى نماند؛‌ مگر اين كه از حضرت خديجه خواستگارى كرد و ازدواج با ايشان را آرزو مى‌كرد؛ اما خديجه كبرى دست رد بر سينه همه آن‌ها زد؛ ولى وقتى رسول خدا (صلي الله عليه وآله) با او ازدواج كرد، تمام زنان قريش از او فاصله گرفته و رفت و آمد با وى را ترك كردند و گفتند: تو پيشنهاد سران قريش را رد كردى و تن به همسرى كسى دادى كه فقير است و مال و ثروتى ندارد؟!  
با اين حال چگونه اهل‏فهم مى‏توانند بپذيرند که حضرت خديجه با يك اعرابى از قبيله بنى تميم ازدواج كرده باشد؛ اما خواستگارى بزرگان قريش را نپذيرفته باشد؟  
آيا صاحبان فكر و انديشه نمى‌دانند كه اين مطلب از آشكارترين محالات و ناپسند‌ترين گفتارها است، وقتى براى اهل تحقيق اين مطلب ثابت شود، ثابت مى‌شود كه حضرت خديجه با كسى غير از رسول خدا صلى الله عليه وآله ازدواج نكرده است[[9]](#footnote-9).

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل سوم؛ امام حسن مجتبی ( علیه السلام) و آموزه های تربیتی**

امام حسن مجتبى(ع) در مورد اهميت تربيت معنوى و روحى مى‏فرمايد: «عجبت لمن يتفكّر فى مأكوله كيف لايتفكّر فى معقوله فيجنّب بطنه مايؤذيه و يودع صدره ما يرديه؛ تعجب مى‏كنم از فردى كه در غذاى جسمانى خود فكر مى‏كند (كه سالم و بهداشتى و پاكيزه باشد) اما در غذاى روح و جان خويش نمى ‏انديشد»، در نتيجه شكم خود را از غذاهاى زيانبخش حفظ مى‏كند ولى برايش اهميتى ندارد كه افكار پليد و ناپسند در روان او وارد شده و وجودش را در معرض افكار پست و انحرافى قرار دهند.

نقش آفرينان در تربيت

**والدين:**  
از منظر امام حسن مجتبى(ع) پدر و مادر در شكل‏گيرى شخصيت فرزندان اساسى ‏ترين نقش را دارند به اين جهت آن حضرت به مردى كه در مورد خواستگاران دخترش از آن حضرت نظرخواهى مى‏كرد، به نقش پدر آينده و مدير خانواده اشاره كرده و فرمود: «زوّجها من رجلٍ تقّىٍ فانّه ان احبّها اكرمها و ان ابغضها لم يظلمها[[10]](#footnote-10)؛ براى همسرى دخترت مردى با تقوا و مؤمن برگزين، زيرا اگر او دختر ترا دوست بدارد وى را احترام خواهد كرد و اگر خوشايند او نباشد به وى ظلم نمى ‏كند.»  
همچنين آن گرامى به اهمّيت نقش مادر پرداخته و هنگامى كه بامعاويه مناظره مى‏كرد در مورد يكى از علل انحراف معاويه از محور حق و انحطاط اخلاقى وى از نقش مادرش هند ياد كرده و گفت: معاويه! چون مادر تو «هند» است و مادر بزرگت «نثيله» مى‏باشد و تو در دامن چنين زنان فرومايه و پست پرورش يافته‏اى اين گونه اعمال زشت از تو سر مى‏زند و سعادت ما اهل بيت پيامبر(ص) در اثر تربيت در دامن مادرانى پاك و پارسا همچون خديجه و فاطمه مى‏ باشد[[11]](#footnote-11).

**نقش رفيق**  
بدون ترديد بعد از خانواده مهمترين عاملى كه در خلق و خوى فرزندان تأثير مى ‏گذارد رفقا و دوستان وى هستند. حضرت امام مجتبى (ع) در تربيت فرزندان خويش به نقش مهم رفيق توجه داشته و به داشتن دوستانى سالم عنايت ويژه مبذول كرده است. آن حضرت به فرزندش سفارش مى‏كند كه: فرزندم! با هيچ كس دوستى مكن مگر اينكه از رفت و آمد (ويژگى‏ هاى روحى، اخلاقى و رفتارى) وى آگاه گردى، هنگامى كه دقيقاً بررسى و تحقيق نمودى و معاشرت و دوستى با او را برگزيدى، آن گاه با او بر اساس گذشت و چشم پوشى از لغزش ‏ها و يارى كردن در سختى‏ ها همراه باش[[12]](#footnote-12)!

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ لیله القدر**

[فلسفه قرآن سرگرفتن شبهای قدر](http://saqalain.persianblog.ir/post/33/)

بفرموده حضرت استاد جوادی آملی (دامت برکاته)، منظور از قرآن به سر گرفتن در این شب عزیز این است که قرآن در رأس همه امور ما قرار بگیرد و تمام شئون زندگی ما قرآنی شود .رأس امور قرار دادن قرآن یعنی تمام علوم اسلامی بشود و متون درسی دانشگاه های ما اسلامی بشود و اگر قرآن رأس امور بود همه مسائل درسی ، سیاسی و اجتماعی ما حل می شود . اینکه بعد از قرآن به سر گرفتن نام ائمه برده می شود این است که بفهمیم اینها  مفسر و مبین قرآن هستند پس هم قرآن بر سر است و هم عترت و سر هم جزء اعضاء رئیسه است وشریفترین عضو بدن . اینکه می گویند قرآن در شب قدر نازل شد، نزول قرآن بمانند نزول باران نیست . در نزول باران می گوییم خدا باران نازل کرد، بمعنی انداختن ولی نزول قرآن به معنی انداختن نیست بلکه بمعنی آویختن است، مانند آویختن طناب به درون چاه. خداوند می فرماید که ما این طناب را آویختیم که یک طرف آن بدست من است وطرف دیگر به دست شما، اقرأ وأرق، بگیرید و بالا بیایید، واعتصموا بحبل الله جمیعا، به این ریسمان الهی چنگ بزنید . اگر در این شب از خدا بخواهیم که گناهان گذشته ما را بیامرزد، کم همتی است و این جزء ریخت و پاش شب قدر است که خداوند انجام می دهد، بلکه در این شب باید از خداوند بخواهیم در آینده اهل گناه ومعصیت نباشیم وگرنه لیله القدر ما تبدیل به لیله القبر می شود . انشاءالله خداوند هر آنچه به اولیائش و خوبانش عطا می کند به ما هم ارزانی بفرماید .[[13]](#footnote-13)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ ماجرای قطام و ابن ملجم**

قطام دختر علقمه بن شجنه عدى از قبيله تيم الرباب بود پدر او اهل يمن بود و در جنگ صفين به كوفه آمد و در آنجا اقامت كرد. پس از ماجراى حكميت و انحراف عقيده او در جنگ نهروان به همراه فرزند خود رو در روى امام على عليه السّلام قرار گرفت و كشته شد قطام دختر زيبا و خوش هيكل آن عصر به شمار مى رفت و پس از كشته شدن پدر و برادرش جزء دشمنان سرسخت امام عليه السّلام گرديد او به همراه طرفداران حزب قائم كه به رهبرى عبدالله بن وهب راسبى بود جنگ با على را جهاد و خون آن حضرت را مباح مى دانستند[[14]](#footnote-14).

دیدار قطام با ابن ملجم

قطام آغاز به سخن كرده و گفت : مهمان عزيز ما از چه قبيله اى است ؟ ابن ملجم گفت : از قبيله مراد. قطام گفت : بَه بَه عجب نَسَب خوبى !! لبابه گفت : او عبدالرحمن بن ملجم ، از قاريان مشهور كه قرآن را در نزد معاذ بن جبل ياد گرفته ، حتما نام او را شنيده اى . قطام با صداى لرزانى گفت : خاله جان تو بهتر حال و روزم را مى دانى ، تو آگاهى به اين كه مشكلات و مصيبتهاى بر من وارد شده ، براى من هيچ هوش و هواسى باقى نمانده همه فكر و ذكر من كشته شدن برادرم و پدرم است و تمام سعى و تلاش من انتقام از دشمنان و قاتلان آنها مى باشد، اين بگفت و شروع به گريستن كرد. اما عبدالرحمن زير چشمى به او نگاه مى كرد و فريفته عشق او و جمال زيبايش شد، اگر چه قبلا زيبايى او را شنيده بود ولى الا ن زيبايى او را به چشم مى ديد. وقتى ابن ملجم سخنان قطام را شنيد و گريه او را ديد گفت : چه چيزى خانم را غمگين و ناراحت كرده ، آيا من مى توانم غم و اندوه او را برطرف كنم ؟ لبابه گفت : بر تو پوشيده نيست كه رنج و مصيبت سنگينى در جنگ نهروان بر او وارد شده ، پدر و برادرش در اين جنگ كشته شده اند (خداوند آنها را رحمت كند) از اين جهت قطام در فراق آنها آرام و قرار ندارد و تا الا ن هم براى اين دو عزيز مى گريد، ولى من مى خواهم با شوهر لايقى كه برايش پيدا مى كنم اين غم و غصه را از او دور كنم .

خواستگاری ابن ملجم از قطام

ابن ملجم از كنايه زدن لبابه مقصودش را فهميد از اين رو گفت : اگر به مقصود ومردام برسم من يكى از خوشبخترين مردم دنيا خواهم بود. قطام خودش را به نادانى زد و گفت : اى آقاى من ! بگو ببينم مراد و مقصودت چيست ؟ عبدالرحمن گفت : من به نيّت خواستگارى پيش تو آمده ام ولى اكنون مى بينم بار غم و اندوهت بقدرى سنگين است كه شايد من توانايى برداشتن آن را نداشته باشم ، پس هر چه از من ساخته است بگوتا برايت انجام دهم .

قطام آه پردردى كشيد و گفت : از اين كه درخواسته ات اين قدر صراحت و عجله دارى در تعجب هستم در حالى كه قبلا همديگر را ملاقات نكرده ايم . لبابه در اين جا سخنان قطام را قطع كرد و گفت : بله اگر چه شما تا الا ن همديگر رانديده ايد ولى لبابه كه شما را خوب مى شناسد و اگر خانم من اجازه بدهد مى گويم كه (خداوند) شمارا براى زندگى كردن با هم ، آفريده است . قطام ساكت شد اما ابن ملجم شروع به سخن كرد و گفت : با اين وجود هرچه از من مى خواهى بگو تا برايت فراهم كنم . قطام همچنان ساكت بود و طورى وانمود به شرم و حياء و دودلى مى كرد تا به اين وسيله تا به اين وسيلهتمام حيله ها و نيرنگهاى خود را به كار ببرد. سپس نگاهى به لبابه كرد گويا اين كه با زبان بى زبانى مى خواهد بگويد: ((من از گفتن آن شرم و حياء دارم .)) در اين جا لبابه گفت : ((من به جاى تو شرائط تو را مى گويم .))

شرایط قطام برای ازدواج با ابن ملجم

لبابه رو به ابن ملجم كرد و گفت : مهر قطام سه هزار دينار، يك غلام و يك كنيز مى باشد، هنوز لبابه حرفش را به پايان نرسانده بود كه قطام فريادى كشيد وگفت :((نه ... نه اين چيزها مرا راضى نمى كند، همانطور كه خودت مى دانى من چشم داشتى به مال و ثروت ندارم .)) عبدالرحمن گفت : هر چه مى خواهى بگو. قطام اظهار مناعت كرد، و كمى صبر كرد گويا اين كه ابن ملجم آنچه را گفته در نظرش بى اهميّت جلوه كرده ، سپس گفت : ((همانا مَهريه من كشتن على بن ابي طالب است چون او قاتل پدر و برادرم مى باشد)). عبدالرحمن تبسّمى كرد و نگاهى به قطام انداخت و دستش را بر روى شمشيرش قرار داد و گفت((آنچه كه تو گفتى و آنچه را كه خاله ام لبابه گفت همه را مهريه تو قرار دادم كه عبارتند از: ((سه هزار دينار، كشتن على بن ابيطالب ، غلام و كنيز)). دخترى مثل تو اين گونه مهريه ها براى او چيزى نيست . بدان كه آمدنم به كوفه براى همين امر بود. به اين شمشير نگاه كنيد (آن گاه شمشير را از غلاف كشيد درخشش و تيزى آن كاملا آشكار بود) من اين شمشير رابه هزار درهم خريدم و به هزار درهم ، آن را مسموم كرده و آغشته به زهر كرده ام تا على بن ابيطالب را به قتل برسانم .)) قطام تبسّمى كرد و گفت : پس اميدوارم كه تا فرصت از دست نرفته فورا اين كار را انجام دهى . ابن ملجم گفت : وعده ما نزديك است يك شبانه روز بيشتر نمانده ما او را در سحرگاه همين ماه (رمضان ) خواهيم كشت يعنى پس فردا، و از اين جهت مطمئن باش . قطام گفت : چگونه روز و ساعت را مشخص كرديد آيا نمى پسندى كه اين كار را فردا انجام دهى ؟ ابن ملجم گفت : براى اين كارمان دليلى داريم كه بعدا براى تو خواهم گفت ، ما به خاطر تصميم مهمّى وظيفه داريم كه در روز و ساعت مشخصّ اين كار را انجام دهيم .قطام سكوت كرد و گويا اين كه از قضيّه توطئه چيزى نمى داند. اما لبابه از غيبت ريحان در خانه آگاه بود و مى دانست كه براى مهمان بايد خوراكى آورد از اين رو قبلا به غلام خود گفته بود غذايى حاضر كند، او هم اين كار را كرد سپس آنها با هم غذا خوردند، بعد از آن قطام با اشاره به لبابه فهماند كه با او كار مهمى داشته و دوست دارد كه با هم تنها باشند. عبدالرحمن كه متوجه اشاره آنها شده بود اجازه خواست تا براى گرفتن چيزى به بازار برود بنابراين قطام و لبابه را به حال خودشان گذاشت و بيرون رفت[[15]](#footnote-15) .

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش چهارم؛ بیانات رهبری در دیدار با مداحان**

جمله به جمله مداحی باید مغذی باشد.

اگر سرمايه‌هائى را كه در اختيار داريم، درست بشناسيم و به كار ببريم، بى‌نيازترين خلق خدا، ملت ما و مسلمانها خواهند بود. همين نماز، يكى از سرمايه‌هاست. نماز را ميخوانيم، با غفلت عبور ميكنيم؛ مثل اين است كه يك انسان مبتلا به فقر غذائى، كمبود ويتامين، كمبود پروتئين، محتاج مواد لازم، به يك جعبه‌اى دسترسى پيدا كند كه پر از همه‌ى اين موادى است كه او احتياج دارد؛ بعد آن را بو كند، كنار بگذارد! خب، باز كن، بخور، استفاده كن، نيرو را بفرست به بدن خودت؛ همين طور بو ميكنى، ميگذارى كنار؟! حالا آنهائى كه اصلاً اعتناء نميكنند، هيچ. ما نماز را همين طور بو ميكنيم، ميگذاريم كنار! كلمه كلمه‌ى نماز درس است، كلمه كلمه‌ى نماز حال است؛ اگر قدرش را بدانيم. روزه همين جور است، زكات همين جور است، جهاد همين جور است، تعاليم دين همين جور است؛ مداحى شما هم همين جور است. مداحى شما هم جمله جمله‌اش، كلمه كلمه‌اش ميتواند مغذى باشد؛ ميتواند مستمع را رشد بدهد. خب، اين يك بحث مربوط به مداحى بود.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش پنجم؛ اشعار منتخب**

**فصل اول؛ مناجات با خدا**

[سید هاشم وفایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9560)

برخیـز كه از خطای خود توبه كنیـم

از سركشی و جفـای خود توبه كنیم

ما توبه شكن شـدیم ای دوست بیا

این بار ز توبـه های خود توبه كنیم

یا رب دل اگر سیــر در افــلاك كند

جان را صــدف گــوهر لولاك كند

مگــذار كه آلــوده بمـــانم، بگذار

بــاران محبتت مــرا پــاك كند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید مهدی حسینی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9585)

عمری ست همه بندگی ام تکراری ست

در توبه، سرافکندگی ام تکراری ست

باید به خدا آدم دیگر بشوم

بی تو همۀ زندگی ام تکراری ست!

یک دل، دل خسته و تباه آوردم

من توشه راه، اشتباه آوردم

بر درگه لطف تو به جای توبه

پیمان شکنی کرده گناه آوردم!

افسوس که بی حساب، عصیان کردم

سامان گناه را پریشان کردم

پیمان شکنی کرده، گنهکار شدم

با توبه گناه خود دو چندان کردم!

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[یوسف رحیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9621)

به سویت آمدم با رو سیاهی

قدی خم دارم و بار گناهی

دلم را زنده کن با گوشه چشمی[[16]](#footnote-16)

"إلهـی یـا إلهـی یـا إلهـی"

اگر این راه و رسم بندگی نیست

نصیب من به جز شرمندگی نیست

پشیمانم پشیمانم پشیمان

مرام تو مگر بخشندگی نیست؟

شده پیمانه ام از خونِ دل پُر

امان از غفلت و جهل و تکبر

گنهکار آمده "یا غافرَ الذَنب"

پشیمان آمده "یا کاشفَ الضُّر"

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[یوسف رحیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9679)

دلم آشفته و حالم مشوش

دو چشمم غرق خون، قلبم پر آتش

به درگاهت پناه آورده‌ام من

شکایت دارم از این نفس سرکش

فقیر و بی‌نوا، اَشکُو اِلیکَ

اسیر و مبتلا، اَشکُو اِلیکَ

نشد از خوف تو پُر اشک، هیهات

ز چشم بی‌حیا، اَشکُو اِلیکَ

شدم بی‌بال و پر بین قفس‌ها

دگر تنگ است در سینه نفس‌ها

پناه آورده ام سوی تو امشب

من از دست هواها و هوس ها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[محمد جواد پرچمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/10913)[[17]](#footnote-17)

گرچه پرم وا می شود با ذکر استغفارها

پرواز دشوار است با سنگینی این بارها

گرچه تو خوبی من بدم ،هر بار گفتی آمدم

توفیق پیدا کردم از فیض نگاه یار ها

صد بار گفتم عاقبت یک بار توبه میکنم

آخر نمی آید چرا یکبار این یکبار ها

دلمرده گشتم از گناه، دلخسته ام از اشتباه

دیگر نمی لرزد دلم از دوری دلدار ها

وقتم کم و راهم دراز، با این گدا قدری بساز

هر جا روم سد میکند راه مرا دیوارها

سودی نمی بخشد اگر شب زنده داری های من

پس خوش به حال لذت خوابیدن هوشیارها

گاهی ادا،گاهی قضا،گاهی خدا،گاهی خطا

خسته شدم جان خودم از این همه تکرارها

گیرم مدد کاری برای کار من پیدا نشد

نام علی وا می کند آخر گره از کارها

من سالها دیوانه ی ایوان طلای حیدرم

یكروز ما را میبرد شوقش به سوی دارها

گفتم مرا یک کربلا مهمان کن و جانم بگیر

بس کن برایم ناز را در پای این اصرارها[[18]](#footnote-18)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[علیرضا شریف](http://hosenih.mihanblog.com/post/9686)[[19]](#footnote-19)

در من سراغی جز گُنه كاری نداری

جا مانده تر از من گرفتاری نداری

با این همه حالا كه برگشتم، گلایه

از توبه های زشتِ تكراری نداری

تو آنقدر خوبی كه حتی از نشستن

با بنده­ی آلوده ات عاری نداری

با رو سیاهِ مستحقِ سرزنش هم

قصدی به غیر از آبروداری نداری

كِی سخت گیری می كنی با این كه پیداست

شرمنده تر از من بدهكاری نداری

گفتی كه هر كس میهمانت شد عزیز است

یعنی كه به خوب و بدش كاری نداری

درهای دوزخ بستی و نازم خریدی

انگار كه اصلاً گنه كاری نداری

در سفره­ی پر فیضِ این شبهایِ رحمت

جز دستگیری غیرِ ستاری نداری

باید كه خیلی پَست باشم این شبِ قدر

گر شك كنم كه دوستم داری نداری[[20]](#footnote-20)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

عبداله باقری

شاکرم که امسالم،جزء مهمونات هستم

باز با چشم بارونی، دل به رحمتت بستم

با خودم مرور کردم، اون شبای پروازم

توبه های سال قبل، که شکستمش بازم

بعد اون شبا یک سال، نه دعا و نه حالی

از غرور و من من پر، مثل طبل تو خالی

هیچکی توی این دنیا،قدر تو من و نشناخت

پس چطورگناهام از، چشم تو من و ننداخت؟

یه سالی می شه قرآن، روی طاقچه خاک خورده

نه سحر نه ذکری آه، انگاری دلم مرده

هردفه صدات کردم، خیر تو رسید در دم

هر دفه صدام کردی، من برا تو ناز کردم

هیچکی مثل من اینجا، از گذشته بیزار نیست

هر چقدر که بد باشه،قدر من گنهکار نیست

زود بگیر خدا دست،عبد بی پر و بال و

چون طبیب که می بینه، زود مریض بد حال و

گر چه خار و پست اما، من امام رضا دارم

من شب سیاه، آقام ، ماه لیله تارم

لطف آقامه چشمام، رنگی از خدا داره

حتی این مناجاتام، بوی کربلا داره

یادمه به "ریان" گفت: سیر راه عرفان کن

هر چی اشک داری یک جا، خرج شاه عطشان کن

باغبونی که پیچید، بوی اکبرش تو دشت

لطف عمه زینب بود، زنده تا حرم برگشت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[مصطفی هاشمی نسب](http://hosenih.mihanblog.com/post/9661)

نیمی از فرصت تقریب به دلدار گذشت

چشم بر هم زدم و این همه اسحار گذشت

شب به شب آمدن و ناله زدن بر در دوست

چون نسیم سحری آمد و ناچار گذشت

گر چه کالای من غمزده بازار نداشت

کسب و کارم همه با لطف خریدار گذشت

چه خداوند رحیمی است که با قطره ای اشک

از سر معصیت بی حد و بسیار گذشت

گذر هر نفس آلوده به این دیر افتاد

شامل عفو خدا گشت و سبکبار گذشت

پاورقی: به جای شامل، باید «مشمول» به کار می رفت!

زودتر باید از این مائده کامی ببریم

نیمی از سفره ی مهمانی غفار گذشت

نیمی از ماه گذشت و مه من جلوه نکرد

چه کنم نیمه ای از فرجه ی دیدار گذشت

نیمه ای رفت ولی نیم دگر در پیش است

ای خوش آن کس که از این ماه، سزاوار گذشت

هر شب اینجا دل من مضطرب بانویی است

محملش از وسط کوچه و بازار گذشت

سنگ می آمد و بر روی برادر می خورد

خواهر غمزده با دیده ی خونبار گذشت

پیش چشمان پدر، دخترکش سیلی خورد

عمر کوتاه گلش در غم و آزار گذشت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9656)

باز کن در، منم منم یارب عبد آلوده دامنم یارب

دلم آلوده است و با این حال حرف دل با تو می زنم یارب

بهترین میزبان تو هستی توبدترین میهمان منم یارب

با تو پیوند دوستی بستم گر چه با خویش دشمنم یارب

گر چه صدبار توبه بشکستم باز هم توبه می کنم یارب

کرمی کن بگیر دستم راکه دگر توبه نشکنم یارب

کاش پیش از گنه روان می شدروح از قالب تنم یارب

به کدامین گنه کنم اقرارکه بود روی گفتنم یارب

معصیت ها چو مار پیچیدندهمه بر دور گردنم یارب

آه از آن لحظه ای که می گرددخانه گور مسکنم یارب

با همه تیره روزیم چون شمع از شرار تو روشنم یارب

خارهای گنه به مهر علی گشته خوشتر زگلشنم یارب

"میثمم" جز به خاک پای علی سر به جائی نیفکنم یارب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[صائب تبریزی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9625)

برقِ خاشاکِ گنه، روزه‎ی تابستان است

دود این آتش جانسوز به از ریحان است

می‎توان یافت ز سی پاره‎ی ماه رمضان

آنچه ز اسرار الهی همه در قرآن است

هست در غنچه‎ی لب بسته‎ی این ماه، نهان

گلستانی که نسیمش نفس رحمان است

مشو از عزّت این مُهر الهی غافل

که دراین مُهر بسی گنج گهر پنهان است

ماه‎رویی که شب قدر بود یک خالش

در سراپرده‎ی ماه رمضان پنهان است

می‎کند روزه‎ی ماه رمضان عمر دراز

مدّ انعام دراین دفتر و این دیوان است

غفلت از تشنگی و گرسنگی کم گردد

که لب خشک بر این بند گران سوهان است

باش با قدّ دو تا حلقه‎ی این در صائب

که مراد دو جهان در خم این چوگان است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[موسی علیمرادی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9626)

به امید آمده ام خانه خرابم نکنی

همه کردند جوابم تو جوابم نکنی

بارها آمدم و بازمرا بخشودی

با کلام برو این بار خطابم نکنی

همه هستی من این قطرۀ اشک است خدا

وای اگر رحم بر این چشم پرآبم نکنی

به ثوابی که ندارم چه امیدی بندم

آب چون نیست طلبکار سرابم نکنی

به گمان همه من بندۀ خوبی هستم

پیش چشم همه عاری زنقابم نکنی

آبرویم همه این است شدم عبد حسین

وای اگر نوکر این خانه حسابم نکنی

من که یک عمر شدم نوکر شش ماهۀ او

جلوی حرمله ای کاش عتابم نکنی

گر قرارست بسوزم بزن آتش اما

جلوی قاتل ارباب عذابم نکنی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید محمد میر هاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9628)

گذشت عمرم به عصیان توبه توبه

شدم گر عبد شیطان توبه توبه

زدم گر پشتِ پا بر خوان رحمت

شکستم جام غفران توبه توبه

نماز بی صفا گر خواندم عمری

بدون بوی رحمان توبه توبه[[21]](#footnote-21)

به جای همکلامی با خدایم

شدم غافل ز قرآن توبه توبه

اگر عمری به هَر بُت سَر سپردم

نبودم گر مسلمان توبه توبه

اگر بی بهره از عشق شهادت

بریدم از شهیدان توبه توبه

ندارم رنگ سرخ جان نثاری

ندارم عطرِ ایمان توبه توبه

اگر صدبار توبه کردم و باز

شکستم عهد و پیمان توبه توبه

اگر غافل ز اربابم ندارم

دلی زار و پریشان توبه توبه

اگر نوشیدم آبی و نبودم

به یادِ کامِ عطشان توبه توبه

دلم گر شد تهی از یادِ دلبر

دگر از غیر جانان توبه توبه

به روزه دار زهرا ، یا الهی

مسوزانم مسوزان توبه توبه[[22]](#footnote-22)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9627)

اگر رو سیاهم اگر رو سفیدم

تو هستی پناهم تو هستی امیدم

همه از گنه شرمسارند اما

من از کثرت توبه خجلت کشیدم

تو آغوش خود را برویم گشودی

ولی من به دنبال شیطان دویدم

تو از من به جز جرم و عصیان ندیدی

من از تو به جز عفو و رحمت ندیدم

تو نزدیک بودی و من دور از تو

تو پیوند کردی من از تو بریدم

نه رنگی به رویم نه عطری به بویم

همه گرد گل بودم خار چیدم

تو بیدار و من خفته در خواب غفلت

تو هشدار دادی و من آرمیدم

تو از مهر ناز مرا می کشیدی

من از جهل قهر تو را می خریدم

بیا بر گناهم بکش خط غفران

کرم کن که بر آخر خط رسیدم

تو بر عیب ها پرده پوشی دریغا

که من پرده خویشتن را دریدم

الهی الهی به «میثم» نگاهی

به روی سیاهم به روی سفیدم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید محمد میر هاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9624)

لطفت همیشه در همه جا موج می زند

دریای رحمت تو خدا ، موج می زند

این روزها به هر طرفی می روم عزیز

عطر تو با نسیم دعا موج می زند

ما را کنار سفره ی خوبی نشانده ای

ایمان ، خلوص ، صدق و صفا موج می زند

آئینه ی تجلی عشقت شده جهان

در آن شعاع نور شما موج می زند

حاتم کجاست تا که به کوی گدای تو

بیند شبانه روز ، گدا موج می زند

این چشم بی رمق که شده چشمه ای روان

دائم ز دوری شهدا موج می زند

دریای بخشش تو به دنبال خاطیان

در ساحل امام رضا موج می زند

عرش تو هم به محفل ما رشک می برد

با یا حسین ، عاطفه ها موج می زند

وقتی در اوج سینه زنی شور می زنیم

با ما فرات کرب و بلا موج می زند

عطر حرم سحر ز سرم هوش می برد

یعنی شمیم او همه جا موج می زند[[23]](#footnote-23)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9614)

چنان شدم ز گناهان بی حساب خجل

که گشته ام دگر از توبه و ثواب خجل

خدا گواست که با این کتاب اعمالم

هم از خدا خجل استم هم از کتاب خجل

چنان حجاب کشیدی به کثرت گنهم

که گشته ام زتو و پرده حجاب خجل

گذشت عمر عزیز و هنوز در خوابم

که هم زعمر شدم خسته هم زخواب خجل

به گِرد سفره رحمت گرسنه سر کردم

زکام خشک شدم در کنار آب خجل

چگونه روی به محشر کنم که وقت سؤال

هم از سکوت ملولم هم از جواب خجل

دل خزان زدۀ من بود به فصل بهار

هم از بهار، هم از گل، هم از گلاب، خجل

خود از ترابم و از کثرت گناه شدم

هم از تراب خجل هم زبوتراب خجل

هزار شکر که در سایه کسی هستم

که بوده از کرمش ماه و آفتاب خجل

خدا کند نکشد کس حساب از "میثم"

که گشته ام زگناهان بی حساب خجل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید محمد میرهاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9613)

شکر خدا دیدم بهار اهل دین را

مهمانی ماه امیرالمومنین را

اهل مناجات و دعا گرد هم آیید

سازید از نور دعا روشن زمین را

هر دل مدد گیرد ز سوز ناله هاتان

سرکوب سازد فتنه ی نفس لعین را

یا رب به من از سفره ات ته مانده ای دِه

از میهمانی ات مران این بدترین را

نیت نمودم بعد از این ننگت نباشم

یا رب مدد کن عبد با زشتی قرین را

آلوده تر از من تو مهمانی نداری

هرگز ندیدی روسیاهی اینچنین را

بگذار آیم هر سحر تا پاک گردم

شاید ببینم جلوه ی مهتاب دین را

من با همه آلودگی ارباب دارم

یا رب مگیر از دل تو این حبل المتین را

تا میهمان سفره ی مولا حسینم

دیگر نخواهم روضه ی خُلد برین را

ارباب دل ، شاه شهید کربلایی

او می خرد اشک محبِّ دل غمین را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید محمد میرهاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9594)

یا رب بیا این عبد رسوا را مسوزان

این ناسپاس ناشکیبا را مسوزان

بنگر سپر بر آتش قهرت ندارم

این بنده ی بی حرز تقوا را مسوزان

اقرار دارم بنده ای دنیا پرستم

این جاهل سرمست دنیا را مسوزان

خجلت مرا سوزانده ، آبم کرده دیگر

در شعله ها این بی سر و پا را مسوزان

دل مرده ای با آرزوهای بلندم

این غرق در آمال بیجا را مسوزان

از همرهیِ عاشقان مَحرم نگشتم

جا مانده از اهل تولّا را مسوزان

فریاد از دل می کشم روز قیامت

سینه زنِ فرزندِ زهرا را مسوزان

در بین آتش ناله ای از دل بر آرم

یا رب محبِّ آل طاها را مسوزان

یا فاطمه ، فردای محشر سر بر آور

بر گو ، خدا گریه کنِ ما را مسوزان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9593)

با وجود آنکه هم آلوده ام هم روسیاهم

نه کسی را جز تو دارم نه کسی را جز تو خواهم

تو خداوند کریمی، من سراپا غرق عصیان

تو به عفوت کرده ای اقرار و من هم بر گناهم

امشب از راه آمدم با لشکر خشمت بجنگم

ناله ام شمشیر و آهم نیزه و اشکم سپاهم

پیش روی منبر و محراب پیغمبر نشستم

تا کند پای ستون توبه زهرا یک نگاهم

من کیم تا در کنار قبر پیغمبر نشینم

گر که لطف تو نبود، اینجا نمی دادند راهم

پا شکسته، دست خالی، بار سنگین، چشم گریان

این من، این کوه گنه، این ناله این فریاد و آهم

دوستت دارم چه در نارم بری چه در بهشتم

هر کجا باشم تو باشی یاور و پشت و پناهم

گر به رضوانم بری غافل نگردم از ثنایت

ور به دوزخ افکنی از لب نیفتد یا الهم

تو خدایی، تو کریمی، تو غفوری، تو عظیمی

من کیم «میثم» گنه کارم فقیرم روسیاهم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید محمد میر هاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9588)

شاکرم حضرت دلدار صدا کرده مرا

شاکرم بهر خودش یار جدا کرده مرا

از کجا لطف خدا شامل حالم شده است ؟

گوییا یار سفر کرده دعا کرده مرا

من کجا محفل ذکر سحر دل شدگان !

سبب از چیست که حق اهل بکاء کرده مرا ؟

از خرابی گنه کیست نجاتم داده ؟

آشنای حرم عشق خدا کرده مرا

روز پر معصیتم را چه کسی بخشیده ؟

سائل نیمه شب خوان عطا کرده مرا

کیست ظلمت ز دلم برده و نورم داده ؟

بین این سینه زنان جلوه نما کرده مرا

شکر حق هیئتیم ، سینه زنی پر شورم

کربلایی شدم و یار صدا کرده مرا

خادم صحن و سرای پسر فاطمه ام

صاحب کرب و بلا ، کرب و بلا کرده مرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید هاشم وفایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9582)[[24]](#footnote-24)

ای خدا امشب گریبان دلم را چاک کن

چشم خشکم را ز اشک خجلتم نمناک کن

باز از زنگار عصیان تیره شد دلهای ما

ازغبار معصیت دامان ما را پاک کن

تا به معراج نیایش این براق آه را

شب همه شب میهمان خانۀ افلاک کن

ما ز پا افتادگان را دستگیری کن، سپس

در ره آزادگی و بندگی چالاک کن

لذت حال دعا را در مذاق ما بریز

نالۀ ما را سر سجاده آتشناک کن

گلشن جان «وفائی» پر گل است از یاد تو

این گلستان وفا را خالی از خاشاک کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[وحید دکامین](http://hosenih.mihanblog.com/post/9584)[[25]](#footnote-25)

عبدآلوده منم کز چشم یار افتاده ام

بس خطا کردم ز اوج اعتبار افتاده ام

کاروانِ عشق شب های دعا در رفتن است

من ولیکن گوشه ای از رهگذار افتاده ام

از در خویشم مران، جانِ علی، جانِ حسین

دل پریشانم که دست روزگار افتاده ام

کـربلایم را بیـا امشب دگـر امضـا بـزن

خسته گردیدم ز بس زار و نزار افتاده ام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[یوسف رحیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9575)

چون ابر سیاهی شده ‌سنگین بار‌م

این گونه ز ‌شر‌مسار‌ی ا‌م می‌بار‌م

جود و کر‌مت امیدوار‌م ‌کر‌د‌ه

ور ‌نه به چه رو‌ی ‌من به تو روی آر‌م

هر لحظه و دم به دم، ظَلَمتُ نَفسِی

من ماندم و بار غم، ظَلَمتُ نَفسِی

گفتی که اگر توبه شکستی بازآ

صد بار شکسته ام، ظَلَمتُ نَفسِی

بی توشه و زاد راه، ما لا اَبکِی

رویم ز گنه ‌سیاه، ما لا اَبکِی

در نامه ی ا‌عمال ‌من ‌سر‌گشته

یک ‌حُسن نمانده آه ما لا اَبکِی

من آمده ‌ا‌م ‌تو‌شه ‌ا‌ی ‌ا‌ز ‌آ‌هم ‌د‌ه

سوز ‌نفس و اشک ‌سحرگاهم ده

هر چند ‌تما‌م کرده ‌ا‌ی ‌نعمت را

یک بار دگر به کربلا راهم ده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[جواد حیدری](http://hosenih.mihanblog.com/post/9573)[[26]](#footnote-26)

ای مهربان خدای پرده پوشم

از باده ی رحمانی ات بنوشم

چون نامه ی خود بنگرم خموشم

اما کند عفو تو در خروشم

یا دائم الفضل عَلی البریَّه

اِغفر لنا فی هذِهِ العَشیّه

حق نمک را من ادا نکردم

جز بر وفای تو جفا نکردم[[27]](#footnote-27)

بر توبه های خود وفا نکردم

شرمنده ام از تو حیا نکردم

یا صاحبَ المَواهِبِ السَّنیَّه

اِغفر لنا فی هذِهِ العَشیّه

شب های جمعه می کنی صدایم

تا لحظه ای بر درگهت بیایم

بر درد بی درمان شدی دوایم

اما من آلوده در خطایم

یا باسِطَ الیدَینِ بِالعَطیّه

اِغفِر لنا فی هذِهِ العَشیّه

هرچند بدتر از خودم ندیدم

بسکه بزرگی داده ای امیدم

بر مجلس اهل ولا رسیدم

دادی به آل فاطمه نویدم

صَلِّ علی خَیرِ الوَری سَجیّه

اِغفر لنا فی هذِهِ العَشیّه

اصلاً نشد در وادی ولایت

حق تو را یارب کنم رعایت

هرچند کردی تو مرا هدایت

خالص نگشتم تا کنم صدایت

اِرحَم لنا یا عالمَ الخَفیّه

اِغفر لنا فی هذِهِ العَشیّه

منکه غلام خانه ی حسینم

دیوانه ام دیوانه ی حسینم

سینه زن غمخانه ی حسینم

دلداده ی دردانه ی حسینم

حقّ همان شهیده ی زکیّه

اِغفر لنا فی هذِهِ العَشیّه

وقت سحر بوی رقیه دارد

بوی خوش از روی رقیه دارد

عاشق نظر سوی رقیه دارد

دل حاجت کوی رقیه دارد

آن دختر غمدیده از بلیّه

اِغفر لنا فی هذِهِ العَشیّه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید هاشم وفایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9572)

بر حال من ای خالق یکتا نظری کن

از فرط غم افتاده ام از پا نظری کن

چون مرغ گرفتار، گرفتار هوایم

دارم بسویت چشم تمنا نظری کن

هرجا که زدم در نگشودند برویم

روکرده ام ای دوست به این جا نظری کن

جز درگه لطف تو مرا نیست پناهی

ای از تو کلید همه درها نظری کن

من گرچه نیم لایق احسان و کرامت

ای قادر و غفار توانا نظری کن

درخلوت و جلوت به خطا روی نمودم

ای درهمه جا ناظر و پیدا نظری کن

تا زادِ رهِ من نگه لطف تو باشد

در این سفر سخت خدایا نظری کن

برمن که بجز مهر علی هیچ ندارم

سوگند به مظلومی زهرا نظری کن

امروز وفائی است ملول از غم فردا

بربندۀ خود حیّ تعالی نظری کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[ناصر شهریاری](http://hosenih.mihanblog.com/post/9569)[[28]](#footnote-28)

رمضان است دلم لطف و عطا می خواهد

بخشش کوه گنه از تو خدا می خواهد

گفته ای جمع گناهان همه را می بخشی

بخشش جمع گناهان همه را میخواهم

چشم من خشک شده بس که خطاکار شده

چشم آلوده شده از تو ضیاء میخواهد

هر دری را که زدم در به رویم باز نشد

باز کن در که توراازتوگدامیخواهد

تا مناجات کند در دل شبها با تو

دل بی حال ز تو حال بکا می خواهد

بی پناهم من آلوده ندارم جایی

دل بی همنفسم صحن رضا می خواهد

دم افطار به یاد لب عطشان حسین

دل تنگم حرم کرببلا می خواهد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/9565)

بر در این خانه با دست تهی در می زنم

بی پرو بالم خدا را تا کجا پر می زنم

گریه کرد و یاعلی گفت و به کامم ریخت شیر

بوسه از روی ادب بر پای مادر می زنم

خاک راه دوست را برچهره سازم آبرو

سنگ آل الله را بر سینه و سر می زنم

گرمی جنت بجوشد از زمین و آسمان

من فقط زهرائیم ساغر زکوثر می زنم

هرکسی دارد پناهی هرکسی کوبد دری

من امیر المؤ منین را حلقه بر در می زنم

عبد فرمانم اگر سلمان او فرمان دهد

دل به دریا می سپارم پا در آذر می زنم

بارها در می زنم گر بر رویم در وانشد

بار یگر بار دیگر بار دیگر می زنم

از دل گهواره تا تابوت ذکرم یا ولی است

دم زحیدر دم زحیدر دم زحیدر می زنم

تا بپوشد در صف محشر سیاهی مرا

رنگ بر پرونده ام از خون اصغر می زنم

خاک راه میثم خرما فروشم میثمم

دم ز اهل البیت حتی روز محشر می زنم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[امیر عظیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9563)[[29]](#footnote-29)

خبر آمد که بهار دل ما آمده است

مژده ی کم شدن فاصله هاآمده است

باز از عرش خداوند ندا آمده است

بندگان ماه خدا، ماه خدا آمده است

من که پابند هوس ها و گناهم چه کنم؟

نفسِ سوخته ای در تهِ چاهم چه کنم؟

خبر آمد که کریم آمد و در واشده است

سفره پرداز قدیم آمد و در وا شده است

اسم رحمان و رحیم آمد و در وا شده است

درد عصیان مرا خویش مداوا شده است

آی مردم به خدا ربِّ رحیمی داریم

سجده آرید، خداوند کریمی داریم

ای که بخشنده ی هر جرم و گناهی، العفو

به پشیمان شدگان نیز پناهی، العفو

من پشیمان شده ام؛ نیم نگاهی، العفو

یا الهیّ و الهیّ و الهی العفو

سائلی را به سر سفره ی خود راه بده

من گدای توأم ای حضرت الله- بده!-

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید محمد میر هاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9557)[[30]](#footnote-30)

مژده ای منتظران ماه خدا آمده است

ماه شب‌های مناجات و دعا آمده است

ماه دلدادگی بنده به معبود رسید

بر سر سفره‌ی شاهانه ، گدا آمده است

رفت بی‌عفتی و هرزگی و بدبختی

ای گنه پیشه بیا ماه حیا آمده است

ماه دل کندنِ از مجلس باطل آمد

ماه هم‌ محفلی با علما آمده است

دل بیمار بیا مژده ! طبیب آمده است

دردمندانه بیا اذن شفا آمده است

خاکسارانه بیا گر که زیادت طلبی

دیده بگشای که هنگام لقا آمده است

حضرت دوست در این ماه تماشا دارد

یار در جلوه سر کوی وفا آمده است

آن سفر کرده که سالی‌ست از او بی‌خبریم

بهر شادی دل اهل بکا آمده است

آمده ماه خداوند ، ولی تنها نیست

همرهش منتقم آل عبا آمده است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9556)[[31]](#footnote-31)

پر شکسته ی من را ببین خدای کریم

ببین چگونه شدم مُستکین خدای کریم

نشسته ام سر راهت مگر نظر بکنی

تویی غنی و منم خوشه چین خدای کریم

خمیده ، با سر زانو ، شکسته و نادم

به سویت آمده ام این چنین خدای کریم

به یاد حرف اویسم ... ببخش عبدت را

که با غریبه شدم همنشین خدای کریم

اگر چه روسیهم عاشق علی هستم

شفیع من شده حصن حصین خدای کریم

به خاطر گل روی علی مرا بخشید

همین خدای رحیم و همین خدای کریم

علاج درد گناهم هوای کرب و بلاست

مرا ببر به بهشت برین خدای کریم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

[سید محمد میر هاشمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/9555)

مناجات و دعا خوانی زبان پاک می خواهد

سخن گفتن ز پاکی ها دهان پاک می خواهد

زبان آلوده ، دل آلوده ، فکرآلوده ام آری

خیال دیدن جانان گمان پاک می خواهد

ز خورشید عنایت گفتن از شب بر نمی آید

مدیح مظهر خوبی بیان پاک می خواهد

امان از لقمه هایی که به نور عشق ره بسته

یقین روشن ضمیری ، آب و نان پاک می خواهد

به دیدار بزرگان تحفه بردن سنّت است آری

ولی درگاه عصمت ارمغان پاک می خواهد

دعا بهر فرج گویم ولیکن بی اثر باشد

دعا تاثیر خود را از لسان پاک می خواهد

به سوی قبله ی رویی که کعبه حسرتش دارد

نماز عاشقی خواندن مکان پاک می خواهد

برای جلوه هنگام سحر در محفل خوبان

جمال او دو چشم در فشان پاک می خواهد

تو که افطارها چشم انتظار مقدمش هستی

پذیرایی از آن جانانه جان پاک می خواهد

اگر چه بر کهن سالان عنایت می کند مولا

سپاه مهدوی ، امّا ، جوان پاک می خواهد[[32]](#footnote-32)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم صرافان

رمضان آمد و مهمان تو خواب است خدایا !

راه گم کرده و دنبال ثواب است خدایا !

نیست ساقی و زمین یک دل آباد ندارد

حال مردان خرابات خراب است خدایا !

آبرو با بر و رویی برود گر تو نگیری

نقش دینداری ما نقش بر آب است خدایا !

این که این سوی نقاب است که دل می‌‌بَرَد از خلق

بگذر از آنکه در آن سوی نقاب است خدایا !

کی شود سوی تو بی‌رنگ و سبک بار سفر کرد؟

تا که این سفره پر از رنگ و لعاب است، خدایا !

یار در خانه و عمری است که ما گِرد جهانیم

این خودش سخت ترین شکل عذاب است خدایا !

«عهد ما با لب شیرین دهنان» بستی و حالا

کار ما فهم تو از روی کتاب است خدایا !

می‌پرستم صمد ساخته‌ی وهم خودم را

هُبَل من بتی از جنس حباب است خدایا !

زیر باران تو با چتر غرور آمده بودم

خشک ماندم، گله کردم که سراب است خدایا !

گذر عمر نشانده‌ست مرا بر لب جویی

که پر از دسته گلِ داده به آب است خدایا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم؛ امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)**

مجتبی قاسمی

باز هم از عمل خویش به دل غم دارم

خسته از این همه آلودگی و تکرارم

دل من تنگ برای همه شد الا تو

وای از تیرگی این دل بی مقدارم

معصیت کرده مرا دور ز تو ، می دانم

پر شده نامه ی من از گنه بسیارم

نامه ام اشک تو را باز درآورده...ببخش

وای بر من که همیشه سر تو سربارم

مهربان تر ز خودت در همه ی عالم نیست

با همه تیرگی ام سوی شما رو آرم

یک نظر کن که من از دست خودم خسته شدم

بی نگاه تو اثر نیست بر استغفارم

من اسیر غم دنیا شده ام کاری کن

تا رها گردم از این زندگی غم بارم

با همه پستی من دست مرا می گیری

ای فدای تو و بخشیدن تو دلدارم

سمت نوکریت را به دو عالم ندهم

فخرم این است که من نوکر این دربارم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد میر هاشمی

بلبل از دوری گلزار نمیرد چه کند ؟

عاشق از دوری دلدار نمیرد چه کند ؟

خار از شاخه اگر گشت جدا می میرد

از غم دوری گل ، خار نمیرد چه کند ؟

دردمندی که سر کوی طبیبش نبرند

نا امیدانه دل زار نمیرد چه کند ؟

آنکه یک عمر به اغیار دلش خوش بوده

حالی از عشق رخ یار نمیرد چه کند ؟

هر زمان یاد ز الطاف خداوند کند

از سر شرم گنهکار نمیرد چه کند ؟

مژده ، شد میکده بر پا و مِی اش حُبِّ علیست

مست این باده ی گلنار نمیرد چه کند ؟

هر دلی قابل آن نیست ، علی دوست شود

هر که شد محرم اسرار نمیرد چه کند ؟

پسر حیدر کرّار بیا ، یا مهدی

میثم شیعه سرِ دار نمیرد چه کند ؟

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی صالحی

سفره دار خدا امام زمان دگر امشب بیا امام زمان

شب قدر است هر كجا هستی التماسِ دعا امام زمان

منكه امشب به یادِ تو هستم یاد كن پس مرا امام زمان

دست بر دامنت اگر نزنم بروم پس كجا؟ امام زمان

آمدم آشتی دهی من را باخودت، با خدا امام زمان

كاش قرآن به سر بگیرم من یك شبِ قدر با امام زمان

جای دوری نمی رود كه كنی گوشه چشمی به ما امام زمان

خوب شد در شبِ عزای علی با توأم هم صدا امام زمان

شبِ تقدیرِ من بیا بنویس یك سفر كربلا امام زمان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد بیابانی

نفس به سینه مبدل به آه خواهد شد

بدون تو همه عمرم تباه خواهد شد

فدای آن رمضانی که با تو می آید

و با حضور تو شامش پگاه خواهد شد

اگرچه ماه خدا؛ باز بی تو خاموش است

به نور روی تو این ماه، ماه خواهد شد

کنار سفرۀ این افتتاح خوشحالم

که در کنار تو ماه افتتاح خواهد شد

فدای چشم رحیمت! دل سیاهم را

اگر نگاه کنی بی گناه خواهد شد

قدم گذار به چشمم که با رسیدن تو

نصیب چهرۀ من گرد راه خواهد شد

به هر که گفت رهایت کنم به او گفتم

گدا همیشه در این خانه شاه خواهد شد

دخیل دامن شش ماهۀ حسین شدیم

بساط گریه دوباره به راه خواهد شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد بیابانی

یک بار اگر که با تو شبم سر شود بس است

یا خاک پای حضرتت این سر شود بس است

احیا گرفته ام که تو احیا کنی مرا

قدرم اگر که با تو مقدر شود بس است

خیری ندیده ام من از عمری که بی تو رفت

این عمر اگر به دیدنت آخر شود بس است

اندازه چکیدن یک قطره اشک هم

محض فراق، چشمم اگر تر شود بس است

نه من که روزه های همه روزگار با

یک روز، روزه ی تو برابر شود بس است

امشب مرا بخاطر جدت علی ببخش

آقا که راضی از دل نوکر شود بس است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ وفات حضرت خدیجه(علیها السلام)**

سید هاشم وفایی

نظر وقتی که بر افلاک می کرد

تمام عرش را غمناک می کرد

میان هاله ای از درد و انــدوه

گل خود را پیمبر خاک می کرد

مهی رفتـه ، دلی پر آه مــانده

شبــانه خاطرات ماه مانده

خدیجه رفته و با چشم گریان

نگـاه فاطمــه بر راه مانده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جواد حیدری

اى همسر با وفاى احمد اى همنفس دعاى احمد

اى جان به ره حبیب داده اى عاشق و مبتلاى احمد

اى زینت خانه ی پیمبر ممنون ز تو شد خداى احمد

از جان و مقام و مال رَستى مردانه شدى فداى احمد

اسلام ز تو گرفته رونق از توست رَسا، صداى احمد

سیلى نه! ولى تو سنگ خوردى اى سینه سپر براى احمد

سر منشأ کوثرى خدیجه لیلاى پیمبرى خدیجه

اى بانوى ذوالکرم خدیجه اى مادر اهل غم خدیجه

دلداده ی تو حبیب حق بود صاحب نفس حرم خدیجه

بر سفره تو نشسته حیدر پیش همه محترم خدیجه

زود است براى دختر تو غربت بخورد رقم خدیجه

اى کاش میان کوچه بودى با فاطمه همقدم خدیجه

از ضربت قنفذ ستمگر دستش بشود قلم خدیجه

آید ز تو و به نام زهرا مهدى پىِ انتقام زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد خسرو نژاد

بِین مادرها مقام برتری دارد خدیجه

زانکه چون زهرای اطهر، دختری دارد خدیجه

جای دارد گر کند او فخر بر زنهای دنیا

چونکه مانند محمد شوهری دارد خدیجه

از زنان انبیاء در شوکت و جاه جلالت

روز محشر هم مقام بهتری دارد خدیجه

اولین بانوی اسلام است او کز لطف یزدان

زیب دامان حیا خوش گوهری دارد خدیجه

داده درس حق پرستی را عجب بر خلق عالم

بر سر از عفت مبارک افسری دارد خدیجه

غم ندارد گر ندارد روز تنهایی انیسی

در رحم خود مونس نیکوتری دارد خدیجه

گر گذشت از مکنت دنیا ندارد غصه زیرا

همچو پیغمبر به دنیا همسری دارد خدیجه

غیر راه حق نپوید غیر حرف حق نگوید

همچو ختم الانبیاء چون رهبری دارد خدیجه

چشم «خسرو» روزمحشر هستبرلطفوعطایش

چونکه جود بی حساب و وافری دارد خدیجه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

یوسف رحیمی

در بین ملائک از تو نام آورده ست

نام از تو شکوه ناتمام آورده ست

هر بار که آمده ست از سوی خدا

جبریل، به محضرت سلام آورده ست

دلخسته ز شهر بی‌وفا رفتی، آه

آرام و قرار مصطفی رفتی، آه

حتی کفنی نخواستی از دنیا

از بس که سبکبار و رها رفتی، آه

از چشم تر فاطمه طاقت رفته

تا کرب و بلا خروش غربت رفته

آنجا سخن از بی‌کفنی نیست فقط

پیراهن خورشید به غارت رفته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد بیابانی

مومنون آیه‌های قرآنند گاه مقداد و گاه سلمانند

از عرب تا عجم مسلمانند همه فرزندهای بارانند

یا نوه یا نتیجه‌اند همه بچه‌های خدیجه‌اند همه

سایه‌اش مستدام، بر سر ماست خانه‌اش قبله‌گاه دیگر ماست

نامش آرامش پیمبر ماست مادر فاطمه است، مادر ماست

مادرم! ای امام مادرها به فدایت تمام مادرها

گرمی آشیان پیغمبر همسر مهربان پیغمبر

یاد تو در روان پیغمبر نام تو بر زبان پیغمبر

خاطرات تو گرمی شب اوست یاد تو آه حسرت لب اوست

زن، ولی مردتر ز هر مردی جگر کفر را درآوردی

قد علم کرده پیش هر دردی تو بر اسلام مادری کردی

نه فقط امّ مومنین هستی امّ اسلام، امّ دین هستی

به تو جبریل احترام کند پیش پایت نبی قیام کند

به تو باید خدا، سلام کند و تو را صاحب مقام کند

باید اینگونه منجلی بشوی مادر همسر علی بشوی

با نبی گرچه همنشین بودی قبل از اسلام بی‌قرین بودی

بین زن‌ها تو بهترین بودی در زمین آسمان‌نشین بودی

اشک تو ای خدیجه غرّا ریخته گریه ملائک را

مثل ابر بهار گریه مکن انقدر گریه‌دار گریه مکن

از بد روزگار گریه مکن مادر بی‌قرار! گریه مکن

در سرت فکر کیست می دانم گریه ات مال چیست می دانم

در عذار گلت چه می بینی که چنین بی قرار و غمگینی

نگران هجوم گلچینی یا که رنجور دست سنگینی

آه از دست... آه از آن آزار... آه از آن کوچه... آه از آن دیوار...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

یوسف رحیمی

نبوت را نگینی یا خدیجه شفاعت آفرینی یا خدیجه

برایم مادری کن روز محشر تو اُم المؤمنینی یا خدیجه

تو داری آنچنان حق عظیمی که در ایمان و دین ما سهیمی

نه تنها دخترت! بعد از تو دیدند مسلمانان همه داغ یتیمی

نگاهت از غمی جانکاه می گفت ز صدها داغ با هر آه می گفت

میان کوچه خالی بود جایت که زهرای تو «وا اُماه» می گفت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رضا باقریان

مادر سلام بر تو و زهرای اطهرت

بر امتداد نور جمالِ پیمبرت

مادر سلام بر تو و بر غربت نبی

بر غربت و غریبیِ ریحانَهُ النَبی

ای مادری كه فاطمه را نورِ دیده ای

رنج و بلا به خاطر احمد كشیده ای

از طعنه ها به شام و سحر سیر گشته ای

از غُربت نبیِّ خدا پیر گشته ای

مادر چه سخت روزِ شما می رسد به شب

مادر چه سخت جانِ شما آمده به لب

اشكت تو را میانِ غمت غرق می كند

این آخرین شبت چه قَدَر فرق می كند

از سینه ی شكسته خود آه می كِشی

همراهِ درد، ناله جانكاه می كِشی

درد تو درد كوچه و دیوار و در شده

درد تو درد فاطمه و میخِ در شده

ای مادرِ بزرگِ شهیدان كربلا

مادربزرگِ بی كفن شاه كربلا

در راه مصطفی همه هستت فروختی

یك پیرهن به جای كفن هم ندوختی

گیرم زِ طعنه های زنان بی وطن شدی

كی گفته همچو گل پسرت بی كفن شدی

دیدند قدسیان كه عبایت كفن شوَد

گفتند باید این تنِ بی جان كفن شود

مادر، خلاصه هر چه كه دور از وطن شدی

بوی بهشت آمد و آخر كفن شدی

امّا میان كرببلا یك عبا نبود

بهر عزیز فاطمه جز بوریا نبود

مادر بیا به كرببلا یك نظاره كن

قدری نظاره بر بدنِ پاره پاره كن

شمشیر و نیزه های شكسته كنار زن

اینجا تنی فتاده غریبانه بی كفن

این جسمِ قطعه قطعه شده نورِ عین توست

(این پیكر فتاده به هامون حسین توست)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی صالحی

از درد غربت داشت كوثر گریه می كرد

زهرا به روی قبر مادر گریه میكرد

خاك مزار مادرش را میگرفت و

با دست خود میریخت بر سر گریه میكرد

یاد گذشته یاد آینده برای

این مادر و دختر، پیمبر گریه میكرد

گرم تماشای عزاداری آنها

یك گوشه ای آرام حیدر گریه میكرد

تكرار شد این قِصه اما در دل شب

این بار زینب زار و مضطر گریه میكرد

بر روی قبر مخفی مادر به یاد

آن شعله ها و یاس پرپر گریه میكرد

وقتی كه خون تازه از مسمار میریخت

انگار بر حال علی در گریه میكرد

دست خدا را دست بسته میكشیدند

زهرا به مظلومی شوهر گریه میكرد

صیادها با تازیانه حمله كردند

كوچه قفس بود و كبوتر گریه میكرد

یك روز هم زینب به زیر تازیانه

در قتلگه پیش برادر گریه میكرد

وقتی كه طفلان بین آتش میدویدند

بر نیزه چشم آب آور گریه میكرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی ناظمی

ایثار تا حدِّ گذشت از خویشتن بود

دریاتر از دریا دل یک شیرزن بود

گرچه نبی از مکه بیرون شد غمی نیست

هرجا خدیجه بود بهتر از وطن بود

دلگرمی پیغمبران بودن ثواب است

پاداش خیرش"مادرزهراشدن"بود

با فاطمه چشمان پیرش درد دل کرد

در اشکهایش حسرت یک پیرهن بود

گویا خدا میخواست که روضه بخواند

وقتی کفن آمد برای پنج تن بود

آری،کفن تقسیم شد اما کم آمد

حرف از غریبی بود که بعد ازحسن بود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رضا باقریان

شهر حجاز در دل خود غم گرفته است

قلب رئوف حضرت خاتم گرفته است

از گریه های دلشکن یاس مصطفی

در داغ مادرش، دل عالم گرفته است

چشمان جبرئیل و ملائک، تمامشان

بوی خوش دو چشمه زمزم گرفته است

چشمان خیسِ حضرت احمد، چو فاطمه

آب و هوای شرجی و نم نم گرفته است

زهرا برای مادر خود گریه می کند

در حجره ای نشسته و ماتم گرفته است

حجره، برای اینکه زنی بی کفن شده

حال و هوای ماه مُحرَم گرفته است

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل چهارم؛ ولادت امام حسن(علیه السلام)**

سید هاشم وفایی

با نام حسن دوباره اعجاز کنید

یک پنجره رو به عرش حق باز کنید

هنگام ولادتش به ذکر صلوات

تا کــوی مدینــه باز پرواز کنیــد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

رمضان بهشت خدا شده ز گل جمال تو یا حسن

مه نیمه اختر کوچک و مه نو هلال تو یا حسن

یم علم و حکمت و معرفت نمی از کمال تو یا حسن

دل دشمنان تو را برد نبوی خصال تو یا حسن

صفحات و متن کتاب حق رخ و خطّ و خال تو یا حسن

به خدا رسیده ز بندگی طیران بال تو یا حسن

تو چراغ بزم وصال حق تو بهار خلد مخلّدی

تو خدای حسن و ملاحتی تو یگانه عبد مؤیّدی

تو به جسم، جان کتاب حق تو به روح، روح مجرّدی

تو کمال کلّ کمال ها تو جمال خالق سرمدی

تو علی تو فاطمه تو حسن تو حسین یا که محمّدی

که عیان جلالت پنج تن بود از جلال تو یا حسن

تو محیط عالم حکمتی تو مه سپهر امامتی

تو زمامدار مشیّتی تو امام صبر و شهامتی

تو مه سپهر ولایتی تو تمام جود و کرامتی

تو خدای را رخ و جلوه ای تو رسول را قد و قامتی

تو پناه خلق دو عالمی تو شفیع روز قیامتی

نه عجب که عفو کند خدا، همه را به خال تو یا حسن

نه عجب که فخر کند خدا، به مَلَک ز شوق عبادتت

نه عجب که غنچه به صبحدم، شکفد به عرض ارادتت

همه انبیا شده معترف به جلال و مجد و سیادتت

زطلوع صبح خجسته تر، شب جانفزای ولادتت

من و لطف وجود و عطای تو، که کَرَم بود همه عادتت

به عطا و حلم و کرم کسی، نبود مثال تو یا حسن

به تمام دین خدا قسم، که تمام دین خدا تویی

به بهشت و ارض و سما قسم، که بهشت و ارض و سما تویی

به مقام و سعی و صفا قسم، که مقام وسعی وصفاتویی

به قیام و صبر و رضا قسم، که قیام و صبرو رضا تویی

به دعا و روح دعا قسم که دعا و روح دعا تویی

شده اقتدار ستمگران، همه پایمال تو یا حسن

ولی خدا ثمر نبی، گهر علی دُرّ فاطمه

نگهت مسیح و مسیح جان، نفست شفای دل همه

دهن تو چشمۀ معرفت، سخن تو آیت محکمه

همه را به عشق تو های و هوی، همه را به ذکر تو زمزمه

به محبّت تو مرا بود، ز شرار نار چه واهمه

که بهشت لطف خدا شده، دلم از خصال تو یا حسن

تو سجود من تو رکوع من، تو سلام من تو نماز من

تو مطاف من تو طواف من، تو عراق من تو حجاز من

تو شرار سوز و گداز من، تو بهار گلبن راز من

تو سرور من تو نوای من چه به سوز من چه به ساز من

نبود قسم به ولایتت، به گل بهشت نیاز من

اگرم به دست، جوانه ای رسد از نهال تو یا حسن

هله ای تکلّم قدسیان، شب و روز نُقل روایتت

صفحات مصحف جان پر از، صوَر لطیف حکایتت

به محبّتت به مودّتت، به کرامتت به عنایتت

که بود نگاه توسّلم، به چراغ راه هدایتت

به خدا قسم خجلم ز تو، که به ادّعای ولایتت

به زبان محّب تو بوده ام، به عمل ملال تو یا حسن

منم آنکه با همه زشتیم، سر خود به خاک تو سوده ام

چو دو چشم خویش گشوده ام، به محبّت تو گشوده ام

دل خلق را به فضائل و به مناقب تو ربوده ام

به علی قسم به نبی قسم، به خدا محبّ تو بوده ام

به ولای تو به ثنای تو، غزل و قصیده سروده ام

ز تو گفته ام ز تو خوانده ام به زبان حال تو یا حسن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی چراغ زاده

مطلع شعر من از عشق تو حیران شده است

بیت در بیت دلم بی سر و سامان شده است

عالم پیر دگر باره چه در بر دارد

گوئیا شور جوانیست که در سر دارد

لحظه آمدنش غصه نهان خواهد شد

"عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد"

مژده آمدنش تا به پیمبر دادند

همه ذرات جهان در تب و تاب افتادند

این پسر کیست چنین جلوه محشر دارد

از همین کودکی اش هیبت حیدر دارد

ماه مهمانی حق نیز به مهمانی اوست

امشب افطار علی بوسه به پیشانی اوست

و در آن لحظه که این کودک شیرین آمد

شک ندارم که خدا نیز به تحسین آمد

تا در آئینه ی او حُسن خدا را دیدند

نام او را ز سماوات حَسن نامیدند

و خداوند روی سر در افلاک نوشت

هست او سید و آقای جوانان بهشت

مادرش نام مرا سائل این خانه نوشت

روزی شعر مرا نیز کریمانه نوشت

پدرش گفت بیاییم و گدایش باشیم

کاش امشب همه مشمول دعایش باشیم

با لب روزه تو را می دهم ای یار سلام

که کریمانه بگویی به من زار سلام

نظری کن که در این ماه مسلمان بشویم

کاش بر سفره ی افطار تو مهمان بشویم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اکبر لطیفیان

مجموعه ی صفات خدا می شود حسن

اسماء ذات، وقت دعا می شود حسن

صد تا پسر به فاطمه روزی کند خدا

یا می شود حسین، و یا می شود حسن

جبریل هم به رتبه ما غبطه می خورد

وقتی که همنشین گدا می شود حسن

این رنگ سبز، رنگ مقام سیادت ست

امروز سیدالشهدا می شود حسن

گرچه غروب کرد، محرم طلوع کرد

خورشید ظهر کرببلا می شود حسن

معلوم بود از حسد آل عایشه

روزی بدون صحن و سرا می شود حسن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رضا اسماعیلی

اگر یک تبسم حسن می شدیم

مرید خصال حسن می شدیم

دل روشن اش را ورق می زدیم

و با نور او ، همسخن می شدیم

ز بوی کرامات او چون بهار

شکوفا و گل پیرهن می شدیم

به باغ جمالش قدم می زدیم

شبی بلبل آن چمن می شدیم

برای پراکندن عطر او

جهانگرد ، چون نسترن می شدیم

چو گیسوی عرفان ، به دست حسن

شکن ، در شکن ، در شکن می شدیم

برای تماشای صبر خدا

به گرد حسن ، انجمن می شدیم

ز او می گرفتیم ما مشق نــور

به تعلیم او ، شب شکن می شدیم

حسن فصل پیوند دل های ماست

بدون حسن ، « ما » و « من » می شدیم

نبودیم اگر بسته ی مهر او

به مولا قسم ! ریشه کن می شدیم

حسن سیرتان ، وارث آدم اند

چه خوبست ما هم « حسن » می شدیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد سهرابی

دعای زنده دلان صبح و شام یا حسن است

که موی تیره و روی سپید با حسن است

مبین ز نسل حسن هیچکس امام نشد

به حُسن بینی اگر هر امام را، حسن است

حسین میشنوم هرچه یاحسن گویم

دو کوه هست ولی کوه بی صدا حسن است

حسین نهی به قاسم دهد، حسن دستور

ز من بپرس که سلطان کربلا حسن است!

بخوان به نام پسر تا پدر دهد راهت

بیا که کنیه شیرخدا اباحسن است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حجت الاسلام رضا جعفری

تازه وارد هستم و نا آشنا با کویر و بوی صحرا آشنا

عابری بی توشه ای درمانده ای خسته و مسکین و از ره مانده ای

یک مسافر از کویر دور دستک وله بارش خالی از هرچه که هست

خانه بر دوشم، نسیمی آمدم من به دنبال کریمی آمدم

آنکه تا پا بر سر دنیا نهاد این زمین را افتخار سجده داد

گفت معبودی به جز الله نیست از تولد تا شهادت راه نیست

نام او آمد ز بالاهای دور سمت یثرب با طبقهای طهور

نام او بوی پر جبریل شد بر زبان جدّ او تنزیل شد

فاطمه مانند رودی از عسل چشمه ای کوچک گرفته در بغل

چشمه ای معصوم و مظلوم و صبور چشمه ای دنبال تشنه، گرچه دور

چشمه ای همزاد روح بوی سیب جامع اضداد، مشهور غریب

چشمه ای در هر طپش آئینه جوش در اراضی ازل، دیرینه جوش

چشمه نه دریای مروارید پوش صد هزاران نوح را کشتی فروش

چشمه نه دریای موسی نیل کن جُرعه اش، یک ذره را جبریل کن

عشق من ای سبزپوش لاله گون ای هجای باز حاء و سین و نون

ای نژاد نور ای اصل نماز ای پل صاف حقیقت از مجاز

اولین طغیان رود کوثری دومین احمد نه دوم حیدری

ای تو سوم شخص این جغرافیا چارمین شخصیت اهل کسا

ای حسین اکبر ای حُسن قدیم تو کریم مایی و نعم الکریم

جز تو معمار بنای صبر کیست؟ جز تو ای دریا در اینجا ابر کیست؟

اصل ما در ریشه ی چشمان توست انعکاس شیشه ش چشمان توست

صبح می خواهد شود مانند تو گر شود بیدار با لبخند تو

سفره دار مردم بی چشم و رو از لب تو مست هم مِی هم سبو

سفره ی دست کریمت بسته نیست بر سرش جز مستمند و خسته نیست

دستهای سفره دارت را بیار آسمان! ابر کریمت را ببار

مستمندم ماه و ناهیدم بده ذرّه ای از قرص خورشیدم بده

از تو گفتن معجزه آوردن است آسمان را وصف خاکی کردن است

حتم دارم دست من در دست توست چونکه ابیاتم تمامی مست توست

شعر بی تو پست تر از یک خس است میوه ای بی رنگ و کال و نارس است

من روایت می کنم روح تو را کعبه ی تابوت مجروح تو را

ای جوان سبزپوش موسپید اشهَدُ انت الشّهید بنُ الشهید

بغض یک پروانه با بال کبود دائماً در چشم تو پر می گشود

آه ای دریای غمها ساحلت خون دلهای شفق آه دلت

آسمان گریه بارانی مشو سرزمین آب طوفانی مشو

ای اسیر شِبه مردان کِسِل نعره ی هل من معین متصل

طعنه ی سنگین چندین سنگ پست شیشه ی عمر صبورت را شکست

دست نامردی ز اقوام پلید جانماز از زیر تسبیحت کشید

تیر بر تابوت تو آوار شد دشت تابوتت شقایق زار شد

شاهد تشییع تو شمشیرها پیکرت شأن نزول تیرها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ شب نوزدهم**

محمد مهدی سیار

مسجد ز اذان آخرت مست هنوز

محراب به یاد قامتت هست هنوز

در سجده سرت شکافت مولای نماز

ز آن واقعه سجده سر شکسته‌ست هنوز

آه آن سر سرفراز ناگاه شکافت

فرق سر یک نماز ناگاه شکافت

انگار شب تولد مولا بود

پیشانی کعبه باز ناگاه شکافت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حیدر توکلی

ای مرد، فرشته بی حضورت می مُرد

نام تو رسول بی وضو کی می بُرد

آن تیغ که پیشانی ماه تو شکافت

ای کاش به فرق شیعیانت می خورد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اصغر ذاکری

نه اینكه بالا برده ست تادعابكند

خدا كند دستش بشكند خطا بكند

دلش بسوزد سوگند خورده دل ها را

به سوزناك ترین داغ مبتلا بكند

شبیه صاعقه تیغی فرود می آید

كه جشن هر شب ایتام را عزا بكند

اگر كه پای جهالت وسط نباشد، تیغ

چگونه قله ی یك كوه را دوتا بكند؟!

سپید رویت را سرخ كرده تا خود را

سیاه روی ترین فرد ماجرا بكند

نخواست تا كه جسارت شود والا در

بعید بود عبای تو را رها بكند

خدای عاشق فرمود : لا فتی الا...

كه تا حساب تو را از همه جدا بكند

برای وصف تو دریای واژه قادر نیست

كه حق مطلب را كاملا ادا بكند

علی كه باشی یعنی مقام تو اعلاست

چرا گروهی باید تو را خدا بكند؟

قریبْ فاصله مان از تو چارده قرن است

یكی بیاید و فكری به حال ما بكند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی نظری

وقتی که با نان و نمک افطار می کرد

انگار که با فاطمه دیدار می کرد

هی شیر را از پیش خود می زد کنار و

هی دخترش با چشم تر اصرار می کرد

در آسمان انگار چیزی تازه می دید

با اشک دیده چشم را خونبار می کرد

در خاطرش پیراهنی پر ماجرا داشت

که این جهان را بر سرش آوار می کرد

امشب ز شب های دگر مظلوم تر بود

این را اذان، وقت سحر اقرار می کرد

دنیا برایش صحنه های پر زغم داشت

که هر سحر را مثل شام تار می کرد

این پیر مردی که غرورش را شکستند

انا الیه راجعون تکرار می کرد

دلتنگ محسن بود این شب های آخر

گریه به پهلو و در و دیوار می کرد

قلابِ در وقتی که بوسه زد به شالش

یاد غلاف و زخم دست یار می کرد

از بسکه دلتنگ نگاه همسرش بود

او ابن ملجم را خودش بیدار می کرد

همراه زینب دخترش محراب کوفه

گریه برای حیدر کرار می کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفایی

خون دل های علی گل کرد برفرق سرش

می برد این دستۀ گل را برای همسرش

آنکه عمری کرد دلجوئی ز پا افتاده را

حال می ریزد گل از خون در میان بسترش

مسجد و محراب و منبر در فروغی از خلوص

محشری دیدند در حال نماز آخرش

بعد زهرا با همان عشق و محبت بارها

دید زهرا را ولیکن در نگاه دخترش

کم کم از پا می فتاد این شمع و از غم زینبش

بال و پر میزد چنان پروانه در دور و برش

گفت عباسم علمدار حسین من تو باش

این وصیت نامه را بنوشت با چشم ترش

گفت با پروانه های خویشتن پنهان کنند

همچو زهرا نیمه شب در خاک غم خاکسترش

پر شد از شهد شهادت تا که جامش عشق گفت

ساقی کوثر رود امشب به سوی کوثرش

از سخن گفتن «وفائی» گر که کم کم شد خموش

قطره قطره اشک می افتاد روی دفترش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد میر هاشمی

ماه جمال قبلۀ ایمان به خون نشست

شمس رخ حقیقت عرفان به خون نشست

دیو تباهی آمد و یک سجده را شکست

آئینه ی کرامت انسان به خون نشست

بر سینه ی نماز گذاران نشسته داغ

روح نماز و کعبه ی ایمان به خون نشست

حور و ملک ، فرشته و جن ، نوحه گر شدند

دریا و کوه و دشت و بیابان به خون نشست

توحید جوی دهر ، یدالله بت شکن

از مکر و کینه توزی شیطان به خون نشست

کعبه بیا ، زیارت مولود خود نما

کن سجده ای، که جلوه ی یزدان به خون نشست

صبح وصال او چو دمید آسمان سرخ

گفتا : سحرگه شب هجران به خون نشست

با سائلان غمزده ، این ماجرابگو

مرد غریب صاحب همیان به خون نشست

شیر آورید و شیر خدا را دعا کنید

آن مهربان جمع یتیمان به خون نشست

می خواست روی پای خودش ره رود ، نشد

پیش نگاه زینب گریان به خون نشست

کوفه ، مدینه گشته و محراب ، کوچه اش

یاس کبود بین گلستان به خون نشست

روزی که حرمتش به مدینه شکسته شد

خورد او زمین و دید که قرآن به خون نشست

با خاطرات چادر خاکی همسرش

تنها ترین مسافر دوران به خون نشست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد میر هاشمی

کوفه ، مدینه بود مگر ؟ التهاب داشت

محراب ، کوچه بود مگر ؟ اضطراب داشت

تیغ عدو کجا و سَرِ سِرِّ عدل و داد !

دشمن دوباره بر سر نیزه کتاب داشت

این فتنه ها ز گور خوارج بلند شد

دینی که بی علی است ، اساسی خراب داشت

در سر ، هوای ماندن در کوفه را نداشت

او که دلی به یاد مدینه کباب داشت

تنهاترین غریب ، هوایی یار بود

با یاد فاطمه ، نه خوراک و نه خواب داشت

قلبش به یاد فاطمه می زد ، که مرگ خواست

آن شب علی لبی به دعا مستجاب داشت

دیگر حساب روز و شب از دست داده بود

در تنگنای سینه ، غمی بی حساب داشت

موی سپید او که ز رویی کبود بود

از خون سرخ سر ز چه قصد خضاب داشت

جان در تنش چه شد که چنین بیقرار بود ؟

مثل مسافری که به رفتن شتاب داشت

میلی به شیر و نان و رطب هم نداشت او

تنها نمک که زخم دلش التهاب داشت

از سهم شیر خویش به قاتل دهد که او

روحی پر عاطفه به زلالی آب داشت

زینب ز نیشخنده ی قاتل تمام عمر

روحی اسیر پنجه ی رنج و عذاب داشت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

لاله‌گون گشت ز خون روی دل‌آرای علی

می‌چکد اشک حسن بر رخ زیبای علی

مـرغ آمیـن بـه دعـای سحـرش پاسخ داد

از خداونـد همیـن بــود تمنـای علی

که گمان داشت که چون فاطمه تنها و غریب

در دل خـاک رود قـامت رعنای علی

جای یک ضربـۀ شمشیر به پیشانی داشت

جای صد زخم، عیان بود به اعضای علی

آسمـان شست مـه روی علـی را از خـون

عوض آن که نهد رو به کف پای علی

هرچه آب است اگر اشک شود باز کم است

در غم فاطمـه و ماتـم عظمای علی

از جنـان فاطمه آیـد بـه بیابـان نجف

تا کند خون جبین پاک ز سیمای علی

نـخل‌هـا منتظـر بانـگ الهــی العفـو

چاه‌ها منتظر نالـۀ شب‌هـای علی

"میثم" از سوز درون گرید و خواهد ز خدا

ناله‌اش را برسانند به امضای علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حامد حجتی

راه این کوچه به محراب گذر خواهد کرد

ماه در گوشه این راه سحر خواهد کرد

میخ در... شال کمربند تو را می گیرد

میخ از خاطرۀ تلخ گذر خواهد کرد

راه این کوچه پر از هیزم و داغ است هنوز

نفس باغچه را داغ تو تَر خواهد کرد

دوقدم مانده به محراب اذان می گویند

دوقدم مانده که در شهر خبر خواهد کرد:

بشتابید نماز است که جریان دارد

باز خیر العمل دوست اثر خواهد کرد

علی ! این بار دو رکعت به تبسم مانده

علی ! انگار که در عشق نظر خواهد کرد

رو به خورشید قنوت ابدی جان دارد

سجده این بار کنار تو خطر خواهد کرد

یک نفر تیغ به دست آمده تا تکبیرت...

باز هم معجزه در فرق قمر خواهدکرد

کعبه در فزت و رب گویی خود حیران است

ها علیٌ بشرٌ کیف بشر خواهد کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی صالحی

بزن ای تیغ در دَم راحتم كن

از این شهر، این جهنم راحتم كن

مگر از دستِ تو كاری برآید

بزن ای ابنِ ملجم راحتم كن

ز دلبر ارثیه بردن چگونه ست

شبیه عشق خود مُردن چگونه ست

بزن طوری بفهمم مثلِ زهرا

كه با صورت زمین خودن چگونه ست

خداوندا چه دنیای عجیبی

چه مظلومی چه آقای غریبی

مگر محراب گودال است كوفه؟

كه افتاده زمین شیب الخضیبی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی انسانی

امام اول و افطار آخرینش بود

که دخترش به دعا دست بر فلک برداشت

اگرچه سفره اش از نان و شیر رنگین بود

«علی به خاطر زخم دلش نمک برداشت»

دو چشمه وقف غم مردم از دو چشمش کرد

چه آب ها که از این چشمهمردمک برداشت

علی که از جگر خود کباب داشت به عمر

برای دل نمک از سفرۀ فدک برداشت

نبود چاه، زمین گرچه سنگ بود دلش

ز یک تلنگرِ آه علی، تَرک برداشت

گذاشت مِهر علی بر نماز، مُهر قبول

خدا عیار عبادت به این محک برداشت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم؛ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)**

غلامرضا سازگار

شود جان، لحظه لحظه از تن مولا جدا امشب

کسی دیگر نیارد شیر بر شیر خدا امشب

طبیبا زخم مولا را گشودی نسخه ننوشتی

چه گفتی مخفی از زینب به گوش مجتبی امشب؟

طبیبا همتی کن بلکه مولا باز برخیزد

برد یک بار دیگر بر یتیمانش غذا امشب

دل خلق جهان گردد به گرد بستر مولا

دل مولا بود در گوشۀ ویرانه ها امشب

مزن این قدر سوسو ای چراغ مسجد کوفه

که مولایت نمی آید به محراب دعا امشب

نسیم ساکت کوفه برو با چاه ها برگو

که مهمان شما افتاده در بستر ز پا امشب

مداوا نیست حاجت اولین مظلوم عالم را

که از شمشیر زهرآلوده می گیرد شفا امشب

زدوران جوانی سیر بود از عمرِ بی زهرا

علی، ای اهل عالم میشود حاجت روا امشب

زاشک دیده شسته دامن ویرانه را طفلی

گرفته بر پدر در دامن مادر عزا امشب

به سوز ناله های خود بسوزانید (میثم) را

که در کوی شکما آورده روی التجا امشب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

موسی علیمرادی

دیگر برای پر زدنم پر بیاورید

هفت آسمان برای کبوتر بیاورید

غربت توان دیدن من را ربوده است

این خار را ز چشم ترم در بیاورید

تا خوب و بد حلال کنند این غریب را

ایتام را برابر بستر بیاورید

آن معجری که نیمی از آن سوخت پشت در

آن را برای بستنا ین سر بیاورید

چندیست سخت تشنۀ دیدار گشته ام

کوثر برای ساقی کوثر بیاورید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حیدر توکلی

ای کوه درد این دم آخر سخن بگو

امشب به جای چاه، غمت را به من بگو

گر فکر می کنی که تحمل نمیکنم

من می روم ز حجره برون، با حسن بگو

با آنکه فکر بی تو شدن قاتل من است

حتی شده دوباره ز بی تو شدن، بگو

بنگر رسانده ای به کجا کار دل، که من

گویم به التماس، ز غسل و کفن بگو

گر چه سخن ز پر زدنت می کشد مرا

راضی به هر چه گویی ام، از پر زدن بگو

لب باز کن دوباره تو و باز هم به من

"زینب چنین به سینه و بر سر مزن" بگو

آن را که گفتی از من و عباس تا شنید-

-رنگش پرید و لرزه فتادش به تن بگو

گفتی تو از حسین و اباالفضل زد به سر

گر میشود بریده سرش از بدن، بگو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حیدر توکلی

ای بال و پر شکسته دم از پر زدن مزن

برخیز و حرف رفتن و غسل و کفن مزن

در بین نوحه خواندنت از مادرم، پدر!

حرف از وصال خویش و جدایی ز من مزن

می لرزم از شنیدن از مرگ گفتنت

حرفی کز آن به لرزه در آید بدن مزن

با من ز ماندن و ز نرفتن دمی بگو

دم این همه ز رفتن و راهی شدن مزن

صف بسته جمع جان به لبی، دیده باز کن

پلکی بزن، شرر به دل انجمن مزن

بسته ره نفس به من این روضه های باز

پیش حسین حرف کفن با حسن مزن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

حیف مولا مردم عالم تو را نشناختند

دم زدند از تو ولی یکدم تو را نشناختند

رهبر افلاکی و از خاکیان خاکی تری

هم ملائک هم بنی آدم تو را نشناختند

با تو قومی محرم و قومی دگر نامحرمند

ای عجب نامحرم و محرم تو را نشناختند

هم به تخت جاه، هم ویرانه، هم دامان چاه

هم به شادی هم به موج غم تو را نشناختند

انبیا بودند از آدم همه در سایه ات

لیک جز پیغمبر خاتم تو را نشناختند

با وجود آنکه یک آن با تو نشکستند عهد

بوذر و مقداد و سلمان هم تو را نشناختند

تو حَجَر، تو جانِ کعبه، تو حیات زمزمی

هم حجر هم کعبه هم زمزم تو را نشناختند

عرشیان کز صبح خلقت با تو ساغر می زدند

فاش گفتم فاش می گویم تو را نشناختند

چون کتاب آسمانی حرمتت شد پایمال

ای یگانه آیت محکم تو را نشناختند

چون فقیری کو تو را دشنام داد و نان گرفت

ای علی جان مردم عالم تو را نشناختند

در کنار خانه ات بر همسرت سیلی زدند

ای فدای غربتت گردم تو را نشناختند

ای شجاعت از تو تا صبح قیامت سر فراز

ای قدت از هجر زهرا خم تو را نشناختند

بارها در نخل میثم دوستان کردند سیر

حیف کآخر همچنان «میثم» تو را نشناختند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

یوسف رحیمی

پیچیده سحرگاه عجب عطر نجیبی

رد می‌شود از کوچه ی غم مرد غریبی

از وسعت دستان کریمش چه بگویم

وقتی همه دارند از این سفره نصیبی

هم آن که دعایش همه نفرین به علی بود

هم این که به مولای خودش عشق عجیبی ...

منظومه ی انصاف و وفا را نسروده است

جانبخش‌تر از جود علی هیچ ادیبی

سی سال گذشته‌ست، علی چشم به راه‌ست

در عمق نگاهش نه قراری نه شکیبی

او می‌رود و ناله ی‌ دیوار بلند است

مانده ست دری دست به دامان طبیبی

والشمس! شده غرق به خون چهره ی‌ خورشید

والفجر! رسیده‌ست حبیبی به حبیبی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هفتم؛ شام غریبان**

موسی علیمرادی

بی آشنا مانده غریبی بین خلقت

دیگر نمی آید صدای پای غربت

چندیست مانده سفره ها بی نان و خرما

دیگر ندارد کوفه شبگرد محبت

بعد از تو باید سرکند با خاک غم ها

آن سر که بر دامان مهرت داشت عادت

رفتی و هرگز چشم این دنیا نبیند

شاهی بریزد با گدا طرح رفاقت

هر وقت می آمد حسن هجده گل یاس

میریخت روی قبر تو با اشک حسرت

دست خدا افتاد از پا بین کوچه؟

باید شنید از ریسمان ها این حکایت

رفتی و خار از چشمهای تو در آمد

در پای طفلی رفت هنگام اسارت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

فضای تو چقدر غم فزاست ای کوفه

بگو امام غریبت کجاست ای کوفه

صدای یا ابتا از خرابه ها آید

تمام شهر پر از این صداست ای کوفه

قسم به شام غریبان مرتضی، سه شب است

که سفرۀ فقرا بی غذاست ای کوفه

هنوز از جگر نخل های تو به فلک

صدای نالۀ شیر خداست ای کوفه

دل شکسته یتیمی نشسته چشم به راه

هنوز منتظر مرتضاست ای کوفه

به اشک غربت و خون سر علی سوگند

تو را نه دوستی و نه وفاست ای کوفه

زدست مردم نامرد تو علی چه کشید

که مرگ خود ز خداوند خواست ای کوفه

چرا علی دل شب دفن شد جواب بده

مگر نه او شه ارض و سماست ای کوفه

گذشت هر چه شد، از زینبش تلافی کن

اگر چه کار تو جور و جفاست ای کوفه

بیا و بعد علی با حسین خوبی کن

که از تو خون جگر مجتباست ای کوفه

ز بی وفائی و جور و جفای مردم تو

هماره ناله «میثم» به پاست ای کوفه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

شب و تاریکی و صحرایِ خاموش

فلک با جامه ی ماتم سیه پوش

گرفته در زمین چندین ستاره

یکی خورشید خون آلوده بر دوش

سکوت مرگ، عالم را گرفته

تو گویی آسمان هم رفته از هوش

درون سینه ها فریاد فریاد

صدای ناله ها خاموش خاموش

بیابان نجف چشم انتظار است

که گیرد جان عالم را در آغوش

خدا داند که خون فرق مولا

ز قلب آفرینش می زند جوش

ز صحرای نجف آهسته آید

صدای ناله ی عبّاس بر گوش

"جوانمردی" دل شب رفت در خاک

"عدالت" تا قیامت شد فراموش

کجا رفت آن امیری کز رعیّت

رسیدش نیش ها در پاسخ نوش

زخونت «میثم» ار شد خاک مفروش

ولای دوست را مفروش مفروش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

تا جسم بوتراب نهان در تراب شد

گردون به فرق خاک نشینان خراب شد

با یک مدینه غربت و یک کوفه درد و غم

مانند شمع سوخت و لب بست و آب شد

وقتی که بازگشت حسن از کنار قبر

از سوز ناله اش دل زینب کباب شد

چندین ستاره در دل شب خون گریستند

تا نیمه شب به خاک نهان آفتاب شد

پاداش آن مروّت و مردانگیّ و عدل

روی علی ز خون سر او خضاب شد

کاش این چنین نبود و نباشد شنیده ام

بین همه سلام علی بی جواب شد

فریاد می زنند شب و نخل و چاه ها

والله بر علی ستم بی حساب شد

در مجلس شهید همه آورند گل

امشب سرشک دیده ی زینب گلاب شد

"میثم" سزد که نسل جوان گریه ها کنند

بر رهبری که پیر به فصل شباب شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

گر چه در خاک نهان شد بدن خستۀ تو

کعبۀ خلق بود خانۀ در بستۀ تو

شمع سان سوختی و آب شدی دم نزدی

که جهان سوخته ازگریۀ آهستۀ تو

کیست تا مثل تو از لطف به قاتل نگرد

ای فدای نگه چشم زخون بستۀ تو

گل لبخند تو نگذاشت بدانند که بود

یک جهان غصه درون دل وارستۀ تو

خلق، یک لحظه زدرد دلت آگاه نشد

بی صدا بود زبس گریۀ پیوستۀ تو

چه به زهرا گذرد گر بگذارد به جنان

دست بشکسته به پیشانی بشکستۀ تو

پیش از آن روز که آب و گل ما خلق شود

اشک ما ریخته بر روی به خون شستۀ تو

"میثم" سوخته دل را زکرم وامگذار

کز همه رسته و عمری شده وابستۀ تو

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**بخش هفتم؛ گلچین مجالس مداحان**

**فصل اول؛ مناجات**

ترک 01 ـ زمزمه مناجاتی[[33]](#footnote-33)

ای خدا ایام طاعاتم گذشت نیمه شبهای مناجاتم گذشت

روزهای روزه داری شب شده ماه رحمت جانب مغرب شده

می رود شب ها و دلگیرم هنوز با گناه خویش درگیرم هنوز

آنقدر در می زنم این خانه را تا ببینم روی صاحب خانه را

ای که نادیده گرفتی کار من چه کریمانه خریدی بار من

من که می دانم سزاوار چی ام من فراموشم نمی گردد کی ام

من همانم که تو را نشناختم هر چه سرمایه تو دادی باختم

آشنایم آشنایم آشنا آشنایم خود مرا گفتی بیا

من سزاوار عطایت نیستم لایق مهمان سرایت نیستم

من که زیبنده به احسان تواَم هر چه هم بد باز مهمان تواَم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02 ـ زمزمه مناجاتی[[34]](#footnote-34)

ای خدا آشنایم زائر کربلایم

بر لبم ذکر لبیک کرده یارم صدایم

تو خدای حسینی من گدای حسینم

آشنای غریبم رفته صبر و شکیبم

حق ارباب عطشان کربلا کن نصیبم

نیستم من غریبه آشنای حسینم

تو خدای حسینی من گدای حسینم

آمده رو سیاهی با امید نگاهی

یک نگاه رحیمی سوی غرق گناهی

تا سحر ناله دارم خاک پای حسینم

تو خدای حسینی من گدای حسینم

عبد این آستانم من هم از دوستانم

مرغ باغ مناجات جلد این آشیانم

نیستم من غریبه آشنای حسینم

تو خدای حسینی من گدای حسینم

صحبت از کربلا شد راز دل بر ملا شد

نیزه های شکسته روضۀ پُر بلا شد

این دل خسته و این وای وای حسینم

تو خدای حسینی من گدای حسینم

سرورم بی کفن شد پاره پاره بدن شد

گوشۀ قتلگاهش مانده بی پیرُهن شد

این دل خسته و این وای وای حسینم

تو خدای حسینی من گدای حسینم[[35]](#footnote-35)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03 ـ زمزمه مناجاتی[[36]](#footnote-36)

کی می شود که از من تنها خدا بماند

نا پاکیم بریزد پاکی بجا بماند

من لایق عطای ماه خدا نبودم

پس این تویی که خواهی دل با خدا بماند

حالا که آمدم با حال دعا و توبه

ای کاش که همیشه حال دعا بماند

آمد محب حیدر عطشان جام کوثر

تا جرعه ای بنوشد با مرتضی بماند

گاهی مرا صدا کن لطفی بر این گدا کن

زهرایی ام عطا کن تا این عطا بماند

یا کربلایی ام کن یا مجتبی ام کن

جا مانده از خدا را مگذار جا بماند

از فرط بی وفایی من عهد ها شکستم

دستم اگر بگیری عهد و وفا بماند

پرونده ام سیاه است از بس که پُر گناهم

مپسند نام من دراهل خطا بماند[[37]](#footnote-37)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ زمزمه مناجاتی[[38]](#footnote-38)

با آنکه حد جرمم بالاتر از عذاب است

جرم مرا حساب و عفو تو بی حساب است

با لطف بی کرانت در پیشگاه عفوت

العفو یک گنهکار بالاترین ثواب است

عفو تو کوه خجلت بر شانه ام نهاده

بر روی دوشم این کوه سنگین ترین عذاب است

دستم به بند عصیان پایم به دام شیطان

قلبم هماره بیمار چشمم همیشه خواب است

چون لالۀ خزانی رفت از کفم جوانی

شرمنده پیری من از دورۀ شباب است

با این گناه بسیار گویی گنه نکردم

بر هر گناهم از تو صد پردۀ حجاب است

اشک خجالت از من لطف و عنایت از تو

جرم من است ظلمت عفو تو آفتاب است

یارب الهی العفو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ زمزمه مناجاتی ( گریز حضرت علی اصغر علیه السلام)[[39]](#footnote-39)

من که غیر در خونت آی خدا جا ندارم

روی اینکه بگیرم سرم رُ بالا ندارم

می دونم خیلی بدم پس تو دیگه به روم نیار

از خجالت جایی دیگه بین خوبا ندارم

بسه از این همه جرم و اشتباه خسته شدم

دیگه تاب زندگی با این خطاها ندارم

به جون خوبات قسم آرزومه بیام ولی

پیش بارگاهت آبرویی اما ندارم

خودتم خوب می دونی با این همه جرم و خطا

توی دنیا جایی جز خونۀ مولا ندارم

از کوچیکیم یادمه سینه زنه حسینتم

به جز از اسم حسین اسمی رو لب هام ندارم

می خوام امشب خدا جون برا تو روضه بخونم

آخه آبرویی جز روضۀ آقا ندارم[[40]](#footnote-40)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم؛ وفات حضرت خدیجه(علیها السلام)**

ترک01 ـ روضه[[41]](#footnote-41)

والا مقام ای مادر زهرا خدیجه

مادر بزرگ زینب کبری خدیجه

خرج خدا شد ثروتت یکجا خدیجه

کوری چشم شور بعضی‌ها خدیجه

انگشتر عشق پیمبر را نگینی

الحق و الانصاف ام المومنینی

هم گوهر نابی و هم گوهرشناسی

ای تاجر خوش ذوق، پبغمبرشناسی

تنها نه در مکه در عالم سرشناسی

از بیعتت پیداست که حیدر شناسی

عطر علی دارد سراپای وجودت

بانو می‌کوثر گوارای وجودت

بوی نبوت را که استشمام کردی

بهر رواج دین حق اقدام کردی

اسلام را با همتت اسلام کردی

کفار را با ثروتت ناکام کردی

بوده اساس دین و آیین پیمبر

اخلاق او اموال تو شمشیر حیدر

ای طاهره بانوی باتقوای مکه

سنگ صبور و حامی آقای مکه

بی اعتنا به طعنۀ زن‌های مکه

ای کاش نیشابور بودی جای مکه

شعب ابی طالب تو را از پا نینداخت

آزار اهل شرک از تو  شیرزن ساخت

بانو سلامت می‌کنم از دور و نزدیک

پیش حبیب خود در این شب‌های تاریک

راحت برو راحت بیا ام الصعالیک

مکه ندارد کوچه‌های تنگ و باریک

مکه مدینه نیست! آتش پا نگیرد

میخی درون سینه تو جا گیرد[[42]](#footnote-42)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه[[43]](#footnote-43)

ای رسول خدای را همدم در حریم رسالتش محرم

کهکشان است در رهت مشعل آفتاب است بر گلت شبنم

اولین زن تویی که قامت بست به نماز پیمبر خاتم

یار احمد شدی که تا نشود یک سر موی از سر اوکم[[44]](#footnote-44)

شوهرت کیست ؟ بهتر از عیسی دخترت کیست؟ برتر از مریم

دامنت جای زهرۀ الزهرا که بود نور نیّر اعظم

مکه و صخره های سُتوارش طائف و نخلهای سر در هم

عاشق بردباریت همه جا شاهد جانفشانیت همه دم

شد ز تیغ علی و ثروت تو همه ارکان دین حق محکم

زخم پاهای سنگ خوردۀ او یافت ازدست لطف تو مرهم

سر بلند از شهامت تو صفا اشک ریز از مصائبت زمزم

به علی و محمد و زهرا اشفعی یا خدیجه الغرا

خیمه ی عشق را عمود توئی صفت مهر را نمود توئی

در کنار تمامی رحمت مظهری از تمام جود توئی

فاطمه گوهرِ وجود بود مخزن گوهر وجود توئی

اولین زن که از زبان رسول سخن وحی را شنود توئی

اولین زن که با رسول خدا به رکوع آمد و سجود توئی

با سلام پیمبری به رُخش اولین کس که در گشود توئی[[45]](#footnote-45)

مادری که چهار قابله اش آمد از آسمان فرود توئی[[46]](#footnote-46)

آنکه با جبرئیل در هر وحی آمدش از خدا درود توئی

منعمی را که با تهیدستی کردگارش بیازمود توئی

آنکه در خانه بود و یک دم همغ افل از رهبرش نبود توئی

باغبانی که شد گل یاسش بین دیوار و در کبود توئی

به علی و محمد (پیمبر)[[47]](#footnote-47) و زهرا اشفعی یا خدیجه الغرا

اسماء بنت عمیسُ خبر کرد، اومد بالین خدیجه، فرمود: اسماء دارم از دنیا میرم، اما برا فاطمه غصه دارم، اسماء هر دختری همیشه به مادر احتیاج داره، اما یه شبی بیشتر از همیشه جای خالی مادر معلوم میشه، به من قول بده شب عروسی زهرا براش مادری کنی، عروس و داماد داخل حجره اند، پیغمبر فرمود همه برند، اما دید یه خانومی ایستاده، فرمود اسماء تو چرا نمیری؟ عرضه داشت من از طرف خدیجه ماموریت دارم. تا اسم خدیجه اومد پیغمبر گریه کرد، عرضه داشت آقاجان فاطمه مادر نداره، شاید کاری داشته باشه من براش مادری کنم، آی مردم یه شب ابوذر تو مدینه اومد در خانه امیرالمومنین به همه ی اهل یثرب گفت تشییع جنازه حضرت زهرا عقب افتاده همه برید، امیرالمومنین فرمود: اسماء امشبم فاطمه کمک می خواد، اسماء یادته گفتی مادر نداره شب عروسی، فاطمه من سنی نداره...  بریز آب روان اسماء..

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ روضه[[48]](#footnote-48)

گذر لحظه ها چه جان فرساست

اشک بر گونۀ رسول الله است[[49]](#footnote-49)

پا به قبله خدیجۀ کبری است

لحظه ی مرگ مادر زهرا ست

بغض کرده به ذکر وا اُماست

به خدا مرگ مادری سخت است

پیش چشمان دختری سخت است

آسمان بسته حجله ی غم آه

نکند چاره هیچ مرهم آه

وای از این غربت مجسّم آه

نفسش گشته نا منظم آه

وا شود تا نگاهش از هم آه

در برش غمزده رسول الله

به زبان آمده رسول الله

مهربان دلبرم مرو باشد؟

همه بال و پرم نرو باشد؟

خسته ام مضطرم نرو باشد؟

یاورم از برم نرو باشد؟

مادر دخترم نرو باشد؟

وقت بی مادری زهرا نیست

خانه ام آه رو به ویرانی ست

فخر پروردگار من بودی

مایه ی افتخار من بودی

سوره ی اقتدار من بودی

خوشی من قرار من بودی

روز سختی کنار من بودی

مرهم زخم جنگ ها گشتی

سپرم زیر سنگ ها گشتی

گوشه ی شعب غصه ها بانو

تکیه گاه گره گشا بانو

دگر افتاده ای ز پا بانو

بی کسم می روی کجا بانو

ناگهان چشم خویش را بانو

باز کرده ز آشنایی گفت

با نفس های غم فزایی گفت

جان به پای تو رونما کردم

به نماز تو اقتدا کردم

چادرم پهن در حرا کردم

هستی ام هدیۀ خدا کردم

دِین خود را به دین ادا کردم؟

ای رسول خدا حلالم کن

آخرین لحظه ها حلالم کن

وقت رفتن ز گریه سرشارم

مثل ابر بهار می بارم

غصه ای می دهد بس آزارم

دختر چار ساله ای دارم

به تو حورا ی خویش بسپارم

بعد من بی قرار می گردد

به یتیمی دچار می گردد

سخنی با تو خونجگر گویم

خواهش خویش مختصر گویم

شرم دارم که با پدر گویم

ای عزیز دل آنقدر گویم

مانده ام بی کفن اگر گویم

تو بگو که مرا سر افرازد

در عبایش مرا کفن سازد

ای خدیجه ز چیست گریانی

نزد ما در بهشت مهمانی

همه ی ثروتی که می دادی

هست اینجا چرا پریشانی

غم مخور بی کفن نمی مانی

کفنی پر بها فرستادیم

نه یکی ، چند تا فرستادیم

بر دلت کوهی از مِحن[[50]](#footnote-50) داری

باز یک قبر در وطن داری

ورم و زخم روی تن داری؟

غسل از زیر پیرهن داری؟

هم عبا هست و هم کفن داری

غصه و غم به جانم افتاده است

چه گریزی به شعر من داده است

سینه را وقت سوختن باشد

لشکری دور یک بدن باشد

سخت دعوای پیرُهن باشد

این حسین است و بی کفن باشد

حضرت عشق، عشق من ارباب

شاه بی غسل و بی کفن ارباب[[51]](#footnote-51)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04 ـ زمینه[[52]](#footnote-52)

خاک عزا بر سر شد ای وای ای وای فاطمه بی مادر شد ای وای ای وای

بی کس و یاور شد

ناله زند با چشم تر می روی تنها ای مادر

واویلا واویلا

بعد تو بابا تنهاست مادر مادر روز عزای زهراست مادر مادر

زمزمه ها بر پاست

فاطمه بیند آزار مادر مادر سینه و داغ مسمار مادر مادر

بین در و دیوار

ضربه خورد بر پهلویم فضه خُذینی می گویم

واویلا واویلا

تا کفنی پیدا شد ای وای ای وای صحبت عاشورا شد ای وای ای وای

حرف کربلا شد

یک تن بی سر یک لشکر زیر لگد ها یک پیکر

واویلا واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ زمینه[[53]](#footnote-53)

حامی و یار دینی بی مثل و بی قرینی

همسنگر پیمبر تو ام مومنینی

یا حضرت خدیجه

قربان یا رب تو دل اهل مذهب تو

خیرالنساء عالم شاگرد مکتب تو

یا حضرت خدیجه

پاینده تا قیامت دین خدای یکتا

با ثروت تو و با تیغ علی اعلی

یا حضرت خدیجه

ای عصمت مطهر ای بانوی دلاور

نازد به لطف و جود و ایثار تو پیمبر

یا حضرت خدیجه

بشنو به ماتم خود سوز و نوای قلبم

ای تربت غریبت دارالشفای قلبم

یا حضرت خدیجه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06 ـ زمینه[[54]](#footnote-54)

ای که چشمۀ خیراتی مادرمادر ساداتی

روحی فداکِ یا مولاتی مولاتی مولاتی

تو زمزمه ی مجیبی بانو به درد همه طبیبی بانو

با اینکه دوای دردامونی هنوز به خدا غریبی بانو

وای

ای مهربون مادر مهربون همه

قدر تو رُ کی میدونه به جز فاطمه

یار حضرت طاهایی مادر مهربونی هایی

عزیز دخترت زهرایی زهرایی زهرایی

به تو بانوی کرم می نازیم دلُ به خدا قسم می بازیم

پیش خونه ی خدا ای بانو یه روز برا تو حرم می سازیم

وای

چشم من و کرم مادر فاطمه

رویای من حرم مادر فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ ولادت امام حسن(علیه السلام)**

ترک 01 ـ شعر[[55]](#footnote-55)

ماه من از پرده بیرون شو ببین ماه خدارا

ماه عفو و ماه رحمت ما تسبیح و دعا را

ماه توبه ماه بخشایش مه صدق و صفا را

ماه میلاد حسن مرآت حسن کبریا را

نیمۀماهخداماهعلیرا جلوه گر بین

قرصخورشیدمحمدرادرآغوشسحربین

غنچه ای از گُلبن قرآن و عترت واشد امشب

اشک شوق مصطفی در خنده اش پیدا شد امشب

روشن از دیدار رویش دیدۀ زهرا شد امشب

فاش گویم پور بو طالب علی بابا شد امشب

گشته بلبل جبرئیل وخانه وحی است گلشن

ای محمد ای علی ای فاطمه چشم تو روشن

آفتاب حسن حق تابنده هنگام سحر شد

نیمۀ ماه خدا ماه محمد جلوه گر شد

مرتضی را چشم دل روشن به رخسار پسر شد

هم بشر هم بوالبشر را این پسر نیکو پدر شد

ظاهر از بیت ولایت مظهر داور شد امشب

البشاره البشاره فاطمه مادر شد امشب

خیز و در آئینۀ جان عکس روی یار بنگر

جلوه گر در خانۀ دل جلوه دلدار بنگر

وجه وجه الله بین مهر رخ دادار بنگر

در تلاقی دو دریا لؤلؤ شهوار بنگر

گوش شو تا بشنوی تبریک حیذوالمنن را

چشم شو تا بنگری روی دل آرای حسن را

تا درخشان شد رخ رخشان تر از ماه تمامش

گشت پروانه صفت در گرد آن ماه صیامش

چون سراپا حُسن دید آن طفل را جد کرامش

بوسه زد بر روی زیبا و حسن بگذاشت نامش

در مه مهمانی حق گشت ماهی آشکارا

روشنی بخشید چشم میهمانان خدارا

ای تولایت صفا بخش و شفا بخش دل من

وی به مهرت دست حق آمیخته آب و گل من

از نمکدان عطایت شورها در محفل من

نیست غیر از مهر تو در مزرع دل حاصل من

تا مگر روزی شوم ازخیل زُوّار بقیعت

یا شبی صورت نهم برخاک دیوار بقیعت

کاش می بودم نسیم و می گذشتم از کنارت

کاش می بودم غبار و می نشستم بر مزارت

کاش بودم اشک و می گشتم ز هر چشمی نثارت

کاش بودم شمع بزم عاشق شب زنده دارت

مرغ جان ازلانۀ جسمم همی گیرد سراغت

روشنی گیرد دلم ازقبر بی شمع وچراغت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ شعر[[56]](#footnote-56)

تا که دستم پر از تمنا شد

چشم من میهمان دریا شد

بسکه از آسمان فرشته رسید

خاک بی جان شبیه بالا شد

برکت موج می زند به زمین

روزیم باز نان و خرما شد

بوی نان کریم می آید

در کرمخانه سفره ای وا شد

با صدای اذان مأذنه ها

کوچه های بهشت غوغا شد

نیمۀ ماه عاشقی رمضان

قرص ماه مدینه پیدا شد

حضرت فاطمه شده مادر

حضرت بوتراب بابا شد

حک شده روی صفحۀ قلبم

حسن بن علی خدای کرم

بال من را به آسمان دادند

خانه ی عشق را نشان دادند

تا که از سائلان جدا نشوم

خانۀ عشق را نشان دادند

روزه داران عشق از سر شوق

یا حسن گفته و اذان دادند

بعد از این مرتضی ابا الحسن است

دامنش را به دستمان دادند

به زمین از کرامت آقا

برکت های بی کران دادند

او دلیل عطای هر روز است

روزی روزه های هر روز است

پدری در بغل قمر دارد

از سر شوق چشم تر دارد

چشم شور همه حسودان کور

حضرت فاطمه پسر دارد

دل بیچاره یا کریم تو شد

دل بیچاره بال و پَر دارد

تو مگر رو نما نمی خواهی

عاشق تو هنوز سر دارد

صدقه گیر سفرۀ تو شدم

حال خوبی اگر دلم دارد

تو دلیل طراوت سحری

حسنی، مادری ترین پسری

حضرت عشق مجتبیِ علی

کیسه بر دوش پا به پای علی

نمک خنده های تو کافیست

بهر افطار روزه های علی

تا دوباره دل از علی ببری

دو سه آیه بخوان برای علی

بین آغوش او بخواب آرام

تا بهاری شود هوای علی

از سر سفرۀ تو نان می خورد

در کرمخانه ات گدای علی

تو رسیدی دل از پدر بردی

تو شدی ماه دلربای علی

حس بابا شدن چه شیرین است

بی جهت نیست اشک های علی

و رطب از لب تو خورد علی

مادرت را به تو سپرد علی[[57]](#footnote-57)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شعر[[58]](#footnote-58)

اگر چه عاشق نا قابل شماست دلم

بیا به خانه ی خود منزل شماست دلم

اگر که شیعه شدم از دل شماست دلم

و از اضافۀ آب و گل شماست دلم

من آفریده شدم تو دل مرا ببری

طُفیل هستیت استند آدمی و پری

تو آمدی رمضان سفره ی ضیافت شد

شب تولد تو تازه ماه رویت شد

همین که در دوجهان کار تو کرامت شد

خیال من دگر از روز حشر راحت شد

به شکر آنکه برای خدا حسن شده ای

چهار رکعت یومیه های من شده ای

همیشه پشت در خانه ی تو مهمان است

بیا ز خانه که در کوچه راه بندان است

هر آن کسی که گدایت نشد پشیمان است

ألا که گوشه ای از سفرۀ تو ایمان است

چه خوب می شد اگر قبر تو در ایران بود

شب ولادت تو صحن تو چراغان بود[[59]](#footnote-59)

سه بار زندگی ات را به این و آن دادی

جذامی آمده و روی خوش نشان دادی

به آنکه گفت به تو ناسزا امان دادی

گرسنه بود و به او قرص های نان دادی

هزار سفره اگر چه فراهم آورده

کرم کنار کریمی تو کم آورده

ازل ندیده دگر تا ابد همانندت

غزل چه هست؟ به جز بندهای در بندت

جمل شکسته شده فتنه اش ز ترفندت

عسل شده است چه شیرین به کام فرزندت

برای روز مبادا دو تا پسر داری

دوتا پسر نه، یک جفت شیر نَر داری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ سرود[[60]](#footnote-60)

تو کرم آقا زبون زدی نشده چیزی بخوام ندی

پسر زهرا خوش اومدی

عاشقت داره دعایی چی میشه آقا خدایی

مث امشبی بشه از حرم تو رونمایی

هرجا که باشی آباده نوکرتم آقا زاده

کریم آل طاها حسن

شور عشق تو عسل شده همه جا جنگت مثل شده

لقبت شیر جمل شده

آقامون شاه زمینه با گدا های مدینه

همیشه سر یه سفره غروبا میره می شینه

دل می بری و سالاری مهمونتم من افطاری

کریم آل طاها حسن

نمک ماه خدا تویی شب قدر عاشقا تویی

بانی کرب و بلا تویی

وقتشه دست به دعاشیم به هوای تو فدا شیم

جوره کربلا به شرطی که امام حسنی باشیم

باز گره از کارم واکن کرب و بلامُ امضا کن

کریم آل طاها حسن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ سرود[[61]](#footnote-61)

بازم از عرش اعلی خبر اومد شب غم رفت و وقت سحر اومد

تو مدینه همه به هم میگن که نیمه ی ماه، ماه علی در اومد

سبزه رنگ مهربونی و صلح و صفا سبزه

سبزه رنگ منتصب به بچه سیدا سبزه

رنگ شال روی دوش مجتبی سبزه

قبوله طاعتامون نماز و روزه هامون

تو شب نیمه ی ماه با نگاه آقامون

مولا مولا مولا جانم حسن جان

تیغ ابروش شبیه ذوالفقاره قد و بالاش نشون اقتداره

توی جنگ جمل همه دیدن که تو شجاعت کم از علی نداره

عشقه مست عطر گل یاسمن شدن عشقه

تو بقیع مست قدم زدن شدن عشقه

محو گنبد امام حسن شدن عشقه

کاشی سبز صحنش جلا میده دلا رُ

توی رویا می بینم حرم کربلا رُ

مولا مولا مولا جانم حسن جان

تو امیری و ما همه اسیریم تو بخوای ما همه برات می میریم

آرزومون اینه شب ولادت برای تو مدینه جشن بگیریم

آقا اومدی تو هر دلی حرم زدی آقا

اومدی رو قله ها عَلَم زدی آقا

اومدی کربلا رُ رقم زدی آقا

تو کرم اسمت آقا همه جا رُ بهم ریخت

جای تو قاسم تو کربلا رُ بهم ریخت

مولا مولا مولا جانم حسن جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ شور[[62]](#footnote-62)

روشن شد آسمون از جمال تو ای ماه من

من سائل توام در دوعالم تویی شاه من[[63]](#footnote-63)

یا کریم دل ها امشب میره بالا

با خیال اون گنبد و بارگاه تو یا حسن

ستاره بارونه تو این کرم خونه

زمین منُ دور سرت می گردونه

پرواز می کنم به بام تو افطار می کنم به جام تو

بد مستی[[64]](#footnote-64) می کنم به نام تو

امکان نداره دل دست خالی بره از درت

امشب همه شدن مهمون سفرۀ مادرت

توی این ضیافت سفرۀ کرامت

آسمونیا زمینیا همه شدن نوکرت

شبانه روز آقا در خونت بازه

اونجا اباالفضله که سفره میندازه

افتاده دلم به پای تو من می میرم برای تو

ممنونم که شدم گدای تو

تا دم دم سحر بی قرار توام این شبا

ذکرم فقط شده مجتبی مجتبی مجتبی

ای شاه کرامت حتی تو عبادت

پای عشق تو قدم قدم میرسه دل تا خدا

به دستای لطفت چقدر بدهکارم

چقدر دلم تنگه چقدر دوست دارم

مولا عزیز فاطمه درمون دردای همه

خاطر خوات شدم یه عالمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ شور[[65]](#footnote-65)

آی عاقلا اگه جای من باشید

می دونید عشق چیه عاشق کیه معشوق کیه

 اگه برات از عشق بگم که بدونی یه جورایی پا بست می شی که بمونی

انقده سرمست میشی که بخونی

و هو الکریم ، ابن الکریم و اخ الکریم

و جده خیر الانام

و هو الامام ، ابن الامام و اخ الامام

و حبه خیر تمام

ماه خدا دل من تنگ توئه

تا دم افطار میشه دلواپس دیدار میشه

کور بشه دلی که تو رُ نمی بینه  نمی بینه نور حسنُ توی سینه

منُ می بره عشق حسن تا مدینه

و هو الحبیب ، ابن الحبیب و اخ الحبیب

و عینه شمس الضحی

و هو الطبیب ، ابن الطبیب و اخ الطبیب

و بیته دارالشفاء

و هو الامیر ، ابن الامیر و اخ الامیر

و امه خیرالنساء

و هو الحسن ابن علی و اخ الحسین و اخته بنت الهدی

و هو الکریم ، ابن الکریم و اخ الکریم

و جده خیر الانام

و هو الامام ، ابن الامام و اخ الامام

و حبه خیر تمام

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

فصل چهارم؛ شب نوزدهم

ترک 01 ـ زمینه[[66]](#footnote-66)

حیدر به مسجد راهی شد امشب بر کوچه دارد یا زهرا بر لب

عالم سراسر ذکرش یا حیدر

دلشوره افتاده بر قلب زینب

مسجد منتظر مقدم مولاست لحظه لحظه ی رفتن سوی زهراست

چشمان حسنینش نگران و محسن منتظر دیدن بابا ست

در بین محراب ساقی کوثر قامت می بندد اللهُ اکبر

می گوید با آه لبیک یا الله

می گوید ما سوا لبیک یا حیدر

غرق آه شده ماه شب زینب غرق گریه به تاب و تب زینب

امشب میگذره آب از سر عالم امشب جون میرسه بر لب زینب

در سجده ی او محشر به پا شد باب الحوائج حاجت روا شد

فرقش شکسته در خون نشسته

ذکر ارض و سماء یا مرتضی شد

خونین قبلگه اهل یقین شد خونین بال و پر روح الامین شد

قلب عرش خدا از تپش افتاد وقتی شیر خدا نقش زمین شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ زمینه ضربت خوردن[[67]](#footnote-67)

الله اکبر دم سحر وقت اذونه میره به مسجد غریبونه

نماز آخر رُ بخونه

وای از دل مولا وای از دل زهرا

الهی دخترش نبینه سر شکستۀ پدرُ

بسه همون یه روز می بینه سر میون تشت زرُ

تَهدَّمَت والله ارکانُ الهُدی

قَد قُتِلَ المرتضی واویلا

الله اکبر فدای چشم تر علی تو سجده ی آخر علی

می ریزه خون از سر علی

افتاده تو محراب وای از دل ارباب

عمیق زخم فرق سرش دل حسن رُ می سوزونه

محال کمتر از دو سه روز کنار بچه هاش بمونه

تَهدَّمَت والله ارکانُ الهُدی

قَد قُتِلَ المرتضی واویلا

الله اکبر می گیره شهر کوفه عزا تو این شبای ماه خدا

چه کربلایی شده به پا

می خونه از امشب وای از دل زینب

شبیه اون روزا مدینه شروع روضه خونی شده

می مونه یادگاری براش عمامه ای که خونی شده

تَهدَّمَت والله ارکانُ الهُدی

قَد قُتِلَ المرتضی واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل پنجم؛ شهادت امیرالمومنین(علیه السلام)

ترک 01 ـ روضه[[68]](#footnote-68)

دعا کنید دگر فرصت مداوا نیست

دعا کنید که جانی به جسم مولا نیست

تمام زهر اثر کرده بر تنش اما

به سینه اش اثری غیر زخم دنیا نیست

طبیب کرده جوابش نشانه اش این است

که دستمال به فرق شکسته پیدا نیست

دل شکسته ی زینب شکسته‌تر می‌شد

هزار شکر که زخم سر علی وا نیست

چه کوفه ای بشود بعد مرتضی که به جز

لباس پاره تن بچه‌های زهرا نیست

فدای غربت طفلی که دست بر پهلو

به گریه گفت ببینم صدای بابا نیست؟[[69]](#footnote-69)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه[[70]](#footnote-70)

چشم باز کرد دید صدای گریه یتیما میاد، فرمود بزارید بیان تو، همه اومدن، دید ظرف های شیر آوردن، مولا گریه کرد، فرمود یه ظرف بزرگ بیارید همه شیر ها رُ بریزن مخلوظ شه، کسی این وسط رنجیده خاطر نشه، با همین دست ورم کردش دست نوازش رو سرشون می کشید. همچین که شیر ها رُ مخلوط کردن مولا همه رُ نوازش کرد، سفارش کرد برا یتیما، یه جرعه نوشید دل یتیما خوش باشه.

یتیمان بر تو آوردن شیر و یاد من آمد

که باید پیش تیر از شیر گیرم اصغر خود را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ روضه[[71]](#footnote-71)

مولا رُ از محراب آوردن تو صحن مسجد، تکیه به ستونی داده، فرمود اگر از دنیا رفتم یه ضربه زده شمام یه ضربه بزنید، اگه زنده موندم خودم می دونم چه کنم. زیر بغلاشُ گرفتن آوردنش خونه،نزدیک منزل فرمود بزارید خودم راه برم زینبم منُ در این حال نبینه. چشم زینب افتاد نالش بلند شد.. بی بی جان علی با پای خودش اومد گرچه فرقش شکافته بود، اما امان از اون روزی که تو همین کوفه..

سری به نیزه بلند است در برابر زینب

خدا کند که نباشد سر برادر زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ روضه[[72]](#footnote-72)

پای در ابری و عمامۀ طوفان به سرت

تیغ حق دارد اگر آمده لرزان به سرت

تو علی هستی و در صدق ابوذر شده است

هر کجا خورده قسم حضرت سلمان به سرت

آه قرآن به سرش برده تو را یا اینکه

تو گرفتی شب قدر این همه قرآن به سرت

فکر فردای حسین و حسنی آه چرا

ریخته در شب قدر این همه مهمان به سرت

ابن ملجم شده بودند تمام کوفه

ریختند عاقبت کار یتیمان به سرت

این حسین است که تیغ است فراوان به سرش

ظهر از نیزه چنین ریخته باران به سرش

کاسۀ شیر شده کیسۀ زر پس چو علی

عاقبت نیز بریزند یتیمان به سرش

کافری مانده به گودال؟ که با این سرعت

ریخت با هلهله یک دشت مسلمان به سرش

شب قدر است مگر نیزه ای آمد دیدم

که گرفته است دم علقمه قرآن به سرش

جای گُل سنگ به پیشانی او کوفه زد و

شام هم ریخت برای صدقه نان به سرش[[73]](#footnote-73)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ روضه[[74]](#footnote-74)

انقدر این بچه های کوفه رُ تحویل گرفت، انقدر با دلشون راه اومد، بادل همه ی ایتام راه اومد علی، مردم کوفه بعد علی دیگه هیچی مهربونی ندیدن، امشبم که پشت در خانه بچه ها به دستور طبیب شیر آوردن، غذای شبشونُ نخوردن، برا مولاشون شیر آوردن. مگه یه نفر چقدر می تونه شیر بنوشه، علی که شب قبل به دخترش فرمود: شیرُ بردار، نمک بگذار. علی که انگار با نان گندم قهره، فقط نان جو میل فرمود. الان میان کوچه، هر کسی یه کاسه شیر دستشه بلکه خدا به دل مولا بندازه کاسه ی شیر منُ قبول کنه. انقدر به مردم کوفه محبت کرد، انقدر به بچه های یتیم کوفه محبت کرد شاید این بچه ها آمدن بعد از علی راهشُ رفتن با حسن بودن با حسین بودن، اما به جرات میگم خیلیاشون کمر به قتل بستن، آمدن کربلا.

سری به نیزه بلند است در برابر زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06 ـ زمینه[[75]](#footnote-75)

روی بستر زهرا پیش دختر زهرا

بی رمق شده ای وای دست حیدر زهرا

یاد اون شبایی که مادر بی صدا صدا می زد حیدر

با نفس نفس می زد پرپر

رسیده زهرا به یاری مظلوم سر علی روی زانوی خانوم

همه دارن گریه می کنن آروم

رنگ غربت حیدر کوچه های این شهره

آسمونم انگاری با زمینیا قهره

بس که از زمونه دلخونه توی بسترم پریشونه

دنیا اینجوری نمی مونه

شبای کوفه چه سخت و دلگیره دست یتیما یه کاسۀ شیره

برای درمون ولی دیگه دیره

بستری که شد مولا دخترش چقدر پیر شد

با وصیت بابا گریه هاش سرازیر شد

دستای برادرُحیدر می ذاره تو دستای خواهر

میگه ماجرا رُ تا آخر

یه روزی اما با گریه و ناله امید زینب میون گوداله

میون گودال پُر از گل لاله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ زمینه شهادت[[76]](#footnote-76)

عجب شب قدری شده الهی زینب بمیره

داداش اباالفضل رو سرت با گریه قرآن می گیره

چی بگم از دست زمونه سر شکسته ات غرق خونه

همه با هم احیا گرفتیم غریبونه

کنارت تا سحر من می مونم و زار می زنم زار می زنم

الهی به علیٍ می خونم و زار می زنم زار می زنم

امون از این درد غریبی

برا شفای تو دارم نماز حاجت می خونم

سی ساله دلتنگی برا مادر و محسن می دونم

مگه یادت میره مدینه آتیش و میخ و زخم سینه

مصیبتای فاطمیه چه سنگینه

به یاد در و دیوار هر روزمُ زار می زنم زار می زنم

می بینم چادرش رُ می سوزم و زار می زنم زار می زنم

امون از این درد غریبی

صدا زدی عباس من علیه دل خون حسین

حالا که نیستم کربلا جون تو و جون حسین

دیگه داری میری تو از حال میگی به زینب بعد چند سال

قرار ما شام غریبون توی گودال

می شینه روی سینه می شینم و زار می زنم زار می زنم

حسینُ زیر خنجر می بینم و زار می زنم زار می زنم

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل ششم؛ شب بیست و سوم**

ترک 01 ـ زمینه[[77]](#footnote-77)

می برند از خونه رو شونه دوردونه ی خدا رُ

گریه ی بی ناله پژمرده گل های مرتضی رُ

زینب بسکه نالیده به هق هق افتاده

یاد مادر پهلو شکسته افتاده

علی رُ می برند غریبونه بمیرم من حسن پریشونه

کسی حال حسینُ نمی دونه

دخترش مبهوته تابوته بابا شده دوباره

زینبش با ناله رو تابوت عمامه شُ میذاره

امشب حال عباس ُ کسی نمی دونه

چشم ماه این خونه ستاره بارونه

تموم لحظه ها نفس گیره زمین به آسمون شده خیره

علی به آسمونا داره میره

ببین قبر مولا رُ انگاری کوفه شده مدینه

مجتبی دستای بابا رُ میگذاره رو سینه

عالم تو حسرت عطر محاسن مولا

داغش رو قلب زینب تا عصر عاشورا

شهید بی کفن حسین من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هفتم؛ سینه زنی علوی**

ترک 01 ـ واحد[[78]](#footnote-78)

رو به قبله بود بستر تو آمده لحظه ی آخر تو

وای از این زخم فرق سر تو

وقت احیا دم این بستر قرآن گیرم به سرم مضطر

ذکرم گشته بک یا حیدر

باباحیدر مرو ای بابا

لحظه لحظه به زخمت نمک خورد روی قلب تو داغ فدک خورد

پیش چشم تو مادر کتک خورد

در دل داری شرری بابا سی سال خون جگری بابا

یاد آن میخ دری بابا

باباحیدر مرو ای بابا

آمده لحظه ی احتظارت با حسین و اباالفضل کنارت

زینب تو شده روضه دارت

رفته زینب بخدا از حال گفتی که وعده ی ما گودال

در پیش آن بدن پامال

باباحیدر مرو ای بابا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 01 ـ واحد[[79]](#footnote-79)

مهربونم همزبونم رفتی و بعد از تو تاریک شده خونم

نبض جونم آسمونم زد زمین غمت منو تاب و توونم

تو بهاری من خزونم یادته تابوتتُ بردم رو شونم

بیقرارم دیگه یارم میام آخر محسنُ بدی نشونم

راستی ببین حسن یه پا حیدر شده زهرا

حسین چقدر محشر شده زهرا زینبتم مادر شده زهرا

ولی حالا بیا ببین چقدرعلیت پیرتر شده زهرا

پهلوونت مضطر شده زهرا بگو شب غم سر شده زهرا

امشب شده آروم جونم انا الیه راجعونم

مظلوم علی مظلوم علی جان

شب تاره گریه داره تو سکوت ماه و مهتاب و ستاره

توی قلبم غم یاره دردی از یه اتفاق ناگواره

روزی صد بار درو دیوار به یادم میارن اون روزُ دوباره

که لگد زد، زد و بد زد جوری که اشک علی رو دربیاره

راستی بگو که درد پهلوت خوب شده یا نه

ورم بازوت خوب شده یا نه گوشه ی ابروت خوب شده یا نه

راستی بگو کبودی روت خوب شده یا نه

چشمای کم سوت خوب شده یا نه لرزش زانوت خوب شده یا نه

امشب شده آروم جونم انا الیه راجعونم

مظلوم علی مظلوم علی جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شور علوی[[80]](#footnote-80)

توی دستاش قلب عاشق گرم تپیدن جای پاهاش جاده ی تا خدا رسیدن

ایوون طلاش هم شنیدن داره هم دیدن

علی مهتابه علی نایابه علی برتر از تمومی اصحابه

علی اربابه علی اربابه علی ارباب پدر دوتا اربابه

علی مهتابه امیر همه عالمه زمین و زمان بندَشه

همین از مقامش بسه که زهرا برازندشه

علی یا مولا یا مولا

لشکر مضطر وقتی آماده ی نبرده تیغ دو سر مثل پر تو دستش میگرده

درب خیبر قدرتش رو تجربه کرده

علی سرداره علی کراره علی حق غیر قابل انکاره

علی دلداره علی سرداره علی نقش دار میثم تماره

علی سالاره از اول معین شده به نور خدا طینتش

با این شان و این منزلت فقط زینب زینتش

علی یا مولا یا مولا[[81]](#footnote-81)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هشتم؛ زمینه، واحد و شور حسینی**

ترک 01ـ زمینه حسینی[[82]](#footnote-82)

دوباره دلتنگی دوباره حسرت دوباره آه   
دوباره بی تابی دوباره فکر دو بارگاه  
وای حرم ای شاه کرم روزیم کن آقابازم برم  
سینه زن همه آرزوشه تو حرم بشینه یه گوشه  
ازخداشِه یه بار دیگه که ضریح تو روبه رو شه   
حسین وای حسین وای  
  
تو گیر و دار حشراسم تو راه نجاتمه  
اشکای تو روضه باقیات الصالحاتمه  
دل بی طاقته کارش حسرته پس کی نوبت دیوونته  
چشامُ که رو هم می ذارم پامُ توی حرم می ذارم

یه سلام میدم از ته دل دستمُ رو سینم می ذارم  
حسین وای حسین وای

فدایی داری و خیلی شلوغه دور و برت  
کاشکی ما هم باشیم جز سیاهی لشکرت  
مست باده ایم نوکر زاده ایم واسه سردادن آماده ایم   
شیعه منتظره خبره هر چی باشه به جون می خره   
بمیرم نبینم روزی که حرم شما در خطره  
حسین وای، حسین وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ واحد حسینی[[83]](#footnote-83)

شد قسمتم در محضر تو باشم همیشه نوکر تو

خوب میدونم هستیمُ دارم من از دعای مادر تو

ای بهترین آقا حسین ای سید و مولا حسین

اونقده هستی تو آقا که نذاشتی من رو تنها

دست خالیمُ گرفتی هرجاکه افتادم از پا

مونده یه آیه ای رولبام مونده یه سوزی تو صدام

لطفت رو کامل کن آقا من رزق شش گوشه میخوام

آقام حسین آقام حسین

من اومدم با اشک حسرت از تو دارم بازم یه حاجت

امضا کن آقا شب آخر واسه تموم ما شهادت

ای بهترین آقا حسین ای سید و مولا حسین

آرزومه مثل اکبرجون بدم تو راهت آخر آرزومه که بذارم عاقبت رو پای تو سر

صاحب کرم صاحب کرم امشب تو رو میدم قسم

من رو نکن تو نا امید آقا به اون دست قلم

آقام حسین آقام حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شور[[84]](#footnote-84)

من گدای کوی کرم سرور عالمینم

از دعای مادر حسین سینه زن حسینم

عاشقیش اعتبارمن نوکریش افتخار من

حب الحسین نوای منه جون و دلم صدا می زنه

آقام حسینِ بی کفنه

حسین وای

موج دریای کرامتش خروشانِ همیشه

هیچ کجا برای سینه زنا کرب و بلا نمیشه

ضریحش قبلۀ دلها حرمش جنت الاعلی

گلدسته هاش تا عرش خدا اینه نوای سینه زنا

حسین یا سیدالشهدا

حسین وای

میرسه جونِ گریه کنا با غم و ناله بر لب

میخونه قرآن سری به نی به پیش چشم زینب

سر خورشید عاشورا ست سر نور دل زهرا ست

سائلمُ تویی امیرم عمریه بر غمت اسیرم

ارباب حسین برات بمیرم

حسین وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ شور[[85]](#footnote-85)

من اومدم بشم فدای تو حسین میخوام که سر بدم به پای تو حسین

من هرچی باشم آخرش بازم یه نوکرم میدونی از کنار عشق تو نمی گذرم

چی میشه روی قبر من نوشته شه یه روز شهید راه کربلا مدافع حرم

محال که به دشمنای تو امون بدم آخه برا تو جون ندم برا کی جون بدم

گمون کنم یکی از این روزا بشه آقا بیام تو صحن تو منم خودی نشون بدم

این همه فدایی داریُ به چه نوکرایی داریُ

عاشقا هنوز نمردن آقا

ما همه علی اکبرُ غیرتی به اسم مادرُ

قبلمون به خاک کرب و بلا

حسین وا....

قدم قدم حسین حرم حرم حسین میخوام تا جون دارم فقط بگم حسین

میدونی که منم کبوتر امام رضام فدای اهل بیت و نوکر امام رضا

بیایم همه برا دفاع از حریم تو میایم آقا با نام لشکر امام رضا

بدم ولی هنوز میشه رو من حساب کنی چی میشه این دفه منو تو انتخاب کنی

میدونی خونه ی امیدمونه هیاتت خدا نیاره روزی که منو جواب کنی

شاهی و مم آن غلاممُ هر سحر به تو سلاممُ

میرسونه هر فرشته حسین

نذر کربلاته جونمُ قطره قطره های خونمُ

روی قلب من نوشته حسین

حسین وا....

شبای روضه ها شب زیارته دوای درد من فقط شهادته

میخونم از کسی که این دلم به نامشه همین حسین حسین برای ما نیایشه

غم امام حسن برای شیعه کافیه نمی ذاریم که کربلا مث بقیع بشه

همه امید فاطمه به بچه شیعه هاست اشاره ای برای ما شروع ماجراست

اینو میگم که بشنون تموم آدما که خط قرمز خدا حریم کربلاست

ما شبیه ماه علقمه عشق بچه های فاطمه

توی قلبمون همیشگیه

هرکسی برات نفس زده اومده همونیکه بده

عشق تو دلیل بندگیه

حسین وا....

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ شور[[86]](#footnote-86)

باز دوباره ذکر یا حسین باز روی لبام شهادتین

باز بهشت بین الحرمین یا حسین یا حسین

باز دوباره بزم روضه ها باز می پیچه توی هیئتا

عطر و بوی سیب کربلا یا حسین یا حسین  
آقای دل های جوون و پیر یاحسین تویی نعم الامیر

من گدات آقا  
هر چی دارم همه کرمته آرزوی من حرمته

کربلات آقا  
دلتنگم میدونی اومدم مهمونی حرفامُ از چشمامم میخونی  
کربلا

کاش بشه دعاها مستجاب پا بگیره عفت و حجاب  
زیر بیرق این انقلاب یاعلی یا علی  
باشه عشق طوفانی ما بصیرت قرآنی ما  
رهبر خراسانی ما یاعلی یا علی  
هَیهاتَ مِنَّ الذِله ام گل کرده در مه خدا

با نهضت ایثار  
رهبر که فرمان می دهد هر سینه زن جان می دهد

در مکتب عمار  
حسینی می مونم حسینی می میرم از دستات شهادت می گیرم  
کربلا  
  
یادمون نره اشک و دعا پیام امروز شهدا  
خالیه جاشون بین ما ها یازهرا یا زهرا  
بیادشون دل خداییه فکه و مجنون،طلائیه  
شلمچه چه کربلاییه یازهرا یا زهرا  
بیداری اسلامیه مولا اباصالح بیا

ذکر همه دنیا  
أینَ الشموسُ الطالعه أینَ مُعزُ الاولیاء

ای یوسف زهرا  
بغضیه تو سینم عاشق مدینه ام آخرش آقامو می بینم  
یا مهدی ادرکنی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ شور[[87]](#footnote-87)

انگاری تو حرم وای روبرو سردرم وای

انگاری اومدم وای با پدر مادرم وای

دلمُ دریا می کنی گره هامُ وا می کنی

میدونم این ماه رمضون کربلامُ امضاء می کنی

بالحسین یا الله یا حسین یا ثارالله

عمری به پای تو وای آقا می سوزیمُ وای

من سر سفره تم وای تو میدی روزیمُ وای

حضرت سقا رُ بیار بی قرارش کن دلمُ

پُر گناهم پیش خدا یه سفارش کن دلمُ

بالحسین یا الله یا حسین یا ثارالله

شبای جمعه ها وای کربلا فاطمه وای

ام البنین داره وای روضه تو علقمه وای

شنیدم مادر زدنت با یه عمود آهنین

شنیدم که بدون دست با صورت افتادی زمین

بالحسین یا الله یا حسین یا ثارالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ زمینه/ شور

ای دل من تا نفس داری می ناب بزن

ای دل من نفساتُ واسه ارباب بزن

ای دل من نخ پرچم حسین آبروته

ای دل من بین الحرمین آرزوته

ای دل اگه مجنونی اگه حیرونی چرا نمی خونی یاالله

گفته خودش اُدعونی تو که میدونی برو حرم الله بسم الله

حسین اباعبدالله اباعبدالله اباعبدالله

ای دل من غم کربلا نگو پیرت کرد

ای دل من روسیاهی بود زمین گیرت کرد

ای دل من بسته تاریکی پی چاه نرو

ای دل من جز مسیر حرم شاه نرو

ای دل اگه شیدایی اگه تنهایی برا زهرایی غم نداری

دیگه نرو هر جایی دل دریایی حسینُ داری کم نداری

حسین اباعبدالله اباعبدالله اباعبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل نهم؛ زمزمه**

ترک 01 ـ زمزمه مناجاتی[[88]](#footnote-88)

گناه کارا مژده که اول ماه رمضونه

خود خدا بانی سفرۀ آشتی کنونه

سفرۀ مهمونی به نام غفاره نوازش مولا چه مزه ای داره

العفو مولانا العفو مولانا

کاشکی می شد وقتی کنار این سفره می شینم

یه شب بشه روی یوسف زهرا رُ ببینم

آرزوی هر دل دیدن دلداره نمی مونه محروم چشمی که بیداره

العفو مولانا العفو مولانا

ماه خدا مهمون سفره ی ماه حسینم

تنگ غروب یاد حرارت آه حسینم

نذر اباالفضله سفره ی افطارم از کرم آقام چه سفره ای دارم

العفو مولانا العفو مولانا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ زمزمه مناجاتی[[89]](#footnote-89)

ای آسمونیا عبد زمین گیر اومده

حالا که اومده نگید چرا دیر اومده

بوی محبت از این سفره می رسه درها رُ وا کنید بی چارگی بسه

یا ربی یا الله

حالا که اومدم دیگه نگو فراریه

دستامُ خوب ببین که آخر نداریه

حالا که خونه تو دادی نشون من دست منُ بگیر ای مهربون من

یا ربی یا الله

ای یار بی کسون بنده ی بی کس اومده

اون که تو زندگی خورده به بن بست اومده

رب کریم من آه ای بزرگوار جان امام حسن دیگه به روم نیار

یا ربی یا الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ زمزمه مناجاتی ( گریز به امام رضا علیه السلام)[[90]](#footnote-90)

پیک خدا رسیده ماه دعا رسیده

برای دل سپردن نوبت ما رسیده

ای خدای من نوبت دل منه قیمتی میشه هر دلی که بشکنه

جز به عشق تو نبض ما نمی زنه

ای خدای من

مژدۀ رحمت اومد ماه محبت اومد

بگو به بیچاره ها وقت عنایت اومد

روزه دارم و تشنۀمحبتم بی قرارم و غرق در خجالتم

خاکسارم و در پی عنایتم

ای خدای من

آقا منُ صدا کن بازم منُ دعا کن

منُ با این رفیقا راهی کربلا کن

مهدیا بیا کن نظر به حال ما از تو می رسه لقمۀحلالما

روشن از تو شد روز و ماه و سال ما

مهدیا بیا

گوشۀباب الجواد سوالی یادم افتاد

که غربت این سوال تو دلا کرده بیداد

یا امام رضا ای که گنبدت طلاست جان ما بگو قبر مادرت کجاست

آرزوی ما از شما یه کربلاست

یا امام رضا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ زمزمه مناجاتی[[91]](#footnote-91)

ای خدایم بزرگی کن و راهم بده بنده ی بی کس و رو سیه ات آمده

رو سیاه آمدم بی پناه آمدم

الهی العفو

کن نگاهم که از روی تو شرمنده ام به امید خطا پوشی تو زنده ام

بنده ات آمده وقت بخشش شده

الهی العفو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ زمزمه مناجاتی[[92]](#footnote-92)

یه احساسی تو دلمه یه حرفایی تو سرمه

میخوام که درد دل کنم این فرصت آخرمه

این شب آخرم دلم به امید نجات اومد

دلم داره شور می زنه شب مقدرات اومد

یه آرزوهایی دارم نذار که نا امید بشم

دلم می خواد که خوب بشم دلم می خواد شهید بشم

دلم می خواد بعد از اینم بنده تو تنها نذاری

سر همین قول و قرار خودت منُ نگهداری

دلم می خواد یادم نره همیشه ناظر منی

یادم بمونه صاحب اول و آخر منی

دلم می خواد یادم نره رازای نا گفتنی ام

اسیر دنیا نباشم یادم نره رفتنی ام

یادم نره امشبمُ وقتی می خوام گناه کنم

نذاری با دست خودم زندگیمُ تباه کنم

همیشه با عشق علی برا تو بندگی کنم

حیدری از دنیا برم حسینی زندگی کنم

اگه حسین نظر کنه منم میشه بُریر بشم

آقام باید خودش بخواد که عاقبت بخیر بشم

یه اسمی رو لبامه که برات خدایا عزیزه

وقتی میگم حسین حسین همه گناهام می ریزه

خدا کنه نظر کنه امشب به حال من حسین

غریب تشنه لب حسین شهید بی کفن حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ زمزمه مناجاتی ( گریز به حضرت علی اصغر علیه السلام)[[93]](#footnote-93)

سیاهه روزگارم گناهه کوله بارم

خوب می دونم بدم من

با چه دل و چه حالی با دوتا دست خالی

مهمونی اومدم من

مهمونت اومده دم در بزرگی کن دوباره بگذر الهی العفو

الهی یا الهی یا الهی العفو

رهام کن از اسیری کاشکی ندید بگیری

تموم سابقم رو

چه عهدایی که بستم من همشُ شکستم

ببین تو هق هقم رو

تا که گناهامُ شمردم حسینُ واسطه آوردم الهی العفو

الهی یا الهی یا الهی العفو

با دوتا چشم خونبار سر سفره ی افطار

یه دردی هست تو سینم

با یه زبون روزه بغض گلوم می سوزه

همین که آب می بینم

یه شیر خواره می زنه پرپر یه قطره آب ندادن آخر لالایی اصغر

لالا لالایی اصغر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07 ـ زمزمه مناجات با امام زمان عجل الله[[94]](#footnote-94)

تویی که صاحب زمانی و این شب ها شب مناجات تو

خوشا به حال اونایی که این شب ها میان ملاقات تو

دلتنگ بهار توام امشب رُ کنار توام

امشب شب قدر که من انقدر بی قرار توام

فقط تویی اون که میتونه وقتی گم شدم نجاتم بده

فقط تویی اون که میتونه از دست خودم نجاتم بده

امشب یه قدم اومدم با پای خودم اومدم

گفتی هر چی هستی بیا من راهی شدم اومدم

گفتی هر چی هستی بیا من خیلی بدم اومدم

پیش تو هستم ولی زیرِ این بار گناه شکسته شدم

میخوام دوباره پاشم از جام دستم رُ بگیر که خسته شدم

با روی سیاه اومدم با بار گناه اومدم

دستم رُ رها نکنی حالا که به راه اومدم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08ـ زمزمه مناجات با امام زمان عجل الله[[95]](#footnote-95)

نذر رسیدن شما جوونی سینه زنا

بارون چشمامون واسه یه لحظه دیدن شما

چه شب هایی که منتظر به راه دیدنت شدیم

راحت بگم تا بدونی پیر رسیدنت شدیم

گوشه نشین جاده ها منتظر نگات شدیم

تو آسمون بی کسی پرندۀ هوات شدیم

تو سینۀ تک تک ما یه قاب عکس خالیه

دلخوشیمون از دیدنت یه تصویر خیالیه

تو پشت ابرا رفتی و نگاه ما به آسمون

فقط دعامون اینه که خدا آقا رُ برسون

اگه بَدیم و روسیاه به خوبی خودت ببخش

سراپا تقصیر و گناه به خوبی خودت ببخش[[96]](#footnote-96)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ زمزمه مناجاتی ( ضربت خوردن)[[97]](#footnote-97)

از کوچه باغ عاشقی بوی گل آشتی میاد

آی اونایی که غرق شدین باز دوباره کشتی میاد

یارب دل شکسته امُ بگیر یا رب دوباره دستمُ بگیر

خدای مهربون من دست رو سر منم بذار

اگه گذشتی از همه از چشامون بارون ببار

یا رب مثه کویر دل من یا رب داره می میره دل من

اون مرد آسمونی که امید ما زمینیا ست

کوفه میره یا نجفه یا اینکه امشب کربلاست

آقا یا ابن الحسن یا ابن الحسن آقا اسم منم صدا بزن

یه پیرمرد مهربون مهمون دخترش میشه

دختری که تنگ غروب دلتنگ مادرش میشه

بابا آسمونُ نیگا نکن بابا مادرمُ صدا نکن

مادر چرا بابا پریشونه مادر داره میره غریبونه

یه پیرمرد مهربون مهمون دخترش میشه

دختری که فداییِ عشق برادرش میشه

بابا پرنده هامون چی میگن بابا برادرام غریب میشن

دل از همه فرشته ها سجدۀ مولا میبره

اون کیه که از پشت سر شمشیرُ بالا میبره

مولا آخر به آرزوش رسید مولا غرق به خون خدا رُ دید[[98]](#footnote-98)

همچین که شمشیر به فرق مولا رسید، امام حسن تو محراب سر بابا رُ به دامن گرفت، یه جوری گریه کرد چشمای امام حسن ورم کرد، امیرالمومنین فرمود: حسن جان اینطوری گریه نکن، من طوریم نشده، جدت اومده، خدیجه اومده، مادرت اومده، اینجوری برا من گریه نکن. علی جان طاقت نداشتی گریه پسرتُ ببینی، اما یه روز حسنت هفت ساله بود مادر تو کوچه افتاد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ زمزمه شهادت[[99]](#footnote-99)

از تیغ اشق الاشقیا آه قد قُتل المرتضی

آه کشته شد شیر خدا مولا

آه یتیمی دیر اومده با مادر پیر اومده

با کاسۀ شیر اومده مولا

من تشنۀ دیدارتم من عاشق و بیمارتم

من تا سحر بیدارتم مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11 ـ زمزمه شهادت امیرالمومنین علیه السلام[[100]](#footnote-100)

ببخش اگه رفتنی ام ببخش که دلشکسته ای

روسری مادر تو رو زخم بابا بسته ای

دست دعات به آسمون نگاه به افلاک می کنی

با گوشه های معجرت خون منُ پاک می کنی

خون دل از غریبی خوردم برای غربت تو مُردم

تو و حسین و معجرت رُ دست ابوفاضل سپردم[[101]](#footnote-101)

بستر بی قرارمُ یه خورده رو به راه کنید

دلنگرون زینبم عباسمُ صدا کنید

عباس من جون تو و همین یه دونه دخترم[[102]](#footnote-102)

وقتی تو با حسینمی خاطره آسوده میرم

تو کربلا تو نایبش باش خیلی بابا مواظبش باش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12 ـ زمزمه قرآن به سر گرفتن امام حسین علیه السلام[[103]](#footnote-103)

بمیرم از داغ آهی که آتیش به عرش خدا می زنه

برای اون که توی گودال تو موج خون دست وپا می زنه

ای دلبر بی کفنم ای کشته ی تشنه لبم

ای اشک مداوم من ای ناله ی روز و شبم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13 ـ زمزمه قرآن به سر گرفتن امام رضا علیه السلام[[104]](#footnote-104)

دلم برات لک زده آقا مشهد تو آرزوی منه

اگه بیای موقع مرگم لحظه ی عشقم دم مردنه

تا پا رو چشام نذاری من جون به لبم نمیاد

من رُ ببری با خودت از باب امام جواد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14 ـ زمزمه شهادت امیرالمومنین ( علیه السلام)[[105]](#footnote-105)

بریز آب روان عباس به جسم باغبان یاس

ولی آهسته آهسته

بریز آب روان سقا به فرق خونی مولا

ولی آهسته آهسته

حسینم ای کس و کارم عزیز سر به دیوارم

بزن ناله عَلَم دارم ولی آهسته آهسته

صدای خواهرم گریه همه دور و برم گریه

بمیرم آید آن روزی شود کار حرم گریه

همه دور تن بابا غریبه نیست بین ما

بمیرم زینبم تنها شود ما بین دشمن ها

غمی بر قلب من مانده شب هق هق زدن مانده

من و بابا کفن داریم حسینم بی کفن مانده[[106]](#footnote-106)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15ـ زمزمه امام زمانی شب قدر[[107]](#footnote-107)

شب قدرِ رو سیاها اومده شب بخشش گناها اومده

چقدر خوبه اگه مژده بدن آقای ما بی پناها اومده

کجا امشب میری احیا بگیری یا عزا برای مولا بگیری

کجا امشب قراره پیش خدا واسه ما دستاتُ بالا بگیری

دم دمای سحره ما ها رُ یادت نره

یه سرم به ما بزن که چشامون به دره

جون زهرا مادرت ما ها رُ یادت نره

بد و خوبِ حال من دست توئه سقوط و کمال من دست توئه

هر چی دوست داری همونُ بنویس تقدیر یه سال من دست توئه

تلخ و شیرینشُ با هم بنویس توبه رُ بعد گناهم بنویس

اصل کاری رُ فراموش نکنی یه سفر کرب و بلا هم بنویس

بنویس اسیر بشم دیگه سر به زیر بشم

بنویس نوکرتون بمونم تا پیر بشم

جون زهرا مادرت ما ها رُ یادت نره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دهم؛ نکات ناب**

ترک 01 ـ نکات ناب ( در خونه خدا)[[108]](#footnote-108)

تو مهمان عزیزی بر من و من میزبان تو

چگونه باز گردی دست خالی تو ز دربارم

مگه می ذارم نا امید از در خونم بری، مگه می ذارم شیطان دوباره تو رو از من بگیره، مگه می ذارم بری و دیگه بر نگردی، مگه می ذارم همین جوری راهی جهنم بشی، بیا بیا دوباره بگو العفو..

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ نکات ناب ( حضرت زهرا سلام الله علیها)[[109]](#footnote-109)

اونی که از سوز دل آه میکشه به دادش می رسی، حضرت فرمود: اسم دخترت رُ چی گذاشتی؟ عرض کرد فاطمه. امام صادق( روحی فداه) همین طور که نشسته بود  صدا زد آه.. آه فاطمه. آقاجان مگه جسارت کردم؟ فرمود: نه خونه ای که فاطمه نام داشته باشه اهلش نمی سوزند. آقا جان چی شد آه کشیدی؟ .. یاد مادرم افتادم. حالا که اسمشُ فاطمه گذاشتی مبادا سیلی بخوره..

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ  نکات ناب ( اشک بر حسین علیه السلام)[[110]](#footnote-110)

هرکی بخواد به تو نزدیک بشه، راه نزدیکش اینه، هر وقت حرارت دلت یه خط مستقیم تا چشمت درست کرد و اشک ریخت برا حسین، خدایی شدی.فرمود همینطور که مژه خیس میشه می بخشند، درا باز میشن، همینطور که اشک رو صورت می ریزه خدا میگه دیگه این صورتُ نمی سوزونم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ  نکات ناب ( آبرو داری)[[111]](#footnote-111)

مگه تو نبودی این همه بلا ها می خواست سرم بیاد نذاشتی، مگه تو نبودی جایی که باید آبروم می رفت اما تو بیشتر آبروم دادی، هر وقت دیدی دارم غرق میشم یه سفر مشهد بهم دادی، منُ به حرم امام رضا رسوندی، اونجایی که باید مردم به من اشاره کنند و منُ به گناه یاد کنن، کاری کردی تا منُ دیدن بگن به به زائر امام رضا اومده.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ  نکات ناب ( واسطه)[[112]](#footnote-112)

الان بیرونم کنی، یه دقیقه بعد بیام باز درُ باز می کنی، اهل علم بود بچه رُ دید آخر شب تو کوچه رو پله نشسته گریه می کنه، گفت بچه این موقع شب؟ گفت مادرم بیرونم کرده، در زد مادره درُ باز کرد، گفت میشه من ضامن بشم ببخشیدش، گفت آقا خیلی اذیت میکنه، قبول کرد، یه شب دیگه باز همین اتفاق افتاد، برای بار سوم گفت دیگه من روم نمیشه در این خونه رُ بزنم، صبر کرد دید در خونه رُ مادر باز کرد، بچه خوابش برده بود، بالا سرش گریه کرد، گفت امشب کسی پیدا نشد واسطه بشه خودم اومدم مادر.

ترسم به روز حشر ز بسیاری گنه      نزد تو هیچکس نشود عذر خواه من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ نکات ناب ( عشق آسمانی )[[113]](#footnote-113)

ظاهرا ابو علی سینا بوده، مریضی داشت حاکمی ، پسرش بود زرد و زار و نحیف داره از بین میره، اومد بالا سرش گفت این عاشقه، روش نشده به شما بگه،  گفت من نبضش رُ می گیرم یکی نام استان ها رُ بگه، یه موقع دید تپش قلبش بالا رفت، یکی دیگه شهر ها رُ نام برد، یکی دیگه روستا رُ تا رسیدن به خونه ی یه دختر، گفت برید اونو براش بگیرد این داره می میره، گفتن آخه دون شأن سلطانه، گفت این فقط اونو می خواد. ببین چقدر اسم خدا با دلت بازی می کنه...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ نکات ناب ( افطاری امام زمانی)[[114]](#footnote-114)

دیدی یه عزیزی که سفره مجلل میندازه، وقتی هر سال دعوت می کنه یه سال دیر میشه دعوت کردنش، میگه چی شد امسال ما رُ خبر نکرد؟؟ نکنه از ما گناهی سر زده، یا ابن الحسن، کی نوبت ما میرسه یه افطار محضرت باشیم؟

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ نکات ناب ( خدمت پدر و مادر)[[115]](#footnote-115)

اومد پیش پیغمبر عرض کرد یا رسول الله هر گناهی که بگی کردم، خدا منُ می بخشه؟ یک راهی بگو تا جبران کنم؟ فرمود پدر و مادر زنده اند؟ یذره غمگین شد گفت مادرم مرده آقا ولی بابام هست؛ پیغمبر فرمود برو نوکری باباتُ کن، گفت آقا برم درست میشه، گفت بله. داشت می رفت پیغمبر اول لبخند زد بعد گریه کرد، اصحاب گفتن لبخند؟ گریه؟ فرمود اول خوشحال شدم می دونست کجا باید بیاد، اراده کرده بود تا درست کنه. درگاه ما درگاه نا امیدی نیست. فرمود کاش مادرش زنده بود، چون اگر مادرُ خدمت می کرد زودتر به نتیجه می رسید.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ نکات ناب ( خجالت گناه)[[116]](#footnote-116)

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر اون دنیا آدمُ عذاب نکن، خجالت گناه انقدر هست که اونجا بنده آرزو میکنه، ای کاش می تونست تو دل کوه ها بره هیچکس نبینه اون رو...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ نکات ناب ( روضه سیدالشهدا)[[117]](#footnote-117)

امام صادق علیه السلام فرمود: نزدیک ترین راه که شما ها رُ به خدا می رسونه، روضه ی جدمون ابی عبدالله، وقتی نشستی احساس می کنی درا داره بسته میشه، رو به قبله بنشین خودت تنها سه مرتبه بگو صلی الله علیک یا ابا عبدالله، همینچین که دلت می شکنه، خدا فرمود: من تو دل، دلشکسته ها جا دارم، وقتی با روضه ی ابی عبدالله دلت می شکنه، اشکت جاری میشه، احساس می کنی دیگه راهت خیلی نزدیک میشه.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ  نکات ناب ( فخر خدا بر فرشتگان)[[118]](#footnote-118)

تو ما های دیگه ، تو روز های دیگه غیر از ماه مهمونی، وقتی  اینطوری میگی یا رب، آغوش باز می کنه میگه جونم، حالا که ماه مهمونیشه، وقتی صدا می زنی هم میگه جانم، گفتم این مال منه، دوباره بر می گرده سمت من، همه اونایی که شکایت آورده بودنُ صدا می زنه، بیاید نگاه کنید، ببین چطور در خونه ی من اومده زانو زده، چطور داره منُ صدا می زنه.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ نکات ناب ( برگشتن واقعی از گناه)[[119]](#footnote-119)

موسی علیه السلام رد شد دید داره یه نفر مناجات می کنه، پیراهنشُ داره پاره می کنه، گریبان چاک میده. خدایا ببین چقدر قشنگ داره بنده ات مناجات می کنه، خطاب رسید دروغ میگه، بگو اگه راست میگه دلشُ برای من چاک بزنه، هر چی غیر از من داخل دل کرده بیرون بریزه... حالا که اومدم دارم باهاش حرف می زنم راست بگم، اگه میگم منُ ببخش راست باشه، نه اینکه تا از مجلس بیرون رفتم دوباره برگردم به گناه.. هم شرمساری، هم برگشتن از گناه.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13 ـ نکات ناب ( درب خانه کریم)[[120]](#footnote-120)

اصلا از صفات تو دوره گدا رُ دعوت کنی در خونت اما بخوای درُ به روش باز نکنی دست خالی ردش کنی، خدایا از صفات تو که نه، از صفات امامان و خلیفه های توهم دوره. حاتم طایی، یه بنده خداست، تو سخاوت زبون زده، خونه نبود، داره بر می گرده به سمت خونش، دید یه سائلی داره میره، گفت ای مرد کجا بودی، از کجا داری میای؟ حاتمُ نمی شناخت فقط وصفشُ شنیده بود، گفت رفتم در خونه حاتم نبود دارم بر می گردم. گفت همینطوری دست خالی داری میری؟ گفت مومن نگفتی اگه دست خالی بری آبروی حاتم میره. خدایا این شبا اگه من دست خالی از در خونه ی تو برم برای تو بَده، میگن در خونه کریم رفت دست خالی بر گشت.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14 ـ نکات ناب ( پدر و فرزند)[[121]](#footnote-121)

من از سوی تو به سوی خود تو فرار کردم و بر گشتم، مثل یه پدر و یه بچه است، وقتی می خواد تنبیه کنه، عقب عقب میره، بچه می خواد راه فرار پیدا کنه، می بینه هیچ راهی نیست، یه مرتبه دلُ می زنه به دریا می دوه، میره تو آغوش بابا، همچین که میاد تو آغوشش، گرم تو آغوشش می گیره، بچه داره گریه میکنه بابا هم گریه می کنه.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15 ـ  ( توبه حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام)[[122]](#footnote-122)

هنوز هیچ چیزی بلد نبودی اما فقط اسم یه آقا رُ خوب یاد گرفته بودی، خوردسال بودی می زدی تو سینه ات می گفتی حسین.

من از کودکی عاشقت بوده ام    قبولم نما گرچه آلوده ام

خدا من تو رُ از طریق حسین پیدا کردم، لذا کسی که خدا رُ از طریق ابی عبدالله پیدا می کنه بهتر در خونه ی خدا می مونه، پیامبران هم هر کدومشون اون وقتی که گره می افتاد، هدایتشون می کردن سمت خونه ابی عبدالله. آدم ابوالبشر این همه گریه کرد، آخر الامر توبه اش از همین مسیر پذیرفته شد. جبرئیل گفت اینطور که من میگم امروز خدا رُ بخون،

« یَا حَمِیدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ یَا عَالِی بِحَقِّ عَلِیٍّ یَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ یَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ مِنْکَ‏ الْإِحْسَان[11]» تا به آخرین اسم رسید، زیر و رو شد دل آدم گفت این چه اسمی بود اینطور منُ بهم ریخت، روضه ی کربلا رُ براش خوند، همچین که گریه کرد برا ابی عبدالله توبه اش قبول شد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16 ـ نکات ناب ( پیرمرد گبر)[[123]](#footnote-123)

حضرت ابراهیم نگاه کرد دید پیر مردی داره میاد تو وعده ناهارشه، هر وعده ی غذا دنبال یک مهمون می گشت همسفره اش بشه. دید داره میاد بار هیزم رو دوشش انداخته، انقدر پیر شده بود ابرو های سفیدش روی چشمش رو گرفته بود، نزدیک شد حضرت ابراهیم فرمود: پیرمرد خسته ی راهی، میای باهم همسفره بشیم، چرا که نه، بار هیزمُ رو زمین گذاشت، اومد وارد خانه ی ابراهیم شد، سفره رُ پهن کردن، همچین که اومد دست تو سفره ببره، گفت بگو بسم الله الرحمن الرحیم، با نام خدا شروع کن، گفت کدوم خدا منکه خدایی رُ نمی پرستم. ابراهیم بهش برخورد گفت سر این سفره هر کی اومده با نام خدا شروع کرده، یا بگو یا با من همسفره نشو. گفت من که نیومدم تو منُ دعوت کردی، پیرمرد یه مقدار دور شد، خطاب رسید ابراهیم یه بار سر سفرۀ تو نشست طاقت نیاوردی، این همه سال من روزیشُ دادم، اینطوری آزردش نکردم، این رسم مهمون نوازی نیست، اگه نری برگردونیش دیگه جوابتُ نمیدم. دوان دوان رفت گفت پیرمرد صبر کن! گفت بندۀ خدا خبر نداری همونی که قبولش نداری همونی که دوسش نداری منُ دنبالت فرستاده، هر اتفاقی افتاده بود گفت، دید بار از دوش پیرمرد افتاد، سست شد دیدن نشست روی خاک ها، گفت بگو ببینم خدای یه گَبری که این همه سال با هاش قهر بوده قبول میکنه، گفت خودش منُ فرستاده، راه عبودیت رُ بهش یاد داد، روایت میگه سر روی خاک گذاشت دیگه سر از روی خاک بر نداشت.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17 ـ نکات ناب ( دعایی به نیت مرده ها)[[124]](#footnote-124)

از علمای شهر ری بود، گفت فلانی اومدم سلام دادم رو به رو گنبد خضراء، گفتم السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته، به دلم افتاد به یاد هر کی افتادم اسمشُ بیارم، یه نفرم بود تازه دستش از دنیا کوتاه شده بود، اومد تو ذهنم، گفتم ول کن گناهکاره لیاقت نداره. اومدم خوابیدم تو عالم رویا دیدم بیچاره رُ با غل و زنجیر بستن، یه نگاه کرد گفت چی میشد یه سلامم به جای من می دادی منم نجات پیدا می کردم. فردا به نیت سلام دادم باز خواب دیدم، آزاد شده بود. یه سلام چه تاثیری داره.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 18 ـ نکات ناب ( جوون بنی اسرائیل)[[125]](#footnote-125)

میگه تو بنی اسرائیل جوونی بود بیست سال اهل طاعت بود، یه مرتبه مسیرش عوض شد رفت سمت معصیت. یه روز مقابل آیینه ایستاده بود دید سر و روش همه سفید شده، یه مرتبه به خودش اومد گفت بیچاره چه شبای خوبی داشتی چه روزای خوبی داشتی با خدا رفیق بودی، بیست سال که اومدی به سمت معصیت. تو دلش گفت خدایا بیست سال اهل طاعت بودم بیست سالم گناه کردم آیا اگه برگردم بازم منُ راه میدی، یه مرتبه خطابی اومد شنید گفت بیست سال با ما رفیق بودی ما هم باهات رفیق بودیم، اما بیست تو ما رو رها کردی ولی ما تو رُ رها نکردیم، ما منتظر همچین لحظه ای بودیم برگردی.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 19 ـ نکات ناب ( مناجات های ماه رمضان)[[126]](#footnote-126)

مرحوم علامه مجلسی آورده، در عین الحیاة میگه میارن بنده رُ تو موقف قیامت، قبل از اینکه بخوان حساب و کتابش رُ بکنن، نگاه می کنن می بینن همه بدن این بنده داره می لرزه، خطاب میرسه برا چی داری می ترسی؟ میگه خدایا می ترسم همه آبروهایی که ازم نبردی اینجا یک دفعه همه بفهمنند من چیکارم. خطاب میرسه بنده ی من! تو دنیا پول داشتی، شهرت داشتی، جوونی داشتی، به همه اینا می نازیدی، اونجا آبروتُ نبردم، اینجا که عریان مقابلم ایستادی، نترس قرار نیست اینجا آبروتُ ببرم، من ناله های شبای ماه رمضونت یادم نرفته، مناجات هایی که می کردی یادم نرفته، اون موقع هایی که پشیمون از کارهات بودی من یادم نرفته.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 20 ـ نکات ناب ( ارحم الراحمین)[[127]](#footnote-127)

آقا برای این لحظه تو دل نگران بود، هرچی اومدن گفتن یا رسول الله بهشت برای شما آذین شده، شما تشریف بیارید، آقا می فرمود: نه من یه غمی رو دلمه، تا این غم از رو دلم نره آماده نیستم، جبرئیل اومد یا رسول الله چه غمی شما دارید، فرمود: من یه خواهشی دارم سلام منُ برسون به خدا، بگو میشه روز قیامت از اعمال امت من ، فقط من خبر داشته باشم، کسی با خبر نشه اینا چیکار کردن. پیامبر رحمت للعالمینه، دید جبرئیل خندانه، عرض کرد یا رسول الله حق سلام میرسونه می فرماید: تو پیغمبر رحمت للعالمینی، اما من ارحم الراحمینم، من قیامت نمی ذارم تو هم متوجه بشی امتت چیکار کردن...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 21 ـ  نکات ناب ( ارباب و برده)[[128]](#footnote-128)

برده بود، مولاش خریدش، خیلی ازش تعریف کردن وقتی به نتیجه رسید آوردش، برده گفت آقا تو از امروز آقای منی منم نوکر تو، تمام روز من در خدمت توام، اما یه شرطی دارم شبا رُ بزار من برای خودم باشم. اربابش گفت حرفی نیست اما یه شرطی داره هرشب که میای یه سکه برای من بیاری. قبول کرد، شب اول رفت صبح یه سکه داد، شب دوم همینطور، اربابه شک کرد، یه شب پشت سرش حرکت کرد دید این برده  از شهر بیرون اومد رفت به سمت قبرستان، گفت نکنه این برده من میره کفن دزدی میکنه می فروشه، دید این برده اومد توی قبر خالی نشست شروع کرد با خدا مناجات کردن. گفت خدا دیر اومدم منُ ببخش اما بازم اومدم دلم تنگ شده بود، شروع کرد تا صبح گریه کردن ناله زدن، اربابه هم میشنید اونم گریه می کرد، وقتی بلند شد گفت خدایا الان میرم اربابم از من سکه می خواد چیکار کنم؟ اربابه میگه دیدم یه نوری از آسمان اومد کف دستش چیزی گذاشت گفت دستت درد نکنه، بازم آبروی منُ خریدی. تا اومد بیرون دید اربابش ایستاده آغوش براش باز کرد، فهمید داشته نگاش می کرده، اربابه گفت از این به بعد من برده توام، تو بشو ارباب من من نوکر توام، گفت خدا این رمز این سر بین من و تو بود، حالا که فاش شد نمی خوام زنده بمونم، همونجا تو بغل اربابه جون داد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک22 ـ نکات ناب ( بخشندگی خدا و بنده)[[129]](#footnote-129)

مرحوم حاج آقا مجتبی تهرانی، شب های قبر می گفتند که خدایا من همه رُ بخشیدم، هر چی کینه به دل داشتم بخشیدم، هرکسی به من بدهی داشت من بخشیدم، حالا اگه من ببخشم تو منُ نبخشی من از تو بخشنده ترم؟ بعد می فرمود: این رُ بهتون گفتم که رفقا بدونید خدا می بخشه، تو دلت رُ صاف کن خدا ببین برات چیکار می کنه.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 23ـ  نکات ناب ( اگر یک مرتبه من را صدا می زد)[[130]](#footnote-130)   
هر چقدر فرعون موقعی که داشت غرق می شد موسی رُ صدا زد، هی می گفت موسی کمکم کن، کسی که ادعای خدایی می کرد. وقتی موسی اومد کوه طور فرمود موسی به عزت و جلالم فقط کافی یک بار منُ صدا می زد، اگه یه بار منُ صدا زده بود دستشُ می گرفتم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک24 ـ نکات ناب ( خدایا به حق علی علیه السلام)[[131]](#footnote-131)

خدایا بهترین وسیله رُ امشب در خونت آوردم، بهترین شفیعُ امشب در خونت آوردم. پیغمبر کنار امیرالمومنین می خواست دعا کنه میگفت الهی به حق علی، بعد دعا می کرد. وقتی امیرالمومنین سوال کرد یا رسول الله چرا خدا رُ به حق من قسم میدی؟ فرمود: علی جان زیر این آسمون خدا کسی رُ به اندازه تو دوست نداره.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 25 ـ گریز ناب ( عطش)[[132]](#footnote-132)

چگونه می کند افطار شیعه ای که مدام

عیان به چشم دلش صحنه های کرب و بلا است

عطش وقتی زبون رُ خشک می کنه یاد پسرات می افتم، یکی انقدر زبونش خشک شد گفت بابا دارم می میرم، یکی زبون نداشت بگه، زبون رُ دور دهان می گردوند.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 26 ـ گریز ناب ( هذا قبر حسین بن علی بن ابی طالب)[[133]](#footnote-133)

وَ لا یُمْکِنُ الْفِرارُ مِنْ حُکُومَتِک[[134]](#footnote-134) صدای تیشه میاد، قبر کن داره قبرمُ می کنه، تو قبر بند کفنُ باز می کنند عزیزاش یه بار دیگه بیان ببیننش، اما اونی که شب دفن میشه نمیشه صورتشُ دید، من یه آقایی رُ سراغ دارم دل شب دفن شد اما جای سرش خالی بود.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 27 ـ گریز ناب ( حضرت زینب سلام الله علیها)[[135]](#footnote-135)

شما دیدید تو جلسه پیر غلاما میان وسط سینه می زنن، دیگه وقتی اون پیرغلامه خودشُ می زنه همه میان وسط. همه خودشونُ می زنن، تو این مسیرا همه جا زینب دست همه رُ می گرفت، یه جاهایی خودش با سر به محمل می زد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 28 ـ گریز ناب ( عیادت از یهودی)[[136]](#footnote-136)

من با پیغمبر در خونت اومدم، دیگه از پیغمبر عزیزتر کی رُ بیارم جواب بدی. دید یهودیه امروز خاکستر نریخت رو سرش، در خونشُ زد، زنه باز کرد، پیغمبر سلام کرد فرمود این دوست ما امروز خاکستر نریخت به سرم، گفتم یا مریضه یا مسافره، اگه مسافره ببینم زن و بچه اش کاری ندارن، اگه مریضه برم عیادتش. اومد بالا سر یهودی، یهودی دید داره نوری میاد گفت آقا شما اینجا چه می کنید، حضرت ماجرا رو براش تعریف کرد. عرض کرد قربون مهربونیت، شهادتین رُ گفت از دنیا رفت تو بغل پیغمبر.

من یه یهودی دیگه سراغ دارم دیدن تو کوچه ی بنی هاشم شهادتین میگه. گفتن یهودی بیست و سه سال پیغمبر زحمت کشید، تو مسلمون نشدی. گفت برید کنار من این علی رُ خوب میشناسم، مگه ریسمان میتونه دست علی رُ ببنده، اینی که علی داره صبر میکنه جلو چشمش خانوادشُ می زنن، این صبر خداییه برای این صبر باید شهادتین بگم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک29 ـ گریز ناب ( شهادت امیرالمومین علیه السلام)[[137]](#footnote-137)

این بچه یتیما که نشستن پشت در، خدا می دونه چندتا شون چند ساله بعد بالای پشت بام نشستن، امشب کاسه ی شیر دستشونه بیست ساله دیگه سنگ دستشونه..

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش هشتم؛ سبکهای تولیدی**

ترک 01 ـ [زمزمه مناجات ماه مبارک رمضان[[138]](#footnote-138)](http://mazaherkasiri.ir/1393/05/08/%D8%B2%D9%85%D8%B2%D9%85%D9%87-%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%A7%D9%87-%D9%85%D8%A8%D8%A7%D8%B1%DA%A9-%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7-%D9%86%D9%88%DB%8C-%D8%AD%D8%A7%D8%AC-%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF-%D8%B1%D8%B6%D8%A7-%D8%A8%D8%B0%D8%B1%DB%8C)

بندۀ روسیاه اومد بی کس و بی پناه اومد

برا یه نیم نیگاه اومد الهی العفو الهی العفو

قربون اون لطف و عطات من افتادم به دست و پات

نذار بیفتم از نگات الهی العفو الهی العفو

درسته که با گناهام خیلی دلت شکسته

ولی سر سفرۀ تو بازم گدات نشسته

الهی العفو الهی العفو

ای غافر الذنوب من ای ساتر العیوب من

ای کاشف الکروب من الهی العفو الهی العفو

گناهامُ به روم نیار بذار بگم همین یه بار

یه شب ما رُ نجف بیار بحق حیدر بحق حیدر

چیزی به جز خوبی ازت تو زندگیم ندیدم

روم نمیشه که سرمُ بلند کنم، بُریدم

دلم گرفته دلم گرفته

بدون تو کجا برم بگو پیش کیا برم

کاش بشه کربلا برم بحق زینب بحق زینب

تا اسم کربلا میاد بوی خوش خدا میاد

نوکریتون به ما میاد جانم حسین جان جانم حسین جان

خیلی بده که نوکری تو کربلا نمیره

کاش بشه تو ماه رمضون جلو ضریح بمیره

قسمت کن آقا قسمت کن آقا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ [زمزمه مناجات ماه مبارک رمضان[[139]](#footnote-139)](http://mazaherkasiri.ir/1393/05/08/%D8%B2%D9%85%D8%B2%D9%85%D9%87-%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%A7%D9%87-%D9%85%D8%A8%D8%A7%D8%B1%DA%A9-%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7-%D9%86%D9%88%DB%8C-%D8%AD%D8%A7%D8%AC-%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF-%D8%B1%D8%B6%D8%A7-%D8%A8%D8%B0%D8%B1%DB%8C)

دوباره در خونت اومد گدا دوباره زدی بنده هاتو صدا

شده موقع رحمت عام تو منم اومدم اومدم ای خدا!

ببین توشه ام خالی و در عوض پرم از خجالت پرم از گناه

ندارم امیدی به جز تو خدا من موسپید و من روسیاه

الهی! العفو یا ربنا

جز اینجا اگه جای دیگه برم ردم می کنن با سرافکندگی

امیدم به لطفت نشه ناامید دوباره بده رخصت بندگی

یه عمره گره خورده تو کار من من اما هنوزم نمی فهمم و

منو توی خوبا بخر ای خدا شبای دعا کم نکن سهممُ

الهی! العفو یا ربنا

به هرجا که رفتم شدم ناامید دلم رو به هر جا سپردم ، نشد

کم از تو طلب کرده بودم خدا !ولی ذره ای لطف تو کم نشد

تو هر بار بخشیدی اما ببین که توبه شکوندن دیگه کارمه

حسابش دیگه رفته از دست من نمی دونم این چندمین بارمه

الهی! العفو یا ربنا

نفهمیدم این که نفهمیدمت تو رحمی به این عبد کج فهم کن

تو رو جون زهرا ببخشم خدا تو رو جون مولا به من رحم کن

با این سرکشی ها که من می کنم چه جور روم میشه که بگم بنده ام

مجازات می بنده هر کی کنه به جز تو قضاوت رو پرونده ام

الهی! العفو یا ربنا

تو جوری عنایت به من می کنی که انگار من بی گناهم خدا!

هنوزم تو رو خوب نشناختم هنوزم توی اشتباهم خدا!

نشد وقف تو لحظه های شبم دیگه وصف روزامُ اصلن نگو

دلم با همه هست و پیش تو نیست خدا!هست و نیستم رو کن زیر و رو

الهی! العفو یا ربنا

دعا کن زبون دلم وا بشه به یک باره استغفرالله شم

بدیهامُ امشب فراموش کن با خوبای ماه تو همراه شم

به من سوز و اشک و دعا هدیه کن به حق حسین و دل خواهرش

منُ تشنه ی معرفت کن خدا به لبهای خشک علی اصغرش

الهی! العفو یا ربنا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ [زمزمه مناجات ماه مبارک رمضان[[140]](#footnote-140)](http://mazaherkasiri.ir/1393/04/29/%D8%B2%D9%85%D8%B2%D9%85%D9%87-%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%AA-%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7-%D9%86%D9%88%D8%A7%DB%8C-%D8%AD%D8%A7%D8%AC-%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%B0%D8%B1-%D8%A8%DB%8C%D9%88%DA%A9%D8%A7%D9%81%DB%8C)

باز در خونه ت شده غلغله خدا! دور و برت پر گدا

چون خونه ی امید سائله خدا ما در همیم نکن جدا

آی مهربون! پیش تو کار بنده گیره بس که گناه کرده اسیره

می ترسه که بدون توبه سر بذاره رو خاک بمیره

آی مهربون! دریابم امروز فردا دیره جوونی من داره میره

نکه با یه توشه عصیان جونمُ عزراییل بگیره

الهی العفو یا الله

فاما السائل فلا تنهر چی شد؟ گفتی گدا رُ رد نکن

گفتی گدا رُ می خری،بخر...،چی شد؟ امشبُ خوب و بد نکن

من اومدم، هر چی که گفتی حاضرم من، خیلی پریشون خاطرم من

باطنمُ کسی نفهمید بس که اسیر ظاهرم من

من اومدم، می دونی که مسافرم من،تو دنیا حکم عابرم من

به جان زهرا بپذیرم اینجا نیام کجا برم من؟

الهی العفو یا الله

حالا که رحمتت وسیع و عام شده حجت به من تمام شده

این نفس سرکش از دم تو رام شده صاحب احترام شده

خدای من! خطامُ دیدی و ندیدی زبون گناه کرد نشنیدی

رفته بودم تو دام شیطان اگه منُ نمی خریدی

خدای من!نگو که دیگه دیر رسیدی نگو که از من دل بریدی

گناه منُ انداخته از پا جز تو ندارم هیچ امیدی

الهی العفو یا الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ زمینه شب های ماه مبارک[[141]](#footnote-141)

خداروشکرماه رمضونه رامون دادن میون خونه

خداروشکرکه سفره پهنه اومد دیوونه

ابررحمت روی سر شاه و گدا می شینه

سفره دارماه رمضون امیرالمومنینه

امیربی نظیره دل بعشقش اسیره

دست ما رو می گیره

یاعلی علی

دل مجنون درپی لیلا ذکرلبهام یوسف زهرا

سحردعا صفایی داره کنارارباب کنارسقا

خوش بحال کسی که یه شب پیش آقاش بمونه

بالاسرساقی عشق خمس عشر بخونه

دین ودنیام ابالفضل ذکرلبهام ابالفضل

آقام آقام اباالفضل

یاحسین حسین

اگه که تشنگی کشیدم دم افطاراگه بریدم

تشنگی حرم رودیدم ببخشیدم

علی اصغرمی میره و رباب زاروحزینه

عمو مونده توعلقمه روضه خونه سکینه

همه صورت دریدن اون دمی که شنیدن

بابارو سربریدن

یاحسین حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ زمینه وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها[[142]](#footnote-142)

نشسته پیغمبر به داغ تو مادر گرفته ماتم از فراق تو مادر

گریه میکنه دختر تو ناله میزنه شوهر تو

به یاد خاطر تو

یاحضرت خدیجه

نداری حتی یک کفن برای خود مادر تمام هستیت شده فدای پیغمبر

گریه میکنه دختر تو ناله میزنه شوهر تو

به یاد خاطر تو

یاحضرت خدیجه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ زمینه وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها[[143]](#footnote-143)

شهر مکه ماتم به پا شد قلب پیمبر محزون یاره

اشک غربت اشک غریبی چشم پیمبر داره می باره

دل خون کرده، فراق دلبر پر از آتیشه دل پیغمبر

می سوزه زهرا، برای مادر

میون خونه خانوم چقدر خاطره داره

از امشب شریکش رو دیگه تنها می ذاره

مصطفی، داره نوحه می خونه ای وای از، روزگارو زمونه

می گه بعد تو حبیبه من دخترم دیگه تنها می مونه

وای

درد هجران درد جدایی بدجوری این غم قلبو سوزونده

یادگاری از تو یه چادر محبوبه من تو خونه مونده

تو رفتی اما بگم که زهرا می مونه گریون تو کوچه تنها

دو تا گوشواره ش شکست واویلا

تو نیستی که ببینی به روزش چی میارن

علی شو تو مدینه همه تنها می ذارن

خیلی آب می شه توی جوونی فاطمه بانوی آسمونی

می مونه توی صورتش ای وای طرحی از کبودیا نشونی

وای

همسرم ای مهربانم خدای عالم داده سلامت

فرستاده کفن برامون مادر زهرا به احترامت

ببین جبرائیل کفن آورده یکی از این ها به نامت خورده

ولی انگار شد دلم آزرده

آورده کفن هارو برای همه ما نمی مونه یه کفن برای پسرما

من دلم حزینه بی قراره دیده هام مثل ابر بهاره

می سوزم دیگه شدم پریشون وقتی که حسین کفن نداره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ سرود میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام[[144]](#footnote-144)

شب شبه مراده و بساط ما عاشقا جوره

پور حیدر رسیده چشم همه حسودا کوره

وقتی از راه میرسه مدینه غرق شور و نوره

یاحسن میگمو زندگی رو دوباره از سر می گیرم

یاحسن می گمُ عیدیمُ از دست حیدر می گیرم

ماه زهرایی عشق مولایی

یه کلام خیلی آقایی

یابن الزهرا حسن، یامولا

سرمو میدم به پات تویی همه­ی کس و کارم

همه جا با هر تپش می گم آقا تویی دلدارم

تا که از راه میرسی اسم قشنگت میشه افطارم

دستای کریمت دوباره حاجتای منو داد

سائلا اومده انگاری حضرت باب­المراد

گوهر نایاب دلمو دریاب

از میِ تو شدم باز بی تاب

یابن الزهرا حسن، یامولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ سرود میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام[[145]](#footnote-145)

کیه برام از تموم دلبرا سره امام مجتبی

کیه که دل از اهل دو دنیا میبره امام مجتبی

سائلم من به درگاه شاه کرم

عمریه درب این خونه من نوکرم

نگاهی برما بکن ای آقا عزیز زهرا

مدد یا مولا عزیز زهرا

شب شور و مستی دل ما عاشقاشده شادی بپا

گداها بیایید میشه حاجتها روا شده شادی به پا

اسم تو شد نمک واسه افطار اقا

بده عیدی ما یک شبی کربلا

میخونند باهم،تموم دنیا.مدد یا مولا

مدد یامولاعزیز زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ سرود ميلاد امام حسن مجتبى علیه السلام[[146]](#footnote-146)  
امشب مدينه شد شد از بوى عطرش معطر  
خوابيده خورشيد زهرا رو دستاى حيدر  
ارادت ما به حسن کمتر از اويس قرن نيست  
تو قلب کسى به غير مجتبى مسلمأ نيست  
بگيد به هرکى که ميخواد توبه کنه ماه رمضونُ   
هيچ راهى غير ذکر يا محسن به حق حسن نيست  
حرمت توى مدينه يا که تو عرش برينه  
زائر هر شب و روزت پسر ام بنينه  
رو لبمه سيد الکريم يا حسن جان  
تو آقايى و ما نوکريم يا حسن جان

چى بهتر از اينه که به همين زودى آقا  
صحنت ميشه افتتاح روزى با دست زهرا  
به غير تو کى براى على زهرا نور عين بود  
کلام نافذت رساله ى ابالفضل و حسين بود  
جاى تو خاليه فقط تو کربلا شباى جمعه  
کاش يه حرم داشتى اونم درست تو بين الحرمين بود  
کم ما و کرم تو رو چشه ما قدم تو  
بگو کى وا ميشه پامون يه سحر تو حرم تو  
رو لبمه سيد الکريم-يا حسن جان  
تو آقايى و ما نوکريم-يا حسن جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ سرود ميلاد امام حسن مجتبی علیه السلام[[147]](#footnote-147)

یه نگاه به من کن آقا که به عشق تو اسیرم

آقای خوب و کریمم من گدا تویی امیرم

گدای کوی تو نبودن مگه میشه مگه میشه

اسیر روی تو نبودن مگه میشه مگه میشه

با لطفت آقا با مهربونی اسم من و تو خودت میخونی

بر سر سفرت تو می نشونی

حسن کریم طه سیدنا یا مولا

پسر حضرت احمد وصی برحق حیدر

داداش بزرگ زینب نور چشم و دل مادر

روزی و رزق رمضونم رسید از راه رسید از راه

امام خوب و مهربونم رسید از راه رسید از راه

از آسمون تا روی زمینه سفره لطفش هر کی میبینه

کار کریم مگه غیر از اینه

حسن کریم طه سیدنا یا مولا

با نگاه سبزت آقا پاییز از زندگی میره

میرسه بهار رحمت نا امیدی ها می میره

مرام و لطف و کرم تو همه سبزه همه سبزه

دست و نگاه و قدم تو همه سبزه همه سبزه

تا یادم میاد من دوست دارم سرمست توام باغ و بهارم

به تو می نازم دار و ندارم

حسن کریم طه سیدنا یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ [سرود میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام](http://mazaherkasiri.ir/1393/04/04/%D8%B3%D8%B1%D9%88%D8%AF%20%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%20%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%20%D8%AD%D8%B3%D9%86%20%D9%85%D8%AC%D8%AA%D8%A8%DB%8C-1)[[148]](#footnote-148)

از برق چشمات چش زهرا شده روشن

ملایک واست سرود شادی می خونن

تو آسمون نیست جای یه سوزن انداختن

آقامدد یا مجتبی

ماه پیش تو زانو زده گفته تویی ماهم

دست کریمت می زنه طعنه به دریا هم

ای اسم تو خورده گره با بخشش و احسان

با دست لطفت می خری خوب و بد و باهم

سر زده قمر از آسمون رسیده یه پادشاه مهربون لیلی دل من مجنون

یا کریم سیدی یا مجتبی

عطر آقام می وزه دل تازه تر می شه

با اذنت عالم یهو زیر و زبر می شه

ماه از شرم روت داره شق القمر می شه

آقامدد یا مجتبی

گرد طلا و زعفرون خاک زیر پاشه

روشن شده عالم اگر از برق چشماشه

اوج تواضع اینه که سلطان یک اقلیم

همسفره می شه با گدا هر جا می خواد باشه

آرزوی همه مون اینه دوباره گدا شاهشُ ببینه مدینه شه همون مدینه

یا کریم سیدی یا مجتبی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ سرود / شور میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام[[149]](#footnote-149)

می بندم عهدی تاقیامت با دلی که ازعشقت پریشونه

حسن روی قلبم نوشتم تا بدونن صاحب داره این خونه

محاله یک لحظه ازعشق تو جداشم

که تا دنیا دنیاس غلام نوکراشم

کرار زاده ای نه توخودکراری اسرار زاده ای نه تو خود اسراری

مولامولامولا حسن ابن الحیدر

بیا امشب ازدست آقامون بگیریم هرچی حاجت دنیاس

آخه می گن به مادرش رفته کرامت ارث مادرش زهراس

می خوام امشب آقا روا کنی دعامُ

یه امضاکن زیر جوازکربلامُ

مهتاب زاده ای نه تو خود مهتابی ارباب زاده ای نه تو خود اربابی

مولامولامولا حسن ابن الحیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13 ـ شور میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام[[150]](#footnote-150)

گل خنده رولب مجنونه جبرییل توآسمون می خونه

کامله ماه خدا چون امشب ماه زهرا خوابیده توخونه

دلُ دریاکن چشاتُ واکن

عرض توسل به گل علی و زهراکن

مدد مولانا

به خدا که مجتبی بی همتاس سفره داره وکریم وآقاس

شیر جنگ و پسر پیغمبر مقتدای امام عاشوراس

چشاتُ واکن بازم غوغاکن

بیاو با دست کرم کربلا امضا کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14 ـ شور میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام[[151]](#footnote-151)

کرامتت باز دوباره گل کرده هرکسی که با تو بمونه مَرده

روز قیامت مادرت آقاجون دنبال کشته مرده هات می گرده

نیمۀ ماه رمضون مجنونم می دونی که بی سر و سامونم

آخرش میاد یه روز می بینم حرم امام حسن مهمونم

مجنونت مادرمه آقا این حرف آخرمه آقا سایه ت روی سرمه آقا

کریم آل فاطمه حسن حسن حسن

میون قلب نوکرا جا داری قوت قلب حیدر کراری

هرکسی که دوسِت داره امشب رُ دعوته خونۀ علی افطاری

همیشه از کرمت می خونم به تو و برادرت مدیونم

چی میشه یه روز بگم میلادت حرم امام حسن مهمونم

درمون دردای دنیامی گفتم من تویی که آقامی مهتاب تموم شبهامی

کریم آل فاطمه حسن حسن حسن

اسمتُ می برم دلم وا میشه هرکسی که گدات شد آقا میشه

اون کسی که حسن حسن می خونه راستی نظرکردۀ زهرا میشه

پای بیرق شما می مونم نکنی یه وقت آقا بیرونم

بذا تا یه بار بگم تو عمرم حرم امام حسن مهمونم

تو عشق حضرت زهرایی امّید خونۀ مولایی آقای دلای شیدایی

کریم آل فاطمه حسن حسن حسن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15 ـ زمینه شب ضربت خوردن امیرالمومنین علیه السلام[[152]](#footnote-152)

شب آخر رسیده علی چشاشُ بسته گوشۀ حجره ای وای دل همه شکسته

میری و جواب بچه یتیما رُ کی می ده کی می دونه علی از دست کوفه چی کشیده

بابای مهربون ما داره می ره پیش خدا

زیر لب هی زبون می گیره سلام زهرا

بابا حیدر

همه چشما پرآبه حال حیدر خرابه این لحظه های آخر برا زینب عذابه

می دونه که باباش براش مث یه پهلوونه نفسش می گیره داره امن یجیب می خونه

حق علی ادا شده مسافر خدا شده

خونۀ مرتضی علی غوغا شده

بابا حیدر

دیگه وقتش رسیده دیدن که حیدر امشب دست حسینُ اینجا گذاشت تو دست زینب

می خونه یه روزی کربلا خواهرت اسیره تو رُ می زنن و زینب تو زبون می گیره

امون از این سرنیزه ها کشتن تو رُ مسلمونا

زینبُ کشته حرف این نامحرما

حسین جانم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16 ـ زمینه شب ضربت خوردن امیرالمومنین علیه السلام[[153]](#footnote-153)

شبای خدایی رسیده مددی امیرالمومنین

شبای گدایی رسیده مددی امیرالمومنین

به مولا بگو پشت در خونت نشستم

به مولا بگو چون یتیما کاسه به دستم

به مولا بگو یادغمهات ببین شکستم

وای مولا

نگاهت چقدر پریشونه مهمون امشب زینب

رولبهات الیه راجعونه مهمون امشب زینب

چشاتُ واکن آخه قلبم آتیش می گیره

چشاتُ واکن بی تو دنیا چه دل گیره

چشاتُ واکن به خدا زینبت می میره

وای مولا

شبونه میری از بر من خداحافظ باباحیدر

روشونه میری از بر من خداحافظ باباحیدر

کفن برتنت برو امشب نور دوعینم

کفن برتنت بی کفن غرق خون حسینم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17 ـ زمزمه ضربت خوردن زبان حال حضرت ام کلثوم سلام الله علیها[[154]](#footnote-154)

برای بار چندم رفتی زیر نور ماه

نگفته بودی بابا

شبای قدر مستحبه آیه "انا لله"

چرا بابا خیره میشی اینجور به ماه آسمون

با کی داری حرف میزنی؟

به کی میگی یاس جوون؟

دلم داره شور میزنه ببین که می لرزه صدام

افطار که مهمون منی به کی میگی دارم میام؟

باباجون یاحیدر یاحیدر

حس غریبی دارم خدا خودش می دونه

حس همون روزی که

تو مدینه مادر من رفت با حسن از خونه

قسم می دم به جون من امشب بابا مسجد نرو

ببین که مرغابیا هم می گن آقا مسجد نرو

قلاب در بانی شد و اشک تو چشات جوونه زد

شالت به دست مادرو قنفذ با تازیونه زد

باباجون یاحیدر یاحیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 18 ـ زمزمه ضربت خوردن امیرالمومنین ( علیه السلام)[[155]](#footnote-155)

آسمون چشای من ابرای بارون خدا

فرق علی شد دوتا کوفه شده کرببلا

چشم علی تارِ تاره غمش دیگه حد نداره

زینب براش پرستاره برا بابا خون می باره

بابا، جونی نداره پیکرت خونی شده فرق سرت

نگو می خوای بری سفر به پیش زهرا همسرت

اگه شدی خونین جگر از ضرب کینه در سحر

بگو به زینبت چی شد در بین محراب ای پدر

این آخرین درد و دله یتیمی خیلی مشکله

سلام به مادر برسون بگو زینب خون به دله

بابا مرو مرو مرو

بابای خوب و مهربون حرفُ ز چشمامون بخون

ما التماست می کنیم کنار بچه هات بمون

دوریت حسن رُ میکشه حال حسینت نا خوشه

اگه بری تنها می شیم چراغ خونه خاموشه

این دم آخر حسنین اینا وصیت باباس

همه برید فقط باشن گلای زهرا گل یاس

پهلوون خونۀ من قدر داداشت رُ بدون

جون تو جون حسین باز زینبم پیشم بمون

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 19 ـ زمینه ضربت خوردن[[156]](#footnote-156)

یاعلی ویاعظیم یا غفور و یا رحیم

شد به ضرب تیغ کین دختر زهرا یتیم

لافتی الاعلی مالک ملک دلی داری امشب می پری قاری قرآن علی

ای بابا فقط زدست کوفیا رنجیدی

ای بابا به خون تومحراب دعا غلطیدی

ای بابا خون سرت رُ به خدا بخشیدی

یاحیدر علی علی علی علی علی

ای شه کون و مکان شمس و ماه آسمان

جان مادرای پدر پیش زینب تو بمان

من که هستم خاک پات عاشق سخن وسرات

هرشب ازهیأت میرم رو برو گنبد طلات

یا مولا توجمع نوکرات نظر میندازی

یامولا اشکُ تو توی چشمامون میسازی

یامولا اسممُ از قلم یه وقت نندازی

یا حیدر علی علی علی علی علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 20 ـ واحد ضربت خوردن[[157]](#footnote-157)

سخته بوالله برای یک دختر ببینه باباش رو باحالتی مضطر

می بینه مهمونش کنار ایوونه با صحبتاش داره دلُ میلرزونه

خیره شده چشماش سوی بالا داره به لب نجوا انالله

داره چشای ابری بابا آروم میخونه زهرا یا زهرا

حیدر یا حيدر

تومسجد كوفه مي بينه باز مهتاب

خورشيد طلوع كرده، از مشرق محراب

پهلون خيبر روح عباداته اين لحظه آخر گرم مناجاته

مولاي يا مولاي انت السلطان مولاي يا مولاي انت الرحمن

ارحمني يا رب انت العظيم و من لي غيرك انت الحكيم

مي رسه آوايي محزون و درد آور يا ايها العالم قد قتل الحيدر

غرق به خون شد تا محاسن مولا جلوجلو ديدش صحنه عاشورا

شيب الخضيب اي واي اي واي اي واي

خد التريب اي واي اي واي اي واي

حسين تو گودال، غوغا به پا شه

باضرب خنجر، سرت جدا شه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 21 ـ زمینه شهادت امیرالمومنین علیه السلام[[158]](#footnote-158)

تو سینه ها صدف یا حیدر امیر لو کشف یا حیدر

ستاره نجف یا حیدر یا حیدر

تویی تو مرد نبرد صاحب دستمال زرد

توی دنیا به خدا نبوده مثل تو مرد

کیسه به دوش کوچه ها تو سحری

تویی که از حال گدا با خبری

واسه تموم یتیما تو پدری تو پدری

وای، علی یا حیدر

از آسمون عزا می باره به کام آقا غم می کاره

چشای اون تو صبح بیداره

کوفه شهر ماتمه پره کینه اند همه

واس زخم سر تو اسم زهرا مرهمه

داری می ری سفر رو دلم پا نذار

داری می ری سفر دلم و جا نذار

داری می ری سفر منُ تنها نذار

وای علی یا حیدر

بال و پره تو وا شد بابا دردای تو دوا شد بابا

حاجت تو روا شد بابا

خیلی وقت که دلت هوای سفر داره

لبای تو هر سحر دعای سفر داره

این روزا یه سره از یار می خونی

از دوری دل و دلدار می خونی

روضه های در و دیوار می خونی

وای علی یا حیدر

شب سیاه بی مهتابه خون سرت روی محرابه

حالا که برای تو جون دنیا بر لبه

فکر و ذکر تو آقا پریشون زینبه

تو کربلا دستا رو بسته می بینه

ساقی رو بین خون نشسته می بینه

دوباره یه فرق شکسته می بینه

وای علی یا حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 22 ـ زمینه شب شهادت امیرالمومنین ( علیه السلام)[[159]](#footnote-159)

کوفه شده قیامت برپا علی می ره بسوی زهرا

ذکر لبا شده واویلا واویلا

دل دنیا غرق خون آسمونا نوحه خون

می خونه یه دختری بابا جون پیشم بمون

زینب کنار بسترت گریونه چند روزیه واس تو پریشونه

امن یجیب برای تو می خونه می خونه

وای علی یا حیدر

تو دل بستری این روزا لبای تو می خونه بابا

عجل وفاتی مثل زهرا

اگه تو بری ما از همیشه یتیم تریم

یتیمای کوفه باز دوباره میشن یتیم

از غصه حسن تو داره می میره

تا زخمای سر تو شفا بگیره

تو دست هر یتیم یه کاسه شیره

وای علی یا حیدر

عکس وداع توی چشماته وصیتت روی لبهاته

دست حسین توی دستاته

عمریه که قلب من غم کربلا داره

عباسم توی کربلا واس تو علمداره

غیرت علوی رو به ارث می بره

ساقیه ولی از همه تشنه تره

برا سپاه تو خودش یه لشکره

وای علی یا حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 23 ـ زمینه شهادت امیرالمومنین علیه السلام[[160]](#footnote-160)

همه ارض و سما

پرشد ز آه و درد و غم

کوفه قامتش می شه خم

وای

پیچیده توی شهر

امشب سکوت مبهمی

تو راهه انگاری غمی

وای

وای.صدای مناجات نمیاد

وای، چه کرد کوفه ای داد بی داد

وای، امان از غریبی علی جان

نرو بابای من

بی تو اسیر درد می شم

از زندگی دلسرد می شم

وای

می ری بابای من

به پیش زهرا مادرم

زینب چی میشه دلبرم؟

وای

وای.چرا غرق درد و نوایی

که، ندارم تو کوفه پناهی

من، بمیرم برا تو الهی

وای.امان از غریبی علی جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 24 ـ نوحه شهادت امیرالمومنین علیه السلام[[161]](#footnote-161)

زدرد وغصه ها شدم دیگر رها

دم جان دادنم بیا زهرا بیا

دلی که با تو دادم بی تو بشکست

سرم چو پهلوی تو در خون بنشست

علی یامولا مولامولا

من خونین جگر به این چشمان تر

دگر راحت شدم زیاد میخ در

دعاکن ای دلدارم یارم امشب

برای من نه زهرا بهر زینب

علی یامولا مولامولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 25 ـ واحد شهادت امیرالمومنین علیه السلام[[162]](#footnote-162)

از کینه بشکسته بال و پرت بابا خون می چکد باز از زخم سرت بابا

الهی بمیره از غمت زینب تو

نبینه که حرف رفتنه رو لب تو

بی تو جون میده زینب تو

جانم حیدر نرو بابا

تو میری و بابا از غصه می خونی می مونه زینب با چشمای بارونی

منو بی قراری تو وشوق پریدن

منو داغ دوری تو به زهرا رسیدن

تا پیش خدا پر کشیدن

جانم حیدر نرو بابا

رفتی و بارونم با روضه هات امشب تازه شروع میشه دردو غم زینب

تورفتی و زینب کوه صبرو بلا شد

عزادار تشت و پیکر مجتبی شد

زینب زایر کربلا شد

جانم حیدر نرو بابا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 26 ـ واحد شهادت امیرالمومنین علیه السلام[[163]](#footnote-163)

بین محراب غرق خونم تیغ کین تا دل ابرو دریده

کی مثل من غصه دیده دنیا مثل من تنها ندیده

نون و خرمارُ به دوشم شبا کشیدم

پای من لرزید که هر جا یتیمی دیدم

هرکجا خوبی کردم طعنه شنیدم

ای وای دل از دنیا بریدم

واغربتا علی علی

وقت وبی وقت توخیالم واسه خاطرات فاطمه چه تنگه

اما قلب دنیاسنگه نگاه مغیره هم با من می جنگه

نمی ره یادم دشمن بی سروپارو

صدای سیلی میون اون کوچه هارو

دستای بستم نگاه همسایه هارو

اون مردم بی وفارو

واغربتا علی علی

ای کمانی سرو حیدر لحظه وصل ما اومده امشب

تودعا کن که نبینه فرق بشکسته مو چشای زینب

بگو که الهی دخترت غصه نبینه

نیاد اون روزی که روی ناقه بشینه

یه سر بریده به روی نیزه ببینه

ای کاش که غربت نبینه

واغربتا علی علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 27 ـ واحد شهادت امیرالمومنین ( علیه السلام)[[164]](#footnote-164)

دومین تشییع شبونه  
دوباره سنگینی شونه  
شبونه شونه ها میلرزه  
آخه حیدر ویل خیبرو بردن از خونه  
آسمون هم چشماش خونه خونه  
سرقبرش زهرا روضه خونه  
فرق تو ,سینه من, وای خدا واویلا  
دیگه چی می خواد بشه کرببلا واویلا  
یا حیدر یامرتضی

شهرکوفه مثل مدینه  
آه سردی مونده توسینه  
مدینه سینه روشکستن  
اینجا پهلوون شده غرق خون زینب می بینه  
توی عرش حق هم روضه برپاست  
لحظه ی وصل حیدر وزهراست  
دست تو بازوی من وای خدا واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 28 ـ واحد تند شهادت امیرالمومنین علیه السلام[[165]](#footnote-165)

شاه علی تا که دنیا دنیاست جونم رو میدم به پای آقا

ذکر علی شد دوای دردم کوری چشم همه حسودا

بی تو بودن برا من شرف نیست

غیر عشقت آقا جون هدف نیست

می خونم اهل جنت بدونند

هیچ بهشتی شبیه نجف نیست

سلام ما بر حضرتت بی عدد

بازم می خونم علی حیدر مدد

یا علی حیدر علی حیدر مدد

دوباره بغضی توی گلوشه یه آسمون که ابر بهاره

دلخوره از دست این زمونه از غصه هایی که بی شماره

این روزا بین بستر می خونه

واسه یارش می گیره بهونه

یاد روزای سخت مدینه

یاد عشقی که پر زد ز لونه

میون بسترروضه میخونه

به یاد مسمار با رد خونه

یاعلی حیدرعلی حیدر مدد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 29 ـ زمینه بعد از شهادت[[166]](#footnote-166)

میسوزه دل خونم ستاره روی گونم

گرفته آسمونم ای بابا

خونمون ماتم سراست تودلامون غم بپاست، باباکجایی

نه فقط ماها می گیم شده ذکرهریتیم، باباکجایی

تشنه محبتیم، باباحیدر

تشنه عدالتیم، باباحیدر

یاعلی علی علی علی حیدر

رسیده جونا برلب هنوزم توتاب و تب

میخونه روضه زینب، ای بابا

باهزار درد ومحن پیکرتوشدکفن توی دل شب

یک کفن مونده به جا روش نوشته مجتبی می میره زینب

بی کفن برادرم ای حسین جان

شاه تشنه بی سرم ای حسین جان

یاحسین حسین حسین

ثارالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**منابع**

1. الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت.
2. المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 16، ص 7، باب 5 - تزوجه ص بخديجة رضي الله عنها، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.
3. دلائل النبوة، الأصبهاني، أبوالقاسم اسماعيل بن محمد بن الفضل التيمي (متوفاى535هـ) ، ج 1   ص 178، تحقيق: محمد محمد الحداد، ناشر: دار طيبة - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409هـ..
4. الاستغاثة، الكوفي، أبو القاسم علي بن أحمد بن موسى ابن الإمام الجواد محمد بن علي (متوفاي352هـ)، ج1، ص70، طبق برنامه مكتبة اهل البيت عليهم السلام.
5. مكارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، ناشر: شریف رضی، قم 1370.
6. احتجاج، احمدبن‌علي طبرسي، دارالكتب الاسلاميه، تهران، 1382ش.
7. تحف العقول، ابو محمد حراني (مترجم:حسن زاده صادق)، آل علی، 1387 ش .
8. زینب: بانوی قهرمان کربلا، بنت الشاطی، عایشة، انتشارات امیر کبیر، تهران1370.
9. قطام و نقش او در شهادت امام علی علیه السلام، جرجی زیدان، ترجمه و تحقیق : ابراهیم خانه زرین/ ایرج متقی زاده، انتشارات میراث ماندگار، قم 1381.

**محصولات تولیدی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | نام کتاب | موضوع |
| 1 | بهشت خاکی ـ باران غربت | شوال |
| 2 | امام مهربانی ـ سلسله عاشقی ـ مهربانترین پناه | ذی القعده |
| 3 | بهار ولایت ـ حرای غدیرـ همای غدیر | ذی الحجه |
| 4 | آتش عشق ـ الظلیمه ـ نوحوا علی الحسین | محرم |
| 5 | صفرنامه ـ منبر اشک ـ حماسۀ وارثین | صفر |
| 6 | خورشید عالمتاب ـ ربیع الایام ـ طلوع رحمت | ربیع الاول و ربیع الثانی |
| 7 | یاس کبود ـ یاس کبود2ـ یاس کبود3 | میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها)  ایام فاطمیه |
| 8 | مادر آسمانی ـ بانوی باران ـ مادرانه | میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)  وفات حضرت ام البنین (سلام الله علیها) |
| 9 | عطر بهشت ـ صراط الجنه ـ منظومۀ علوی | رجب |
| 10 | نورٌ علی نورٌـ فصل وصل ـ ستارۀ زمین | شعبان |
| 11 | هلال نیایش ـ شبهای بی قراری | رمضان |
| 12 | جزوه آموزشی دستگاههای آواز | ــــــــــــــ |
| 13 | جزوه آموزشی دوره مقدماتی به پیوست دروه تکمیلی | ــــــــــــــ |
| 14 | دفتر اول شعر نوجوانان | سطح 1 آموزش مداحی نوجوانان |
| 15 | تاملی در اصول و فنون مداحی و نوحه خوانی | سلسله مباحث اصول و فنون مداحی |
| 16 | روش اجرای اقسام مجالس مداحی | سلسله مباحث اصول و فنون مداحی |

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد اول ـ دوره عمومی**

این کتاب شامل سه بخش عملی و تئوری می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

1. آموزش زمزمه بر مبنای دستگاه های آوار سنتی.
2. آموزش روش انتخاب شعر و سبک گذاری بر مبنای دستگاه های آواز سنتی.
3. آموزش رو خوانی و روانخوانی دعای توسل و زیارت عاشورا.
4. آموزش اصول و فنون نوحه خوانی.
5. اصول و فنون مداحی ( خلاصه دروس ارائه شده در جلسات کانون بسیج مداحان نخبه).

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تربیت و معرفت دینی ـ عبارت است از:

1. احکام عمومی.(خلاصة رسالة امام خمینی رَحِمَهُ الله)
2. احکام تخصصی(هیأت).(استخراج از رسالة مراجع عظام)
3. آشنایی با اسامی، عبارات، ترکیبات و اصطلاحات عاشورایی.(خلاصه فرهنگ عاشورا تألیف استاد جواد محدثی)

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

1. بازخوانی نقش محرم در انقلاب اسلامی
2. کارکردهای هیآت مذهبی
3. هیآت و وظایف مهم آن
4. عبرتهای نهضت حسینی
5. هیآت و آسیبها
6. تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد دوم ـ دوره متوسطه**

این کتاب شامل سه بخش مهارتی، معرفتی و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

* 1. آموزش دستگاه های آوار.
  2. آموزش روش انتخاب شعر و کاربردی کردن اموخته هتای سبکی در دستگاه های آواز.
  3. آموزش ادعیه و زیارات ؛ شامل دعای کمیل و دعای ندبه.
  4. آموزش سبکهای مجلسی سنتی.
  5. آموزش روش تهیه مجلس دهه ی محرم شبهای اول تا پنجم.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ معرفت دینی ـ عبارت است از:

* + 1. قصص انبیاء.
    2. مقتل امام حسین(علیه السلام).
    3. تاریخ شهادت معصومین(علیهما السلام).
    4. آیین روضه خوانی.
    5. ادبیات فارسی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

* + - 1. اهداف نهضت عاشورا.
      2. عزاداری، سنت یا بدعت.
      3. نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی.
      4. عاشورا و جریان شناسی نفاق.

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد سوم ـ دوره تکمیلی**

این کتاب شامل سه بخش عملی، تئوری و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس عملی ـ عبارت است از:

1. آموزش مولودی خوانی شامل آموزش شعرخوانی و سرودخوانی.

2. آموزش انتخاب شعر مولودی خوانی و کاربردی کردن آموخته های سبکی در فصل قبل.

3. آموزش تهیه مجلس دهه محرم؛ شبهای ششم تا یازدهم، مصائب کوفه و شام و اربعین.

4. آموزش تهیه مجالس معصومین.(علیهم السلام)

5. آموزش دستگاههای آواز.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تئوری ـ عبارت است از:

* + - 1. اخلاق.
      2. آداب دعا و مناجات.
      3. تاریخ اجتماعی سیاسی ائمه.
      4. اصول عقاید.
      5. ادبیات عربی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

عاشورا و رسالت نخبگان.

حادثه عاشورا و نقش مثبت و منفی خواص.

امام حسین(علیه السلام) پیشوای اصلاح طلبی اصول گرایانه.

حماسه ی عاشورا و معیارهای عزت و ذلت ملتها.

**جهت تهیه محصولات کانون بسیج مداحان نخبه با شماره 35947738 و09191222166 آقای میلاد مهراندیش تماس حاصل فرمایید.**

1. . گزیده ای از سخنرانی شیخ میثم علی پناه در تاریخ 08/04/93 در حسینیه شهدای بسیج. [↑](#footnote-ref-1)
2. . كافي، کلینی، ج1، ص403. [↑](#footnote-ref-2)
3. . گزيده‏اي از سخنان حضرت آية اللّه علامه مصباح يزدي(دامت بركاته) در دفتر مقام معظم رهبري در تاریخ 23/06/86 مصادف با دوم رمضان 1428. [↑](#footnote-ref-3)
4. . الإصابة، ابن حجر عسقلانی، ج 4، ص 275. [↑](#footnote-ref-4)
5. . ، الانوار الساطعه فی شرح الزیاره الجامعه ، کربلائی، جواد بن عباس، ص 375. [↑](#footnote-ref-5)
6. حیاة السیّدة خدیجه،. شرهانى، ص 282. [↑](#footnote-ref-6)
7. . المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 16، ص 7، باب 5. [↑](#footnote-ref-7)
8. .،دلائل النبوة، الأصبهاني، أبوالقاسم اسماعيل بن محمد بن الفضل التيمي (متوفاى535هـ) ، ج 1   ص 178. [↑](#footnote-ref-8)
9. . الاستغاثة، الكوفي، أبو القاسم علي بن أحمد بن موسى ابن الإمام الجواد محمد بن علي (متوفاي352هـ)، ج1، ص70. [↑](#footnote-ref-9)
10. .مكارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، ص 233. [↑](#footnote-ref-10)
11. . احتجاج طبرسى، طبرسی، احمد بن علی،ج 1، ص 282. [↑](#footnote-ref-11)
12. . تحف العقول، حرانی، ابومحمد، ص 233. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سخنراني آيت الله جوادي آملي (دامت بركاته) در مراسم احياي شب قدر مسجد اعظم قم- آبان 1382. [↑](#footnote-ref-13)
14. . زینب: بانوی قهرمان کربلا، بنت الشاطی، عایشة، ص 72. [↑](#footnote-ref-14)
15. . قطام و نقش او در شهادت امام علی علیه السلام، جرجی زیدان، ترجمه و تحقیق : ابراهیم خانه زرین/ ایرج متقی زاده. [↑](#footnote-ref-15)
16. . « گوشه چشمی» باید «گوشه­ی چشمی» باشد؛ این نوع کاربرد، تصرف در زبان است. [↑](#footnote-ref-16)
17. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-17)
18. . تعبیر «ناز بس کن» در بیت آخر، تعبیر خوبی نیست. [↑](#footnote-ref-18)
19. . با حذف یک بیت. [↑](#footnote-ref-19)
20. . قافیه ها به جهت عدم رعایت یکسانی «ی» ایراد دارد. [↑](#footnote-ref-20)
21. . «ع» در مصراع یکم(گذشت عمرم) و پنجم(خواندم عمری) از وزن خارج است [↑](#footnote-ref-21)
22. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-22)
23. . با حذف یک بیت. [↑](#footnote-ref-23)
24. . با حذف یک بیت. [↑](#footnote-ref-24)
25. . با حذف یک بیت. [↑](#footnote-ref-25)
26. . با حذف یک بند. [↑](#footnote-ref-26)
27. . مقصود شاعر محترم این است: بر وفای تو جز جفا نکردم. [↑](#footnote-ref-27)
28. . با حذف یک بیت. [↑](#footnote-ref-28)
29. . با حذف یک بند. [↑](#footnote-ref-29)
30. . با حذف یک بیت. [↑](#footnote-ref-30)
31. . با حذف سه بیت. [↑](#footnote-ref-31)
32. . خالی از نشانه های شعری( زبان قوی، احساس تأثیرگذار، تخیل و نگاه هنری و موسیقی) است اما مضامین برجسته ای دارد. [↑](#footnote-ref-32)
33. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-33)
34. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-34)
35. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-35)
36. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-36)
37. . با حذف سه بیت [↑](#footnote-ref-37)
38. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-38)
39. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-39)
40. . با حذف یک بیت. [↑](#footnote-ref-40)
41. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-41)
42. . با حذف دو بند. [↑](#footnote-ref-42)
43. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-43)
44. [↑](#footnote-ref-44)
45. .غرق در تجلی وحی، رسول خدا وارد خانه شد، تا نگاه کرد خدیجه گفت: السلام علیک یا رسول الله، فرمود: خدیجه برای من وحی نازل شده، عرض کرد من از اول در جمال شما آثار نبوت دیدم، منتظر امروز بودم، پیغمبر خوشحال شد اولین مومنهخدیجه است، بعد ها آیه نازل شد پیغمبر با القاب خوب صدا بزنید، وارد شد بر فاطمه، بی بی دو عالم عرضه داشت السلام علیک یا رسول الله، پیغمبر غمگین شد فرمود: فاطمه جان تو بگو بابا. تو که میگی بابا دلم شاد میشه. [↑](#footnote-ref-45)
46. .رها کردن خدیجه سلام الله علیها رُ، تنها و غریب بود، دید بچه ای که داره حمل می کنه صداش می زنه:

    غم مخور مادر که غمخوارت منم این جهان و آن جهان یارت منم

    مادر صبر کن، بالاترین زنان بهشتی آمدند، مریم، هاجر، حوا، آسیه، ساره [↑](#footnote-ref-46)
47. . به جهت آنکه در میان ابیات مصیبت صلوات گرفته نشود می توانید به جای کلمه شریف " محمد "، " پیمبر " به کار ببرید. [↑](#footnote-ref-47)
48. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-48)
49. . ردیف در مصراع دوم جا نیفتاده؛ زاید و حشو است. [↑](#footnote-ref-49)
50. . بلا و اندوه. [↑](#footnote-ref-50)
51. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-51)
52. . با نوای : حاج ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-52)
53. . با نوای : حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-53)
54. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-54)
55. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-55)
56. . با نوای : حاج امین مقدم [↑](#footnote-ref-56)
57. . با حذف سه بیت [↑](#footnote-ref-57)
58. . با نوای : کربلایی سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-58)
59. [↑](#footnote-ref-59)
60. . با نوای : حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-60)
61. . با نوای : کربلایی سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-61)
62. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-62)
63. . بهتر است از کاربرد مضمون و صفت« شاه» در باره اهل بیت(علیهم السلام) پرهیز شود. [↑](#footnote-ref-63)
64. . مضمون« بد مستی کردن» در شعر ولایی اصلاً قابل دفاع نیست [↑](#footnote-ref-64)
65. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-65)
66. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-66)
67. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-67)
68. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-68)
69. . با حذف پنج بیت [↑](#footnote-ref-69)
70. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-70)
71. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-71)
72. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-72)
73. . با حذف دو بیت [↑](#footnote-ref-73)
74. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-74)
75. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-75)
76. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-76)
77. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-77)
78. . بانوای: عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-78)
79. . بانوای: کربلایی جواد مقدم [↑](#footnote-ref-79)
80. . بانوای: کربلایی جواد مقدم [↑](#footnote-ref-80)
81. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-81)
82. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-82)
83. . بانوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-83)
84. . با نوای : حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-84)
85. . نوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-85)
86. . با نوای : کربلایی محمد حسین حدادیان [↑](#footnote-ref-86)
87. . با نوای : کربلایی محمد حسین حدادیان [↑](#footnote-ref-87)
88. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-88)
89. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-89)
90. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-90)
91. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-91)
92. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-92)
93. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-93)
94. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-94)
95. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-95)
96. . با حذف یک بیت [↑](#footnote-ref-96)
97. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-97)
98. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-98)
99. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-99)
100. . با نوای : حاج ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-100)
101. [↑](#footnote-ref-101)
102. . زبان حال نادرستی است؛ همه می­دانیم حضرت امام علی(ع) دو دختر داشته است! [↑](#footnote-ref-102)
103. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-103)
104. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-104)
105. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-105)
106. . با حذف یک بند [↑](#footnote-ref-106)
107. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-107)
108. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-108)
109. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-109)
110. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-110)
111. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-111)
112. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-112)
113. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-113)
114. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-114)
115. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-115)
116. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-116)
117. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-117)
118. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-118)
119. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-119)
120. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-120)
121. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-121)
122. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-122)
123. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-123)
124. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-124)
125. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-125)
126. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-126)
127. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-127)
128. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-128)
129. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-129)
130. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-130)
131. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-131)
132. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-132)
133. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-133)
134. . فرازی از دعای کمیل. [↑](#footnote-ref-134)
135. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-135)
136. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-136)
137. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-137)
138. . ایمان مقدم [↑](#footnote-ref-138)
139. . مظاهر کثیری نژاد [↑](#footnote-ref-139)
140. . مظاهر کثیری نژاد [↑](#footnote-ref-140)
141. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-141)
142. . سجادی [↑](#footnote-ref-142)
143. . علی جباری [↑](#footnote-ref-143)
144. . عباس محمدی [↑](#footnote-ref-144)
145. . ابوالفضل آلوئیان [↑](#footnote-ref-145)
146. . میثم میرزایی [↑](#footnote-ref-146)
147. . حیدر عمادی [↑](#footnote-ref-147)
148. . مظاهر کثیری نژاد [↑](#footnote-ref-148)
149. . محمد جواد حیدری [↑](#footnote-ref-149)
150. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-150)
151. . ایمان مقدم [↑](#footnote-ref-151)
152. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-152)
153. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-153)
154. . عبداله باقری [↑](#footnote-ref-154)
155. . سید مجید هاشمی ( بابل ) [↑](#footnote-ref-155)
156. . مجتبی کمانکش [↑](#footnote-ref-156)
157. . مهدی آلوئیان [↑](#footnote-ref-157)
158. . علی جباری [↑](#footnote-ref-158)
159. . علی جباری [↑](#footnote-ref-159)
160. . ابوالفضل آلوئیان [↑](#footnote-ref-160)
161. . حسین خدایاری [↑](#footnote-ref-161)
162. . محمد جواد حیدری [↑](#footnote-ref-162)
163. . حسین خدایاری [↑](#footnote-ref-163)
164. . محمد جواد صالحی پناه [↑](#footnote-ref-164)
165. . مهدی آلوئیان [↑](#footnote-ref-165)
166. . ابوالفضل آلوئیان [↑](#footnote-ref-166)